



- ✧ سرمقاله: اتحاد و اتفاق
- ✧ دوستی و احترام اسلام با یهود
- ✧ داستان‌های طلایی
- ✧ یهودیان ایرلند
- ✧ سنت‌های آغاز زندگی
- ✧ مشترک در یهودیان

הִנֵּה מָה טוֹב וְמָה נָעִים שָׁכַת אֲחִים גַּם יַחַד

اینک چه خوش و دلپسند است، که برادران به یک دل با هم ساکن شوند

مزامیر حضرت داوود، میزمور ۱۳۳ آیه ۱

رونمایی از کتاب «فرهنگ لغات فارسی - عبری حییم»

۷ دی ماه ۱۳۹۳



سنة

אָפּק
פֿינא

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال هفدهم - شماره ۴۲

آذر ۱۳۹۴ شمسی

کیسلو 5776 عبری

نوامبر - دسامبر 2015 میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامیح

زیر نظر: شورای سردبیری بینا

مدیر داخلی: نسترن جاذب

هیئت تحریریه: دکتر یونس حمای لاله‌زار - دکتر سلیمان کهن‌صدق -

دکتر رامین لاله‌پور - رحمن دلرحیم - دکتر ژان پایاب - امید محبتی -

نسترن جاذب - فرانک عراقی - دوریتا معلمی - لیورا سعید - شرکان انورزاده

نیوشا پایاب - لانا دانیالی - مژده یمینیان - فرینوش لازار - امیر فراز نعیموت

الهام مؤدب .

هماهنگی هیئت تحریریه: بهادر میکائیل

همکاران این شماره: بیژن آصف، امید شایان مهر، کیارش یشایایی،

فرزاد طویبان، بهادر میکائیل، ابراهیم سعیدیان، آزاده بن‌ذکریا،

فرشید مرادیان، شادی نیسانی.

ویراستار: نغمه عاقل

حروفچینی و صفحه‌آرایی، امور مالی و اشتراک: نسترن جاذب

اجرا: کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران

طراحی جلد: مردخای امین شومئلیان

پشتیبانی رایانه‌ای: مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران

عکس: مردخای امین شومئلیان

چاپ، لیتو گرافی و صحافی: دریا

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۲۳۳۱۷ تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی: bina@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

نقل معالاف از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است.

بينا - פֿינא - در عبری به معنای آگاهی و بصیرت است

● سرمقاله: اتحاد و اتفاق / دکتر همایون سامیح / ۲

● الهی نامه / امیر فراز نعیموت / ۳

● شهید قریبیز موریم، شهیدی از سلاله انبیاء و ... / دکتر سلیمان کهن‌صدق / ۴

● بخشی از مصاحبه خبرنگار روزنامه شرق با دکتر سیامک مره‌صدق / ۶

● دوستی و احترام اسلام با یهود / رحمن دلرحیم / ۸

● داستان‌های طلایی ... پندهای طلایی (قسمت اول) / دکتر رامین لاله‌پور / ۱۲

● بعضی وقت‌ها / شرکان انورزاده / ۱۵

● روابط عمومی، جایگاه و ویژگی‌های آن / امید محبتی / ۱۶

● یهودیان ایرلند / دکتر ژان پایاب / ۱۸

● تأثیر ایرانیان بر تدوین تلمود بابلی، سخنرانی دکتر آزاده احسانی / فرانک عراقی / ۲۴

● مصاحبه با کاوه دانیالی به بهانه تکمیل دستگاه TDCS ... / فرانک عراقی / ۲۵

● اسرار مگو را نه تو دانی و نه او ... / دوریتا معلمی / ۲۸

● تحلیل دانشگاه تهران از پیش‌کسوتان تبلیغات تجارقی ... / کیارش یشایایی / ۳۰

● هوش برتر / لیورا سعید / ۳۲

● اوضاع یهودیان در قرون وسطی (بخش دوم) / نسترن جاذب / ۳۶

● با من باش / امیر فراز نعیموت / ۴۱

● حکایت عشق / امید محبتی / ۴۲

● حضور انجمن کلیمیان در بیست و هشتمین نمایشگاه کتاب / آزاده بن‌ذکریا / ۴۶

● رونمایی از کتاب فرهنگ لغات فارسی - عبری حیم / دکتر سلیمان کهن‌صدق / ۴۹

● معرفی فرهنگنامه زنان ایران و جهان / لانا دانیالی / ۵۰

● باورهای غذایی نادرست / مژده یمینیان / ۵۲

● یهودیان مشهور: ویکتور امیل فرانکل / نیوشا پایاب / ۵۶

● ۲۰ سال آینده، مشاغل در دست ربات‌ها / فرینوش لازار / ۶۲

● سنت‌های آغاز زندگی مشترک در یهودیان (قسمت اول) / الهام مؤدب / ۶۴

● محکومیت توهین به مقدسات و ارزش‌های دینی / دکتر سلیمان کهن‌صدق / ۶۷

● قضاوت در روش هشانا / امید شایان مهر / ۶۸

● گزارش ۱۴ خرداد ماه ۱۳۹۴ و گزارش نثار تاج گل به مرقد ... / بیژن آصف / ۷۰

● جلسه عمومی ستاد خیریه کورش / فرزاد طویبان / ۷۲

● رونمایی از کتب جدید مرکز ملی مطالعات جهانی شدن / بهادر میکائیل / ۷۳

● گزیده‌ای از اخبار دهه فجر به روایت تصویر / دکتر سلیمان کهن‌صدق / ۷۴

● برگزاری کنسرت موسیقی سنتی در خانه جوانان / شادی نیسانی / ۷۷

● اخبار / روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران / ۷۸

● کتاب جادو و ذهن / فرشید مرادیان / ۸۴

حق اشتراک را به حساب جاری ۰۱۰۵۸۰۴۴۳۲۰۰۵ نزد بانک ملی، شعبه ملک (شیخ‌هادی)، کد ۴۵۶ (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی) به نام انجمن کلیمیان تهران واریز کرده و اصل فیش بانکی را همراه با مشخصات فردی، آدرس و تلفن به نشانی آفقی بینا ارسال کنید.

کپی فیش بانکی را نزد خود نگه دارید.
هر گونه تغییر نشانی را سریعاً اطلاع دهید.
هزینه اشتراک برای ۶ شماره ۱۲۰۰۰۰ ریال است.

اشتراک نشریه بینا



سرمقاله :

اتحاد و اتفاق

دکتر همایون سامیع

سو بوده و تفرقه‌ای در بینشان نبود. پس به امتیاز اتحاد، حتی در راه گناه، در مجازاتشان تخفیف داده شد.

انتخابات انجمن کلیمیان و پس از آن انتخابات هیأت مدیره پس از مدت حدود یک سال به پایان رسید. طبعاً بین شرکت‌کنندگان در این انتخابات و همچنین اعضاء جامعه اختلاف‌نظرهایی وجود داشت و هر یک از افراد راه‌کارها، نظرات و ایده‌هایی متفاوت از بقیه داشت. نکته مهم این است که پس از به پایان رسیدن انتخابات و تثبیت انجمن، تمام افراد منتخب دست در دست هم گذاشته و برای ارتقاء جامعه حداکثر تلاش خود را بنمایند. چرا که گسستگی بین این افراد همانند موربانه عمل کرده و باعث شکست جامعه خواهد شد.

البته منظور از اتحاد، عدم اختلاف نظر و نبود انتقاد نیست؛ چرا که تفاوت در آراء و نظرات، موجب شکوفایی و بروز خلاقیت؛ و انتقاد، موجب سازندگی می‌شود. ولی تخریب، تخریب هر یک از مسئولین و مدیران و بزرگان جامعه موجب کاهش اعتماد به نفس جامعه و بروز ابهام در قدرت آنان خواهد شد.

امسال نیز انتخابات دیگری در راه است، که همان انتخابات مجلس شورای اسلامی است. امید است کاندیداهای این انتخابات همچون سالیان گذشته از انگیزه‌ها، ایده‌ها و توانایی‌های خود، برای پیشبرد جامعه یهودی بگویند و نه هدف گرفتن و تخریب رقبای خود، چرا که جامعه، با تفکر و تعقل و قابلیت پی به توانایی افراد می‌برند و می‌دانند کسی که قابلیت تخریب فرد را دارد می‌تواند جامعه‌ای را نیز تخریب نماید و تمایلی به اتحاد و اتفاق در او نیست.

امید است با حفظ اتحاد و اتفاق و همبستگی در بین مدیران جامعه، بتوانیم جامعه کوچک خود را موفق‌تر، سربلندتر و شکوفاتر بسازیم. ■

اتحاد، از صفات نیکو و پسندیده بوده و بدیهی است اگر نیروهای کوچک با هم جمع شوند بر نیروهای بزرگ‌تر غالب می‌گردند. با اتحاد می‌توان بر بسیاری از مشکلات فایق آمد.

بشر به صورت انفرادی نمی‌تواند به راحتی زیست کند، چرا که استطاعت و طاقت به عهده گرفتن تمامی مسئولیت‌ها را ندارد. پس ناگزیر برای بلند کردن بار زندگی در کنار دیگران، به شکل مدنی زندگی می‌کند. این زندگی گروهی، فقط در جهت پیش بردن امور فردی نیست که کاربرد دارد بلکه در امور اجتماعی نیز گروه، بسیار موثرتر از فرد می‌تواند کار را به سرانجام برساند. هرچند که زندگی اجتماعی مشکلاتی را نیز به همراه دارد که تنازعات و مراعات از جمله آنها است.

در شریعت یهود و تورات مقدس نیز توصیه‌های بسیاری به همدلی و اتحاد شده است و مهم‌ترین استناد ما واقعه اعطای تورات است که زمانی به وقوع پیوست که اتحاد و همبستگی و یکدلی بین قوم یهود ایجاد شده بود. مثال بارز دیگر؛ ماجرای مردم بابل است که تصمیم گرفتند برجی بسازند و به آسمان‌ها برسند و با خداوند بجنگند، ولی مجازاتی که خداوند برای آنها تعیین کرد نابودی نبود، بلکه پراکنده شدن در دنیا و نفهمیدن زبان یکدیگر بود. اما در واقعه طوفان نوح، مجازات مردم نابود شدنشان بود. مفسرین ما دلیل تفاوت این دو مجازات را در رفتار مردم نسبت به یکدیگر می‌دانند. بدین معنا که در واقعه طوفان نوح همه به هم ظلم می‌کردند و هر کس تنها به فکر خودش بود و دیگری در نظرش دشمن محسوب می‌شد. پس هیچ اتحاد و همدلی بینشان نبود. اما در ماجرای ساخت برج بابل، همه با هم متحد و هم

الهی نامه

امیر فراز نصیموت



«پرتو افکن می شود نور تو در خانه دل
آنکه که نام اعظمت از ذهن و جان می گذرد»

بار الهی ...

بار الهی : در عشق به عنایتی رسان مرا که جز تو
هیچ نبینم و به هیچ چیز جز تو نیندیشم و به غیر از تو
به هیچ، دل نبندم. که تنها تو لایق پرستش هستی و برای
من بهشت و دوزخ و برزخ، بی تو هر سه یکی است.

بار الهی : قصه عشق تو را صد بار تکرار می کنم
هر چه را غیر تو من نادیده انکار می کنم
یک نفس دوری ز تو چند سال تعبیر می شود
روزه چند ساله را با نامت افطار می کنم .

بار الهی : من نیک می دانم که سرنوشت همه چیز در
دست توست، تو خود به من نشان دادی که تنها چشم یاری
به تو داشته باشم. پروردگارا همیشه ما را در راه
شناخت خودت یاری ده و تکتکمان را عاقبت به خیر
بگردان.

با نام تو آغاز می کنیم، که نام تو آغاز و پایان هر
کاری است. به نام خدا می گوئیم و کنار می ایستیم تا
شاهد باشیم، چگونه همه چیز به دست پر توان تو تنها
سامان می گیرد.

همان طور که در کتابی که بر ما نازل کردی
فرمودی: جنگ از آن من خدا. است نه شما بنده ها؛ کافی
است ما دستان خود را بالا ببریم و نام تو را صدا بزنیم تا
تو پیشاپیش ما، بندگان حرکت کنی و دشمنان بزرگ
ما، ناامیدی، یاس، غرور، خودخواهی و فقر و نادانی را
از پیش روی ما برداری و ما را از هر چه غیر از
خودت بی نیاز سازی.

بار الهی : بی نیازی هیچ نیست جز احتیاج داشتنت
چونکه محتاج توام، تو بی نیازم می کنی

فریبرز موریم

شهیدی از سلاله انبیا و آزادگان تاریخ

دکتر سلیمان کهن صدق



فریبرز موریم، قهرمان جاوید و فرزند دیگری از جامعه کلیمیان ایران است که با ایثار، فداکاری، غیرت، همت و عزت در راه سربلندی و دفاع از آب و خاک ایران شجاعانه جنگید و با افتخار شهید شد.

فریبرز (الياهو) موریم، در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده مذهبی و زحمتکش کلیمی در قصرشیرین دیده به جهان گشود. پدرش، از روحانیون و پیش‌نمازان شریف قصرشیرین بود که از همان دوران کودکی، فریبرز را با مکتب توحیدی یهودیت آشنا کرده و قوانینی و مراسم مذهبی یهودیان را به وی تعلیم داد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را با موفقیت به پایان رساند. در سال ۱۳۵۹، بر اثر حمله رژیم بعثی عراق و اشغال قصرشیرین، خانواده آن شهید که تمامی هستی خود را از دست داده بود ناچار به مهاجرت به باختران گردیدند.

فریبرز، همراه با گروهی دیگر از جوانان به اسارت مزدوران بعثی درآمد؛ ولی با شهادت موفق گردید خود را رهایی بخشد و پس از طی مسافتی طولانی با قدم‌هایی استوار و مصمم به نیروهای ایرانی در سرپل ذهاب پناه برد.

شهید فریبرز موریم، با عزمی راسخ و با انگیزه قاطع در دفاع از ایران و با تشویق و حمایت خانواده، در تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۰، به خدمت مقدس سربازی اعزام و پس از طی دوره آموزشی در شهر مشهد مقدس، همراه با سایر برادران هموطن خود به جبهه نبرد حق علیه باطل شتافت و در گردان توپخانه لشکر ۷۷ خراسان، در پست خطیر دیده‌بانی قرار گرفت و در چندین عملیات به طور فعال شرکت داشت.

«شهید موریم»، در عملیات بیت‌المقدس با ایثار و فداکاری خود و دیگر هم‌زمان و با عنایت الهی به قلب رژیم بعثی عراق حمله کردند و در نبردی شجاعانه با متجاوزان، موفق به «آزادی خرمشهر» گردید.

«شهید موریم»، در آخرین عملیات در نزدیکی بصره خدمت می‌کرد. وی در عملیات والفجر همچنانکه به دیده‌بانی توپخانه لشکر ۷۷ خراسان مشغول بود و تا قلب دشمن پیش رفته بود، زمانی که در پشت خاکریز دشمن قرار داشت، پس از عبور از موانع جهنمی و میادین مین دشمن، نارنجکی از سوی یکی از مزدوران صدام به طرف وی پرتاب گردید که در اثر انفجار آن، از ناحیه شکم به شدت مجروح شد.

وی ابتدا به یکی از بیمارستان‌های اهواز منتقل و تحت عمل جراحی قرار گرفت و پس از دو روز به بیمارستان شهید دکتر فقیهی شیراز منتقل و پس از گذشت ۱۰ روز، در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۱، به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

در میان ابراز همدردی عمیق هموطنان مسلمان شیرازی، به سوی فرودگاه شیراز حرکت کردند و پیکر مطهر آن شهید توسط هواپیمایی ارتش زرهی لشکر ۸۱ به کرمانشاه منتقل گردید و سپس از مسجد جامع کرمانشاه، با حضور انبوه کلیمیان کرمانشاه و هموطنان مسلمان کرمانشاهی به بهشتیه (آرامگاه) کلیمیان کرمانشاه منتقل و خاکسپاری شد. «شهید موریم»، در نبردی شجاعانه با بیگانگان و متجاوزان عراقی، با نثار خون پاک خود، پیوند تاریخی همبستگی کلیمیان ایران با سایر هموطنان را، استحکامی عمیق و معنوی بخشید. و این امر گواه آن است که ایرانیان کلیمی نیز در تمامی عرصه‌ها، دوشادوش سایر هموطنان خود، در راه سربلندی و دفاع از میهن خویش، همراه با سایر اقوام و ادیان، در جبهه‌های نبرد دفاع مقدس حاضر شده و قهرمانانه با نثار خون خود بر خاک ایران زمین، ندای حق را لبیک گفته و به درجه رفیع شهادت نائل آمدند که این امر یادآور این سخن طلایی حضرت امام (ره) می‌باشد:

ایران مال همه است؛ توحید، مذهب همه است و ما ملت واحده هستیم.

روحش شاد و یادش گرامی

«شهید موریم»، در دیدارهایی که با خانواده خود داشت، همواره از خاطرات خود در جبهه‌های نبرد و محیط صمیمی و همبستگی تمامی ادیان الهی در بین رزمندگان در دفاع از میهن صحبت می‌نمود. «شهید موریم»، از لحاظ اخلاق و فضائل انسانی، پاک، مهربانی و صداقت نمونه‌ای کم‌نظیر بود. وی روحیه بسیار عالی داشت و در بدترین شرایط جسمانی سعی می‌کرد با سخنان خود، بستگانش را دلداری دهد و در هنگام نبرد و حتی در بیمارستان همواره به یاد هم‌زمان خویش بود. خاطرات و یادگارهای ارزنده‌ای از روحیات ایثارگری و فضایل اخلاقی او باقی مانده است.

«شهید موریم»، در آخرین ساعات حیات خود در بیمارستان، با یکی از پزشکان خود (دکتر سیامک مره‌صدق) چنین می‌گوید: «اگر هزار بار دیگر به دنیا بیایم باز هم همین راه را ادامه می‌دهم و هرگز پشیمان نیستم و ...»

مراسم تشییع پیکر مطهر شهید موریم، روز یکشنبه اول اسفند ماه ۱۳۶۱، از مقابل بیمارستان دکتر فقیهی شیراز انجام شد. در این روز، با همراهی گروه موزیک ارتش جمهوری اسلامی ایران، جمعیت انبوهی از کلیمیان شیراز،



بخشی از مصاحبه خبرنگار روزنامه شرق با دکتر سیامک مره صدق نماینده کلیمیان در مجلس



دکتر مره صدق در این مصاحبه ضمن اشاره به تاریخچه حضور یهودیان در ایران، تأکید نمودند: امروزه، یک سری ادله تاریخی، مبنی بر حضور بیش از سه هزار ساله یهودیان در ایران وجود دارد که گواه بر آن است که از نظر شهروند و ایرانی بودن، یکی از قدیمی‌ترین گروه‌هایی که ایرانی محسوب می‌شوند، یهودیان ایرانی هستند.

نگاه جامعه «ایرانیان یهودی» به ایران، پس از انقلاب چگونه است؟

ما، شهروندان کامل ایران هستیم و سرنوشت سیاسی ما، با سرنوشت سیاسی سایر مردم ایران، گره خورده است. همه یهودیان، همواره در فعالیت‌های سیاسی، در چارچوب دفاع از منافع ملی و حفظ ارزش‌های توحیدی، حضوری فعال داشته‌اند و این مربوط به امروز نیست و در طول تاریخ وجود داشته است. میثاق ملی مردم ایران، قانون اساسی است. وضعیت اقلیت‌ها هم در این قانون، مشخص شده است (اصل ۱۳ قانون اساسی). به هر حال، ستون‌های اصلی راه، در اعتماد سیاسی و ارتباط بین ایرانیان یهودی و حاکمیت، چارچوب قانون اساسی و دستورات مقام معظم رهبری، تشکیل می‌دهد و حتی مقام معظم رهبری، برای حل برخی مشکلاتمان توجه خاصی داشته‌اند و برخی مسائل اقلیت‌های دینی، با فتوای ایشان حل شده است. موضوع «برابری دیه پیروان ادیان الهی»، یکی از فتاوی راهگشا و کارگشایی بود که توسط مقام معظم رهبری، مطرح شد و توانست مشکلاتی را که

داشتیم، تا حدودی حل کند. البته، برخی از مسائل قانونی و حقوقی در رابطه با اقلیت‌های مذهبی ایران، وجود دارد و خوشبختانه احساس می‌کنیم که مسائل در حال حل شدن است و رویکرد مسئولان نظام، برای حل این موضوعات، مثبت است.

نظر شما در مورد نسبت «یهودیت» و «صهیونیست» چیست؟

دو گروه در دنیا هستند که اعتقاد نژادپرستانه خود را به اشکال مختلف، نشان می‌دهند. یک گروه، افراد ضدیهودی، مثل نازیسم و نئونازیسم هستند که آنها اعتقاد دارند، یهودیان با بقیه متفاوت هستند و در سطح پائین‌تری از جامعه بشری، قرار دارند؛ مانند تفکر هیتلری که جوامع بشری را به نژاد برتر یا نژاد آریایی و نژادهای میانی و نژادهای پست، طبقه‌بندی می‌کند. در این تقسیم‌بندی، تمامی نژاد سامی در گروه نژاد پست، قرار می‌گیرند. از نظر تئوری‌های نژادپرستانه هیتلر، به غیر از یهودیان، اعراب هم، در ردیف نژاد سامی جای دارند. نژاد

یکی از موضوعات مورد بحث در عرصه سیاست خارجی ایران، مسأله «هولوکاست» است. نگاه شما به این مسأله چگونه است؟

هولوکاست، یک نسل‌کشی غیرقابل انکار است. شک کردن به هولوکاست، مثل شک کردن به بدیهی‌ترین اتفاقات در تاریخ است. پیرمردها و پیرزن‌هایی که در نوبت ورود به اتاق گاز برای کشتار توسط هیتلر بودند، زنده هستند. هنوز اردوگاه‌هایی که در آن اتاق‌های گاز وجود داشته، کوره‌هایی که برای از بین بردن جنازه قربانیان وجود داشته و حتی کفش‌های قربانیان هولوکاست، در موزه‌ها وجود دارد. وجود مقبره ۴۰ یهودی لهستانی در آرامگاه کلیمیان تهران، اگر نشانه این نیست که زمانی، یهودیان لهستانی تحت فشار بودند و به ایران پناه آوردند، نشانه چیست؟ قضاوت در مورد یک مسأله تاریخی کار مورخان است. اما من فکر نمی‌کنم، هیچ استدلال متقنی برای عدم وجود هولوکاست، وجود داشته باشد تنها این که شما قربانی یک نسل‌کشی باشید، به شما اجازه نمی‌دهد، یک نفر دیگر را بکشید.

هولوکاست، به هیچ‌وجه مجوزی برای رفتارهای غیرانسانی رژیم صهیونیستی، به حساب نمی‌آید.

هیتلر، شخصی نیست که بشود از او دفاع کرد و از بار گناهانش کاست و دامن زدن به این قضیه و انکار هولوکاست، نه تنها کمکی نمی‌کند و در جهت منافع ملی ما نیست؛ بلکه ابزار خوبی دست صهیونیست‌ها می‌دهد که منافع ملی را، تهدید کند. ما اعتقاد داریم، رفتاری که دولت و ارتش اسرائیل دارد، سرسوزنی با آموزه‌های یهودیت، سازگاری ندارد. دولت اسرائیل، به هیچ‌وجه، در مقامی نیست که خودش را مدافع و نماینده یا سخنگوی جامعه یهودیان دنیا اعلام کند؛ بلکه سخنگوی وحشی‌ترین جناح امپریالیسم است. ■

سامی، به فرزندان حضرت ابراهیم (ع) اسحق و اسماعیل اطلاق می‌شود و از دیدگاه نژادپرستانه‌ی هیتلری، «عرب بودن» هم مثل «یهودی بودن» به حساب می‌آید. شاید جالب باشد بدانید، یکی از بدترین کلماتی که در کمپ‌های نسل‌کشی هیتلر، در طی جنگ جهانی دوم، به عنوان توهین به کار می‌رفت، واژه‌های «فرد مسلمان» و «محمدی» بود. در سیستم نژادپرستی، تمام ساکنان خاورمیانه را به عنوان انسان‌های پست، در نظر می‌گیرند.

اما گروه دوم تفکرات نژادپرستی در دنیا، متعلق به یک سری تفکر افراطی صهیونیستی است که اعتقاد دارند، یهودیان به خاطر یهودی بودن، با دیگران متفاوت هستند و بالاتر از دیگران قرار دارند؛ که هر دو این تفکرات، نژادپرستانه است. در کشورهایی مثل ایران، هیچ‌وقت تبلیغات صهیونیستی موفق نبوده است، مگر در کشورهایی که یهودیان، مورد ستم شدید قرار داشته‌اند. هر کس، در گوشه‌ای از دنیا، با عنوان یک دین، ادعاهای سیاسی کند، نمی‌توانیم آن را به حساب پیروان آن دین بگذاریم. من به هیچ‌وجه، اهل تسنن را با داعش، یکی نمی‌کنم و رفتارهای برخی گروه‌های افراطی را، به حساب تشیع نمی‌گذارم و به هیچ‌وجه این رفتارهای اسرائیل را، به حساب یهودیت نمی‌گذارم. همیشه در طول تاریخ از ارزش‌های الهی سوءاستفاده‌های مختلفی شده است.

وی در ادامه تأکید نمود: از یهودیان شدیداً مذهبی ارتدکس، تا یهودیان سوسیالیستی چپ، نحله‌هایی هستند که با صهیونیسم مخالف هستند؛ یا انتقاد شدید به رفتار صهیونیست‌ها دارند و این مخالفت‌ها به یک محدوده جغرافیایی و یا یک گروه فکری خاص، محدود نمی‌شود. در میان روشنفکران یهودی آمریکایی، می‌توان از «وودی آلن» نام برد که بارها مخالفتش را، با رفتارهای اسرائیل اعلام کرده است. «توام چامسکی» یا روحانیونی مثل «آقا بابا»، که یکی از روحانیون یهودی مطرح عراق بود، در سال ۱۹۲۰ با اسرائیل مخالفت کرده است.



دوستی و احترام اسلام با یهود

(رحمن دلریم)

قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ لَتَعَارَفُنَّوْا»، یعنی: ما شما را از یک پدر و مادر آفریدیم تا نوع‌شناس «باشید». یا حضرت محمد (ص) می‌فرماید: «شما هیچ کدامتان به بهشت راه نخواهید یافت مگر این که شخص مؤمنی باشید»، «شما هیچ کدامتان مؤمن نیستید مگر این که نوع‌دوست باشید». سعدی (ع):

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند

رحمن دلرحیم:
تمام ما چه زرتشت و چه بودا
کلیمی یا مسلمان یا مسیحا
همه از یک پدر هستیم مردم
چون انگشتان دستیم مردم
همه ادیان به سوی یک الله است
تفاوت در طریق و سیر و راه است

حضرت رسول اکرم (ص)، همسر و منشی یهودی داشته‌اند و حضرت علی امیرالمؤمنین (ع)، شاه مردان، کسی که یک گوشواره از گوش یک دختر یهودی بیرون آورده بود را سخت مؤاخذه کرده و او را مجازات فرمودند. حضرت یوسف (ع)، سمبل و نمونه‌ی تقوا و پاکدامنی است. قرآن کریم، به شهادت او در خودداری از بی‌عفتی و خیانت، شهادت می‌دهد و او را می‌ستاید. آن حضرت یهودی بوده است. حضرت دانیال نبی که پیشگویی‌ها و

از دیدگاه قرآن مجید مبین (مترجم مهندس علی اکبر طاهری قزوینی)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی آیت‌ا... خمینی رضوان الله تعالی علیه، رهبر معظم انقلاب آیت‌ا... خامنه‌ای مدظله العالی، آیت‌ا... العظمی جوادی آملی و قانون اساسی

پیش‌گفتار:

هدف و منظور نویسنده از این مقاله، جلب محبت و اتحاد بیشتر افراد و جوامع ادیان مختلف، نسبت به یکدیگر است. لذا از صاحبان ذوق و سلیقه، انتظار دارد با خوشبینی و حسن تفاهم تنها به منظور و نیت نویسنده، توجه و عنایت فرمایند.

ما می‌دانیم، تمام انبیاء، دانشمندان و فلاسفه بزرگ جهان، همواره کوشش کرده‌اند به ما، فرزندان یک پدر و مادر و در واقع خواهر و برادر زادگان آدم اولیه، بفهمانند و ابلاغ و تلقین نمایند که خدای خالق ما، مقدم بر هر چیز از، تفاهم و تعاون و الفت و محبت نسبت به یکدیگر می‌خواهد و هیچ‌یک از اختلافات بین بندگان خدا، از هر دین و مذهب و ملت و مملکت و نژاد و قومیت و رنگ و زبان، به نام خداپرستی و تقرب به درگاه او، ابدأ موجب رضایت و جلب رحمت و برکت او نبوده و نخواهد بود. بلکه برعکس، خشم و نفرت خداوندی را موجب خواهد شد. همه ادیان، مردم را به نیکوکاری نسبت به یکدیگر که موجب سعادت دنیا و آخرت است دعوت و رهبری می‌نمایند. در تورات مقدس، (کتاب لاویان ۱۸/۱۹) می‌فرماید: «همنوعت را مثل خودت دوست بدار». یا

سوره بقره آیه ۶۰ صفحه ۹ = چون به صحرا رسیدند، موسی برای قومش جویای آب شد. به او گفتیم: چوبدست خود را بر آن سنگ بزن. آنگاه دوازده چشمه از آن جاری شد و هر تیره آبشخور خویش را شناخت. (به آنها خطاب کردیم) از روزی الهی بخورید و بیاشامید و در زمین تبهکاران سرکشی نکنید.

سوره بقره آیه ۵۰ صفحه ۸ = هنگامی که دریا را (به خاطر ورود شما) شکافتیم، آن گاه شما را نجات داده و فرعونیان را در برابر چشمانتان غرق ساختیم.

سوره آل عمران آیه ۸۴ صفحه ۶۱ = ما به خدا و به آن چه بر ما و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب نازل گردیده و نیز آن چه به موسی و عیسی و پیامبران، از جانب پروردگارشان داده شده است، ایمان داریم و میان هیچ یک از آن پیامبران، تفاوتی قائل نمی‌شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم.

سوره انعام آیه ۵۲ صفحه ۱۳۳ = زنهار کسانی که بامداد و شبانگاه، پروردگار خویش را به نیایش می‌خوانند و خشنودی او را می‌جویند، طرد نکن. نه تو مسئول حساب آنها هستی و نه آنها مسئول تو که طردشان کنی و در زمره ستمگران قرار گیری.

سوره نساء آیه ۱۶۳ صفحه ۱۰۴ = ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که نوح و پیامبران پس از او، مثل ابراهیم و اسماعیل و یعقوب، پیامبران دودمان عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی فرستادیم و همانگونه به داود زبور را عطا کردیم.

سوره نساء آیه ۱۶۴ صفحه ۱۰۴ = و بر پیامبرانی که سرگذشت پاره‌ای از آنها را، قبلاً بر تو بازگو کردیم و پاره‌ای دیگر را بازگو نکردیم، وحی فرستادیم و از میان آنها، خدا با موسی به وضوح سخن گفت.

سوره مائده آیه ۴۴ صفحه ۱۱۵ = تورات را که حاوی هدایت و نور است، نازل کردیم تا پیامبرانی که تسلیم حکم خدا بودند و نیز الهیون و علمای مذهبی که بر حفظ کتاب خدا مأمور بودند؛ طبق آن، بین یهودی‌ها دآوری می‌نمایند.

تعبیرات او، مورد تصدیق و احترام پیشوای جلیل‌القدر اسلام است، یهودی بوده است. حضرت یونس و حضرت ایوب که به تفضیل در قرآن مجید از ایشان ذکر شده، یهودی بوده‌اند. حضرت رسول اکرم (ص) نیز همچون دیگر انبیاء، با کفر و شرک مبارزه نموده و معبد اورشلیم را، مقدس و در ابتدا، قیله‌گاه خود دانسته و با یهودی‌ها به ملاطفت و محبت، رفتار می‌فرموده‌اند.

خلاصه‌ای از متن معاهده حضرت محمد (ص) با بزرگان یهود یثرب (مدینه)

از یهودی‌ها، هر کس پیرو ما باشد، از یآوری و برابری برخوردار شود. کسی به او ظلم نکند و کسی را بر ضد او یاری نکنیم.

یهودی‌ها پیرو دین خود و مسلمانان پیرو دین خویشند.

یهودی‌ها در جنگ، عهده‌دار مخارج خود و مسلمانان، عهده‌دار مخارج خویشند و همدیگر را بر ضد کسی که با پیروان دین به جنگ برخیزد یاری کنند. یهودی‌ها هر وقت به جنگ آمدند با مؤمنان خرج کنند. یهودی‌ها با مؤمنان متحد، در حکم یک امتند.

این، سند بسیار مهم سیاسی و مذهبی است که حضرت رسول اکرم (ص) بیش از ۱۳۰۰ سال قبل، تنظیم فرموده و آزادی عقیده را در آن محترم شمرده‌اند. می‌رساند که یهودی‌ها با قشون اسلام، در جنگ با کفار شرکت و مساعدت می‌کردند و مخصوصاً تأکید می‌کند که باید پیرو دین خود باشند.

حال چند آیه مبارکه از دیدگاه قرآن مجید بر تورات مقدس و بنی اسرائیل

سوره بقره آیه ۴۰ صفحه ۷ = خاندان یعقوب، نعمت مرا که بر شما ارزانی داشته‌ام، به خاطر آورید و به پیمان من وفا کنید؛ من هم به پیمان خود با شما وفا می‌کنم و تنها از کیفر من بترسید.

حاکمان ایران عزیز، ما را تحت الطاف و حمایت خویش قرار داده‌اند و می‌دهند که جای بسی شکر و تشکر دارد. از طرف دیگر، از هر مقطعی که بتوان تاریخ و تمدن ایران را مطالعه کرد، کلیمیان در متن و بطن این تاریخ حضور داشته و دارند. می‌توان گفت که بخشی از اصول اعتقاد دینی کلیمیان، در پهنه سرزمین ایران عزیز، شکل گرفته است. مقبره انبیاء صاحب کتاب یهود، چون حضرت دانیال نبی در شوش، حقیر پیغمبر در تویسرکان، استر و مردخای در همدان، به روایتی پیکر بنیامین برادر یوسف (ع) در نزدیکی قصر شیرین و همگی مویذ این ادعا است.

خلاصه و گلچینی از فرمایشات رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌ا... امام خمینی رضوان‌ا... تعالی علیه، در ارتباط با حقوق اقلیت‌های دینی در ایران:

در جمع گروهی از طلاب و روحانیون در تاریخ ۵۷/۱۱/۷:

ما، پیوستگی خودمان را به اقلیت‌های مذهبی اعلام می‌کنیم حضرات، آقایان، همه مسئول هستیم، روحانیون در درجه اول مسئولیت هستند. روحانیون، باید بروند در بلاد و جاهایی که در دوردست هستند. لازم است بروید در دهات و قصبات و اعلام کنند مسائلی را که ما می‌گوئیم.

مصاحبه تلویزیونی سوئیس در تاریخ ۵۷/۱۰/۱۸:

اقلیت‌های مذهبی در آینده آزاد هستند و در ایران در رفاه زندگی خواهند کرد و ما با آنها با کمال انصاف و مطابق با قانون عمل خواهیم کرد. آنها برادران ایرانی ما هستند.

سوره اعراف آیه ۱۵۹ صفحه ۱۷۰ = گروهی از قوم موسی هستند که مردم را به راه حق هدایت می‌نمایند و با معیار حق حکم می‌کنند.

سوره یونس آیه ۴۷ صفحه ۲۱۴: هر امتی، پیامبری دارد و چون پیامبرشان آمد، میان آنها به عدالت داوری شود و مورد ظلم قرار نخواهد گرفت.

سوره ابراهیم آیه ۵ صفحه ۲۵۵ = موسی را با نشانه‌های خود، فرستادیم و گفتیم که قوم خود را از تاریکی‌ها به روشنایی، رهسپار گردان و روزهای انعام و انتقام خدا را، به آنها یادآوری کن چون در آنها برای هر شکیبای سپاسگزار، نشانه‌هایی است.

سوره اسرا آیه ۲ صفحه ۲۸۲ = به موسی کتاب دادیم و آن را وسیله هدایت دودمان یعقوب، مقرر داشتیم که زنده‌ها هیچکس غیر مرا، که خدای عالم هستیم، کارگزار خود تلقی نکنید.

سوره انبیاء آیه ۴۸ صفحه ۳۲۶ = به موسی و هارون، تورات را که معیار تمیز حق از باطل و روشنی‌بخش راه و پندی برای پرهیزکاران بود، عطا کردیم. این آیات مبارکه را با فرمایشات حضرت رسول اکرم (ص) به پایان می‌برم: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» یعنی «بگوئید نیست خدایی غیر از خدای واحد، تا رستگار شوید». برابر آیات مقدسه عبری زیر هم که از تورات مقدس است و روزی سه مرتبه، ضمن نماز یومیه یهودی‌ها ذکر می‌شود **שמע ישראל **יהוה אחד** (شَمْعِ یسرائل اَدُونای اَلوهینو اَدُونای اِحاد) یعنی بشنو ای یسرائل خدا، خالق ما خدای واحد است. **الله هو الله** ، **الله هو الله** برابر عبری آن: **ה' הוא האלהים** (اَدُونای هوها اَلوهیم، اَدُونای هوها اَلوهیم) یعنی خدا، او خدا است، خدا، او خدا است.**

ناگفته نماند که اقلیت‌های مذهبی، به خصوص یهودی‌های ایرانی، بنا به دلائل و مدارک زیر، بحمدالله از هر لحاظ، از آسایش و امنیت کامل برخوردارند. چون

مصاحبه خبرگزاری آمریکایی یونایتدپرس در تاریخ ۵۷/۸/۱۷:

تمام اقلیت‌های مذهبی، در حکومت اسلامی، می‌توانند به کلیه فرائض مذهب خود، آزادانه عمل نمایند و حکومت اسلامی موظف است، از حقوق آنان به بهترین شکل حفاظت کند.

مصاحبه با روزنامه‌نگاران در تاریخ ۵۷/۹/۸:

در حکومت اسلامی، محلی برای اقلیت‌های مذهبی وجود دارد و آنها، الان هم وکیل دارند و در مجلس واردند. ما در حکومت اسلامی برای آنها این حق را قائلیم.

در حضور نمایندگان جامعه یهودی در تاریخ ۵۸/۲/۲۴:

ما، حساب جامعه یهود را، از حساب صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم. در قرآن کریم، از حضرت موسی (ع)، بیش از سایر انبیاء یاد شده است. تعالیم حضرت موسی (س) الهی است و تعلیمات ارزنده‌ای می‌باشد.

پاسخ حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، به نامه انجمن کلیمیان در تاریخ ۷۵/۶/۶، درخصوص برخی از تقاضاهای کلیمیان ایران:

حضرت آیت‌ا... یزدی، ریاست محترم قوه قضائیه؛ جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای فلاحیان، وزیر اطلاعات؛ جناب آقای بشارتی، وزیر محترم کشور؛ تیمسار سرتیپ سیف‌الهی، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی؛ به همه مراکزی که باید مطلع شوند و به خود جامعه کلیمیان اعلام کنند که پیروان همه ادیان الهی به ویژه متدینین به ادیان رسمی و از جمله یهودیان ایران، در پناه قانون و نظام جمهوری اسلامی قرار دارند و از حرمت و امنیت کامل برخوردارند. (دفتر مقام معظم رهبری محمدگلپایگانی)

دیدار جمعی از کلیمیان، با جناب آیت‌ا... العظمی جوادی آملی (مدظله العالی)، در قم در تاریخ یازده آذرماه ۱۳۹۳

جمعی از کلیمیان تهران، همراه نماینده محترم مجلس شورای اسلامی، جناب آقای دکتر سیامک مره صدق و رئیس محترم انجمن کلیمیان، جناب آقای دکتر همایون سامیح با جناب آیت‌ا... العظمی جوادی آملی دیدار و گفتگو کردند.

در ابتدای این دیدار، رئیس انجمن کلیمیان در سخنانی، هدف از این دیدار را تقدیر و تشکر از مراجع معظم شیعه در ایران، به خصوص جامعه کلیمیان بیان داشتند و گفتند:

جامعه کلیمیان، همواره در ایران احساس امنیت کرده است

و در پایان، آیت‌ا... جوادی آملی، خطاب به ملاقات‌کنندگان، فرمودند: «همه ادیان الهی، دارای یک اصول مشترک هستند و امیدواریم انجمن محترم کلیمیان کشور، همچنان مُعزز و محترم باشد و اقلیت‌های دینی مانند اکثریت‌های دینی در کنار بحث‌های توحیدی، صادقانه و سالمانه تا ظهور منجی موعود در کنار یکدیگر زندگی کنند.

اصل سیزدهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

«ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی، تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام فرائض دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند.» ■

داستان‌های طلایی پندهای طلایی (قسمت اول)

دکتر رامین لاله‌پور

نگیرد، آن وقت ممکن است تعدادی از داستان‌ها عجیب و دور از ذهن به نظر آید؛ یا حتی خدای ناکرده، توسط تعدادی از افراد مورد تمسخر و ناباوری فراوان. در حالی که آن چه در اینجا اهمیت دارد، نتیجه اخلاقی پشت پرده بیان این داستان‌هاست که اگر روشن شود بر شیرینی آنها افزوده شده و آنها را بهتر و بیشتر، قابل درک می‌سازد. بنابراین مناسب دانستیم، از این شماره تعدادی هر چند اندک از این داستان‌ها را، از منابع مذهبی درست بیان کرده، پندهای اخلاقی آنها را با هم مرور کنیم؛ تا به امید خدا بتوانیم راه‌های طلایی برای رسیدن به اهداف طلایی زندگی را برای خود بگشاییم.

۱. تأثیر کوچک‌ترین رفتارهای خوب با

دیگران:

گمارا نقل می‌فرماید، روزی راو بروقا، الياهو هناوی را دید. به او گفت: الياهو، در این بازار (راو بروقا مأمور رسیدگی به بازار بود) چه کسی را لایق دریافت عالم جاودانی می‌بینی؟ او، دو برادر را نشان داد. راو، با عجله به سمت آنان دوید و گفت: شما چه کار کرده‌اید؟ من، الياهو هناوی را دیده‌ام و او به من گفت، شما اهل بهشت هستید. گفتند؛ کار ما شاد کردن افراد است. می‌گردیم هر کس ناراحت و اوقات تلخ است، به هر شکلی شده او را خوشحال و خندان می‌کنیم. به آنها گفت: بدانید به خاطر همین عمل (به ظاهر ساده)، شما اهل عولام هبا (دنیای آینده) هستید.

اصولاً از دیدگاه اعتقادی ما و از نظر دانشمندان دینی یهود، بعد از خرابی بت همیقداش، جرقه‌های تقدس، که تمرکزی خاص در آن مکان مقدس داشت و از آن جا به کل جهان انتشار می‌یافت، در جای جای دنیا و در مکان‌ها و لوازم مقدس، پخش و متمرکز شد. اما از آن جایی که ساطان (شیطان)، از هیچ تلاشی در هیچ زمان و مکانی، برای انحراف جریانات مقدس فروگذاری نمی‌کند، برای خنثی کردن این جرقه‌های تقدس نیز، دست به کار می‌شود. زمانی که تقدس در کنیساها جای می‌گیرد، او برای انحراف آن تلاش می‌کند: صحبت‌های پوچ، حواس‌های پرت، دشمنی‌های بیهوده و موارد دیگر. تقدس در خواندن تورا نیز، می‌تواند با تشویق بر عدم تمرکز، تحت‌الشعاع قرار گیرد. خلاصه آن که، مثال در این زمینه فراوان است. اما یک جنبه اشاعه‌ی تقدس، در داستان‌ها است. اینجاست که علمای ما اعتقاد دارند، شیطان این جنبه را، زیاد جدی نمی‌پندارد. او می‌گوید: از داستان که چیزی بر نمی‌آید. لذا زیاد به آن توجه نمی‌کند، به این ترتیب، وسیله‌ای فراهم می‌شود که به خاطر علاقه آدمیان به شنیدن آن، زمینه مساعد اشاعه تقدس مطالب مهم و جدی و پندهای خاص اخلاقی را در زندگی، فراهم می‌سازد. از طرفی، کشف منابع صحیح بیان‌کننده این داستان‌ها نیز، بسیار مهم است؛ چرا که، خرافات یا اضافات و کاستی‌ها می‌تواند از اهمیت آنها، کم کند و از طرفی، اگر منبع صحیح بیان‌کننده، مورد تأیید قرار

و اگر کسی، زیبایی خود را بهانه کند که به دلیل آن مجبور بوده به سر و وضع خودش برسد، پس وقت کافی برای مطالعه نداشته است، یوسف صدیق را مثال می‌زنند که در نهایت زیبایی، باز هم خدای خود را فراموش ننمود.

و اما اگر، کسی بگوید مشغله کاری داشته و چون خیلی ثروتمند بوده، نتوانسته تورا بخواند؛ برای او العازار بن خرسوم را مثال می‌آورند. در گمارا فرموده‌اند: او دارای ثروت و املاک و باغات بسیار بود. پدرش، برای او هزار قصبه و هزار کشتی، به ارث گذاشته بود ولی ربی‌العازار، همه را به دست کارگذار رها کرده بود و خود هر روز، کیسه‌ی آردی به دوش می‌گرفت و از شهری به شهر دیگر و از استانی به استان دیگر می‌رفت تا تورا بیاموزد؛ تا حدی کارگزارش او را ندیده و نمی‌شناختند. یک بار، کارگزارش جلوی او را گرفتند و از او خواستند تا در حمل باری به آنها کمک کند، وی از ایشان خواست تا او را رها کرده تا به مطالعه و فراگیری تورا پردازد، ولی گفتند: «به جان ربی‌العازار به خرسوم اجازه نمی‌دهیم. تو نمی‌خواهی به چنین مرد بزرگی، خدمت نمایی؟» ربی‌العازار، به آنها پول زیادی داد تا کارگر دیگری استخدام کنند تا به جای او کار کند و او به تورایش پردازد. این گونه، ربی‌العازار شبانه‌روز مشغول تورا بود و به مال دنیا اهمیت نمی‌داد. نتیجه آن که: فرد یهودی، مطابق توانایی خود، باید برای آموزش تورا تلاش کند و هیچ بهانه‌ای در این راه، پذیرفته شده نیست.

۳. زندگی تنها و دور از جامعه، ارزشی ندارد:

داستانی است در گمارا مسخت تعنیت، از شخصی به نام خونی هم‌گل یا خونی دایره‌کش. او به حدی

پس متوجه می‌شویم، هر حرکتی حتی به ظاهر کوچک در خوشحال کردن دیگران، چقدر می‌تواند پیش خدا عزیز باشد.

۲. آموزش احکام الهی در هر شرایط و وضعیتی:

در گمارا و کتب مقدس ما آمده است که در دنیای باقی هیچ بهانه‌ای برای عدم آموختن تورا و فرائض مذهبی وجود نخواهد داشت. برای تأیید این موضوع، نمونه‌هایی عملی به انسان نشان داده خواهد شد.

اگر فقر بهانه باشد، هیل را مثال می‌زنند: او اهل بابل بود. به سرزمین مقدس آمد تا تورا را از دو تن اساتید خود شمعیا و اوطلیون بیاموزد. او مرد فقیری بود و روزی دو سکه کار می‌کرد. یکی را، به نگهبان بت میدراش (آموزشکده تورا) می‌داد تا تورا بیاموزد و یکی را، برای مخارج خود برمی‌داشت. از قضا، یک روز درآمدی نداشت و محافظ بت میدراش هم او را راه نداد. برای آن که از درسش عقب نماند به پشت‌بام رفت و گوش خود را روی دریچه بالا گذاشت و از آن جا درس را دنبال کرد. آن قدر، غرق مباحث مطرح شده گشته بود که متوجه نشد برف آمده و آن موقع هم شب شبات بود. همان جا بیهوش شد. صبح شبات شمعیا به اوطلیون گفت: هر روز از بالا نور داشتیم، حالا چرا این قدر تاریک است؟ خوب که توجه کردند، شکل انسانی را روی دریچه دیدند. برای حفظ جان او، شبات را حیلول کردند. آب گرم کردند تا او به حال آمد و بعد قرار شد برای ورود به یشوا، طلب پول نکنند. این، داستان مردی است در نهایت فقر، که در هیچ حالی آموزش تورا را، باطل نکرد.

می‌کاریم تا دیگران بخورند). خونی، بر زمین نشست تا غذایی بخورد، ناگاه خود را در غاری دید. پس از صرف غذا، خوابید. وقتی بیدار شد، از غار بیرون آمد. مردی را دید که از همان درخت خرنوب می‌چیند و تغذیه می‌کند. گفت: تو این درخت را کاشته‌ای؟ گفت: نه پدر بزرگم آن را کاشته است. در اینجا، خونی یک چیز عجیب را درک کرد: او هفتاد سال در خواب بوده است!!!

خونی، خانه‌ی خود را پس از گذشت سال‌ها پیدا کرد. از ساکنان آن پرسید: آیا پسر خونی هم‌مغل، هنوز زنده است؟ گفتند: نه، اما نوه‌ی او در قید حیات است. خونی گفت: من خونی هستم. اما کسی حرف او را قبول نکرد و او را عاقل نپنداشتند و در واقع، از خانه‌ای که زمانی در آن زندگی می‌کرد، رانده شد. به بت می‌دراش (محل آموزش تورات) رفت. دید در مورد مسأله‌ای بحث می‌کنند که خونی جواب آن را به خوبی می‌داند. وقتی مسأله را بین خودشان حل شده یافتند، گفتند: ها! مسأله امروز به مانند زمانی که خونی هم‌مغل در بین ما بود معلوم و آشکار شد، چون او همه‌ی مسائل و مشکلات را به آسانی حل می‌کرد. در آنجا، خونی خودش را معرفی کرد. آنجا هم ادعای او را جدی نگرفتند و احترام شایسته، برایش قایل نشدند. خونی ماند، از خانه رانده و از اینجا مانده، بدون یار و یاور و هم صحبتی. از خداوند خواست، او را از این جهان ببرد و به درستی مرد. این ضرب‌المثل از آن زمان باقی مانده است: یا معاشرت با مردم یا مرگ.

و این تأکیدی دیگر، بر فرمایش تورای مقدس است: تنهایی برای انسان خوب نیست. امیدواریم، بتوانیم در شماره‌های بعدی، نمونه‌های دیگر از این داستان‌های مقدس را، با یکدیگر مرور کنیم. ■

صدیق بود که یک بار در زمان خشکسالی، یک دایره کشید، درون آن ایستاد و گفت: از آن دایره بیرون نخواهد آمد تا این که به امر خداوند، باران بیارد و خداوند نیز درخواست او را قبول فرمود. حتی او، میزان باران را نیز تعیین نمود؛ تا نه کم باشد و بی‌فایده و نه زیاد باشد و بر ضرر و خواسته‌ی او در این مورد نیز، در پیشگاه الهی مورد تأیید قرار گرفت.

او در تمام عمر خود، در مورد مفهوم پاسوقی در تهیلیم (فصل ۱۲۶ پاسوق اول)، به طور عمیق فکر می‌کرد: چون خداوند اسیران صیون را باز آورد، مثل خواب‌زدگان شدیم. مفسرین ما، مفهوم این پاسوق را در ارتباط با خرابی بت‌همیقداش اول دانسته‌اند که هفتاد سال خراب بود و به امر خداوند بت‌همیقداش دوم بعد از این زمان، ساخته شد. یعنی با قبول این تفسیر، انگار که طول مدت گالوت بابل، یعنی هفتاد سال، خواب بوده‌ایم.

او از خود می‌پرسید: آیا ممکن است کسی هفتاد سال در خواب باشد و دوباره بیدار شود؟ از آسمان، بر او تأکید کردند که در قاموس الهی هیچ چیز غیرممکن نیست و این در مورد خود او اتفاق افتاد. روزی در راهی می‌رفت، مردی را دید که درخت خرنوب می‌کارد (میوه‌ی این درخت خیلی دیر به عمل می‌آید). از باغبان که ظاهراً پیرمردی بود، پرسید این درخت، چند سال دیگر میوه خواهد داد؟ گفت هفتاد سال دیگر! خونی از او پرسید: تو مطمئنی که در آن موقع زنده خواهی بود؟ آن مرد جواب داد: از وقتی که چشم به جهان گشودم، دنیا را با درختان خرنوب یافتم (یعنی همیشه خرنوب در سفره من بوده است). همانطور که اجدادم آنها را برای من کاشتند، من هم برای آیندگان می‌کارم. (همان مثال معروف فارسی دیگران کاشتند ما خوردیم - ما

بعضی وقت ها

شرکان انورزاده

بعضی وقت ها، روزها، آرامش بیشتری دارند. شادمانی، دلت را چنگ می زند. بعضی وقت ها، بسیار شادتری. انگار تمام دنیا، مال توست. بعضی وقت ها، در جدال با غم ها، پیروز میدانی. غصه، هیچ مجالی ندارد. جاده ی شادی، بی انتهاست. بعضی وقت ها، «هفت شهر آرزوهایت، چراغان است.» بعضی وقت ها، آرزوهایت را در اعماق قلبت، دست یافتنی می بینی. دوستان و آشنایان، مهربان تر و زلال تر و انعطاف پذیرتر از همیشه به نظر می رسند و همه چیز و همه کس، بر وفق مراد توست. آه؟! چه صفایی دارد، روزهایی که، این چنین اند. که تو آرامش داری، قلبت، از شدت شادی، تندتر می تپد. می خواهی شادی هایت را با همه تقسیم کنی و فریاد بزنی: «آی آدم ها! دنیا پر از صفاست، پر از شادی است، پر از آرامش است، پر از محبت است.» و دوست داری که انعکاس صدایت پیچد و اندیشه های مثبت و احساسات خوشایند در قلبت و در فکرت، پایان نپذیرد.

و آرزو کنی که ای کاش، همه و همه در احساس خوبت، سهیم باشند. راستی می شود، این «بعضی وقت ها» را همیشگی کنیم؟ و هیچگاه سپاسگزاری از درگاه خالق یکتا را فراموش نکنیم؟ می شود، اگر بخواهیم. همه چیز در نوع نگاه ماست. آن زمان که مثبت فکر کنیم، دنیای احساسات ما، گلستان است. فکر کنیم، در برابر هر پیشامدی، «این هم به خیر است»، و خالق یکتا، برای ما، جز خیر، نمی خواهد. آن زمان که به جای انداختن گرهی بر ابروان، لبخندی نثار انسان ها می کنیم، بدون شک، لبخندی تحویل می گیریم. می توانیم هر روز از نو شروع کنیم. هر روز شروعی دوباره است، برای کند و کاو در احساسمان، به زندگی، به آدم ها، به رویدادها. و مطمئن باشیم که برفراز تمامی حال و احوال ما، پروردگاری، حافظ و نگهدار ماست. پروردگاری که هر قدم ما را می بیند. نیت قلبی ما را می بیند و تا بی انتها الطاف بی پایانش، شامل حالمان است.

«بعضی وقت ها» نه! - همیشه! روزها و روزها و زندگی، آرامش و شادی بیشتری دارند..... ■



«روابط عمومی»؛ جایگاه و ویژگی‌های آن

مهندس امید ممبئی مقدم

مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه

جمهور و شورای اطلاع‌رسانی دولت و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه‌ای در خصوص نحوه فعالیت، وظایف و اختیارات روابط عمومی دستگاه‌های اجرایی، تنظیم گردید، که در بخشی از آن آمده است:

«اهم فعالیت‌های روابط عمومی هر وزارتخانه یا سازمان، اجرای سیاست‌های اطلاع‌رسانی دولت همکاری با رسانه‌های جمعی جهت انعکاس مناسب عملکردهای بخش‌های مختلف، پاسخگویی به ابهام‌ها و اطلاع‌رسانی درخصوص آن دستگاه، تهیه و اجرای طرح‌های تبلیغاتی سازمان، اجرای مناسب مراسم و مناسبت‌ها، ایجاد حسن رابطه بین کارکنان و مسئولان دستگاه مربوطه از طریق برگزاری جلسات داخلی، نظارت بر انتشارات و نشریات دستگاه، مدیریت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی الکترونیک دستگاه و افکارسنجی عمومی و دستگاهی است.»

با الگو قرار دادن این آیین‌نامه‌ی دولت جمهوری اسلامی، می‌توان به اهمیت جایگاه و نقش روابط عمومی انجمن کلیمیان، پی برد. هیأت مدیره جدید انجمن کلیمیان تهران، بنابر دلایل فوق، در تشکیلات خود اقدام به تأسیس واحدی تحت عنوان «روابط عمومی» نموده است تا از طریق آن، ارتباط مفید و مؤثری را با افراد داخل و به خصوص خارج از انجمن برقرار نماید. به طوری که آحاد افراد جامعه، خود را عضوی از هیأت مدیره قلمداد کرده و انجمن را در راستای نیل به اهداف و وظایف خود، کمک و یاری کنند.

در اینجا، باید به نکته مهمی اشاره کرد. شاید در نظر برخی از افراد، وظیفه روابط عمومی انجمن، «تبلیغ» برای انجمن باشد که موکداً باید گفت به هیچ وجه این گونه نیست. یکی از وظایف خطیر مدیر روابط عمومی انجمن، بدون شک تمایز قائل شدن بین دو عبارت «تبلیغات» و «روابط عمومی» است. در حقیقت، مدیر روابط عمومی انجمن، ممکن است با

اشاره: یکی از مهمترین دلایل بقا و تعالی هر سازمان و انجمنی، لزوم وجود اعتماد افراد و همچنین تعاملی پویا و سازنده، مابین مردم و آن ارگان، می‌باشد. اما چگونه و از چه طریقی می‌توان به این اعتماد دست یافت؟ اعتمادی ارزشمند و متقابل که هر انجمنی، رشد و نمو خود را مدیون آن می‌داند. بدیهی است که از بدو تشکیل هر سازمان و ارگانی، ممکن است سوءتفاهماتی بروز کند که چه بسا اعتماد جامعه به آن سازمان را، اگر نگوییم سیاه، چه بسا خاکستری کند. اکنون، سال‌ها است که سازمان‌های مدیریتی سطح بالا در سرتاسر جهان، به جهت پیشگیری و رفع این امر نامطلوب، در درون چارت سازمانی خود، اقدام به ایجاد واحد «روابط عمومی» می‌نمایند. متأسفانه، انجمن کلیمیان تهران تا امروز، فاقد چنین واحد و یا مسئولی - حداقل به شکل منسجم و رسمی - بود. جای مسرت است که مطابق نقشه راه در نظر گرفته شده و همچنین توجه خاص هیأت مدیره این دوره انجمن کلیمیان، در اولین جلسات برگزار شده، هیأت مدیره با شکل‌گیری مسئولیتی تحت عنوان «مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران»، موافقت کرد و به آن، رای مثبت داد. عدم وجود اطلاعات کافی و همچنین عدم توجه به ابعاد مختلف این مسئولیت خاص تاکنون، نگارنده را بر آن داشت تا اطلاعاتی را در خصوص ویژگی‌ها و نقش روابط عمومی در سازمان‌های مدیریتی و به طور خاص، انجمن کلیمیان تهران، با خوانندگان گرامی در میان بگذارد.

بالاترین سازمان مدیریتی و اجرایی هر کشور را، می‌توان دولت آن کشور در نظر گرفت. مفهوم «روابط عمومی» آن چنان حائز اهمیت است که در دولت جمهوری اسلامی ایران، به این موضوع اهمیت خاصی داده شده است؛ به طوری که در یکی از جلسات هیأت وزیران و بنا به پیشنهاد مشترک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس

پیام‌گیران در مقابل پیام‌ها، اندازه‌گیری و ارزیابی‌شود. لذا، از تحمیل پیام‌ها به مردم و یا بی‌توجهی به واکنش‌های مردم در مقابل پیام‌ها، که هر دو، به فقدان مشارکت می‌انجامد، اجتناب می‌شود.

بنابراین، هدف انجمن کلیمیان تهران از ایجاد روابط عمومی کارآمد، ارتباط با مردم، به صورت دو سویه بوده و جریان پیام، یک طرفه و از سوی روابط عمومی به مردم نخواهد بود؛ بلکه توجه به واکنش‌های مردم در برابر پیام‌های روابط عمومی، حرف اصلی را می‌زند.

همان طور که ذکر شد، مهم‌ترین وظیفه روابط عمومی انجمن کلیمیان، شناخت افکار عمومی و نفوذ در آن، برای جلب رضایت افکار عمومی، نسبت به انجمن است. بی‌تردید، این وظیفه در قالب مجموعه‌ای از فعالیت‌های ارتباطی صورت می‌گیرد که می‌توان آنها را تحت عناوین زیر دسته بندی کرد:

- ارتباطات
- انتشارات
- سنجش افکار عمومی
- پژوهش و برنامه‌ریزی

در علم روابط عمومی، هر کدام از وظایف فوق، به طور دقیق مشخص شده است که تشریح آنها در این مقاله نمی‌گنجد و شاید بتوان آن را به شماره‌های آتی، موکول کرد. در پایان، خاطر نشان می‌سازد که روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران، از تک تک افراد جامعه کلیمیان ایران تقاضا دارد تا هر گونه نقطه نظر خود را از طریق آدرس مستقیم www.iranjewish.com و یا پست الکترونیکی iran@iranjewish.com با این واحد در میان گذاشته و متقابلاً، واحد روابط عمومی نیز، خود را مکلف می‌داند تا نظرات، پیشنهادات و انتقادات دریافت شده را به هیأت مدیره انجمن کلیمیان و کمیته‌های مربوطه، ارجاع دهد و تا رسیدن به پاسخ مناسب، پیگیر موضوع باشد. امید نگارنده این است که ایجاد چنین مسئولیت خطیر و البته نوپایی، موجب استحکام هر چه بیشتر، مابین جامعه و انجمن کلیمیان شود. ■

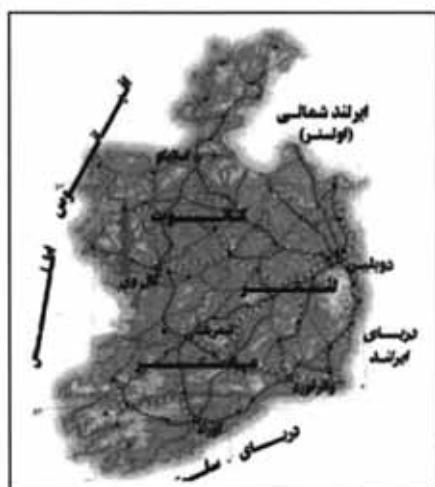
منبع: ویژگی‌های روابط عمومی و ویژگی‌های کارشناس روابط عمومی؛ اسدا... خلفیان.

انحراف از اجرای وظایف اصلی خود و با حرکت به سمت تبلیغات، از «ارتباطات مشارکت‌آمیز» که هدف اصلی روابط عمومی است، به سمت «ارتباطات سلطه‌آمیز» که هدف اصلی تبلیغات است، گام بر دارد و گام به گام از فلسفه روابط عمومی که همانا مردم‌داری است، دور شود.

اگر به هر یک از انواع تبلیغات دقت کنیم، درمی‌یابیم که مهم‌ترین ویژگی آنها، نادیده گرفتن نقش مخاطب است. همچنین، برخی معتقدند که در تبلیغ سعی می‌شود اراده مردم، تفکر، نگرش و جهان‌بینی آنان، به سوی عوامل تبلیغ جلب شود؛ یعنی مبلغ، به جای مخاطب خود فکر کند و عقاید خود را به آنان، تحمیل کند. اما حقیقت این است که روابط عمومی و تبلیغات دو مقوله جدا از هم هستند و از نظر هدف، شیوه، ماهیت، الگوی ارتباطی، توجه به موازین اخلاقی و نقش مخاطب، دارای تفاوت فاحشی هستند.

البته بدیهی است که یکی از وظایف روابط عمومی، انعکاس فعالیت‌های انجام شده توسط انجمن به داخل جامعه و آگاه کردن افراد در خصوص تصمیمات گرفته شده در درون هیأت مدیره است. توجه به این نکته ضروری است که روابط عمومی، علی‌رغم اطلاع رسانی نقاط قوت عملکرد و دستاوردهای انجمن به جامعه، به دور از نیرنگ، دروغ و هدف سودجویانه عمل می‌کند و هدف روابط عمومی، تنها جلب توجه مخاطب به عملکرد برجسته‌ی انجمن است. در همین راستا، روابط عمومی وظیفه خود می‌داند که انتقادات و پیشنهادات مطرح شده از سوی افراد جامعه را، با آغوش باز پذیرا بوده و آن‌ها را در جلسات هیأت مدیره، مطرح کند. به عبارت دیگر، باور روابط عمومی اصولاً این چنین نیست که عملکرد انجمن کلیمیان، عاری از هر گونه خطا و اشکالی است.

در روابط عمومی کارآمد، جریان مبادله پیام، دو سویه است، لذا به واکنش‌های مردم یا مخاطبان در قبال پیام‌های ارائه شده، توجه شده و در ارائه پیام‌های بعدی، به آنها ترتیب اثر داده می‌شود. برای تحقق این مهم، باید الگوی ارتباطات مشارکت‌آمیز، محور ارتباطات روابط عمومی با مردم قرارگیرد. در این الگو، ضرورت مشارکت آحاد جامعه در تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های هیأت مدیره، مورد توجه قرار می‌گیرد و سعی می‌شود تا با کاربرد شیوه‌های مختلف علمی، واکنش



یهودیان ایرلند

دکتر ژان پایاب

تاریخ یهودیان ایرلند

تاریخ استقرار یهودیان ایرلند، نزدیک به هزار سال می‌رسد. اگر چه، جامعه یهودی ایرلند همواره کم جمعیت بوده (حداکثر ۵۵۰۰ نفر در سال ۱۸۹۱)، ولی یهودیان زندگی خوبی را در این کشور داشتند و به خوبی در جامعه ایرلند پذیرفته شده بودند. یهودیان در ایرلند، در طول تاریخ، ارتباطات خوبی با یکدیگر داشته، و این همان چیزی است که دیگر مردم، در قسمت‌های دیگر اروپا، تا حد زیادی از آن، بی‌بهره بوده‌اند.

تاریخ اولیه

اولین تاریخ کشف شده استقرار یهودیان در ایرلند، در سال ۱۰۷۹ بوده و آن‌آل اینسفالن، گزارش می‌دهد: «پنج یهودی از طریق دریا با هدیه نزد توردلباخ (پادشاه مونستر) آمدند و دوباره از طریق دریا، برگشت داده شدند». آنها، احتمالاً تجار نرماندی بودند. توردلباخ، نوه برابان بونی، پادشاه قبلی ایرلند بود.

مرجع تاریخی بیشتری، تا نزدیک به یک قرن بعد، یعنی در زمان سلطنت هنری دوم، پادشاه انگلستان وجود ندارد. آن پادشاه، از ترس این که مبدا یهودیان در ایرلند، پادشاهی مستقلی را تشکیل دهند، پیشنهاد استقرار یهودیان را، ممنوع کرد. اگر چه، استرانگ به دلیل سرپیچی از دستور پادشاه، اموالش مصادره شد. ولی به نظر می‌رسد که استرانگ، سرمایه‌گذاری‌هایش از نظر مالی، به گونه‌ای بود که توانایی قرض‌دهی به یهودیان را داشت، به طوری که در سال ۱۱۷۰، اموال او به یهودیان گوستجو گلوستر در بنادر و سواحل برخلاف قانون «بازداشت پادشاه جودیسم در ایرلند» داده می‌شد. یهودیان این دوره، احتمالاً نزدیک و یا در داخل دوبلین سکنی داشتند. در کتاب دوبلین سفید ۱۲۴۱، یک سری ممنوعیت‌های مالی و ارضی ذکر شده است، شامل ممنوعیت‌های مختلف در مقابل فروش و یا تضمین برای تغییر وضعیت آنها، در بخشی از ممنوعیت می‌خوانیم که، ممنوعیت

اولین بار، در ایرلند کنیسه‌ی یهودیان در سال ۱۶۶۰، در نزدیکی قلعه‌ی دوبلین تاسیس شد. در سال ۱۷۱۸، یک قطعه زمین به عنوان گورستان به نام بالی بوق، به آنها اختصاص داده شد، این اولین گورستان یهودیان بود. این گورستان در منطقه فروویو دوبلین، جایی که یکی از کلنی‌های کوچک یهودی در آن وجود دارد، واقع شده است.

قرن ۱۸ و ۱۹

در دسامبر ۱۷۱۴، فیلسوف ایرلندی به نام جان تولند، حرکت‌هایی برای بومی‌سازی یهودیان در بریتانیا و ایرلند انجام داد. در سال ۱۷۴۶، لایحه‌ای به مجلس عوام ایرلند برای «عمومی‌سازی مذهب یهود در ایرلند» داده شد. این اولین لایحه مربوط به یهودیان در مجلس عوام، تا آن زمان بود. مورد دیگر آن، در سال بعد صورت گرفت که بدون اصلاحات مورد موافقت قرار گرفت و لورد لوتنانت به انگلستان منتقل شد. این لایحه‌های ایرلندی، نتیجه بسیار مهمی را در پی داشت؛ بدین معنی که پس از آن، تشکیل کمیته پشتیبانی توسط یهودیان بریتانیا در آن زمان، سازماندهی شد تا به وسیله‌ی آن، پیشرفت‌های جامعه یهودی رصد شود. در نهایت، این سازمان هیأت نمایندگان را که بدنه‌ی اصلی این کمیته بود، تشکیل داد. یهودیان، به صراحت از قانون عمومی‌سازی مذهبشان در سال ۱۷۸۳، برخوردار شدند. قانون ازدواج در ایرلند در سال ۱۸۴۴، صراحتاً ازدواج بر اساس سنت‌های یهودی را پذیرفت.

فروش به یهودیان. هنگامی که یهودیان از انگلستان در سال (۱۲۹۰) اخراج شدند. در قسمت پال انگلیش ستلمنت، زندگی می‌کردند و احتمالاً مشمول شهروندی انگلیس نبودند، اگرچه شواهدی بر اثبات آن موجود نیست. قطعاً برای یهودیان، زندگی در ایرلند و سرپیچی از فرمان، در سال ۱۲۹۰ سخت نبوده است، آنها به علت درگیری از مناطق تحت کنترل انگلستان (پال)، به سمت مناطق بومی اسکاتلند که تحت کنترل انگلستان نبود، مهاجرت کردند. در مرحله‌ی بعدی، یهودیان برای مدت طولانی، یعنی حدود ۴۰۰ سال، در ایرلند زندگی کردند تا اینکه الیور کرامول انگلیسی، فرمان اخراج آنها را در اواسط قرن هفدهم، صادر کرد.

جمهوری ایرلند اکنون،

دارای چندین کنیسه است: سه تا در دوبلین، یکی در کورک. یک کنیسه هم در بلفاست در ایرلند شمالی، وجود دارد

بالاخره، استقرار دائمی یهودیان در اواخر قرن پانزدهم، قطعی شد. پس از اخراج آنها از پرتغال در سال ۱۴۹۶، برخی از یهودیان به مارانو هجرت کردند و در سواحل جنوب ایرلند، مستقر شدند. یکی از آنها، ویلیام آناس بود که به عنوان شهردار یوقات در سال ۱۵۵۵، انتخاب شد. همچنین فرانسیس آناس، سه بار به عنوان شهردار یوقات در سال‌های ۱۵۶۹، ۱۵۷۶ و ۱۵۸۱ انتخاب شد. برای

دانیل اوکونل، بهترین راه‌حل را، برای مبارزه

برای آزادی کاتولیک‌ها، ارائه داد؛ همچنین، تلاش‌های او توانست، پشتیبانی‌هایی را برای جامعه یهودیان به ارمغان بیاورد. در سال ۱۸۴۶ به اصرار او، قانون انگلیس «دی جودایسمو»، که طبق آن، پوشیدن یک لباس ویژه برای یهودیان را الزامی کرده بود، لغو شد. اوکونل گفت: «ایرلند، مدعی استقرار اجداد شما از قدیم‌الایام می‌باشد و تنها کشوری است که در آن، هیچ آزار و اذیتی به یهودیان صورت نگرفته است».

قرن بیستم

افزایش مهاجرت یهودیان به ایرلند، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، صورت گرفت. در سال ۱۸۷۱، جمعیت یهودیان ایرلند ۲۵۸ نفر بود. در سال ۱۸۸۱، به ۴۵۳ نفر افزایش یافت. بسیاری از مهاجران، تا آن زمان از انگلستان و آلمان بودند. در پی قتل‌عام یهودیان روسیه مهاجرت آنها افزایش یافت که عمدتاً از شرق اروپا بودند (به ویژه لیتوانی). تا سال ۱۹۰۱ در ایرلند، بیش از نیمی از سکنه یهودی (۲۲۰۰) ساکن در دوبلین یهودی بودند که به ۳۷۷۱ نفر یهودی می‌رسید. در سال ۱۹۰۴، جمعیت یهودی کلا بر اساس تخمین به ۴۸۰۰ نفر تخمین زده شد. کنیسه‌ها و مدارس جدیدی برای مهاجران، درست شد که بسیاری از آنها، از طریق کمک مغازه‌داران و دیگر مکان‌های تجاری تاسیس شدند. نسل‌های بعدی یهودیان، افراد برجسته‌ای در تجارت، علم، سیاست و ورزش شدند. در دهه‌ی ۱۹۴۰، جمعیت یهودیان در سراسر ایرلند به ۵۵۰۰ نفر رسید، اما حدوداً از سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است که دلیل عمده‌ی آن، جذب و مهاجرت به دیگر نقاط جهان است. جمعیت

بسیاری از یهودیان ایرلندی، به ارتش جمهوری خواه ایرلند (IRA) پیوستند و گروه فرست دیل را در طول جنگ برای استقلال ایرلند، تشکیل دادند

در طول قحطی بزرگی که در سال‌های (۱۸۴۵-۱۸۵۲) رخ داد، حدود ۱ میلیون نفر در ایرلند درگذشتند، بسیاری از یهودیان، سازمان‌هایی را برای کمک‌رسانی تشکیل دادند و سخاوتمندانه به سمت کمک به قحطی زده‌ها حرکت کردند. روزنامه دوبلین در سال ۱۸۵۰، اشاره کرد که بارون لیونل روچیلد و خانواده‌اش هم، در این میان جزو افراد کمک‌رسان بودند.

از آنجا که یهودیان ایرلند، جزو مردم محلی، بازرگان، متخصص و تجار بودند، آنها به جای کشاورزی غذای خود را می‌خریدند و در نتیجه در



مدرسه یهودی در شهر دوبلین

مجلس سنای آزاد ایرلند

تلاش برای ایجاد جوامع اقلیت، با حضور نمایندگان سیاسی این جامعه، در مجلس انجام می‌شد و در این میان (در مقایسه با مسیحیت در اقلیت بود) آلن کوف (کنس دیسارت)، یکی از اعضای جامعه یهودی، در سال ۱۹۲۲ برای یک دوره دوازده ساله، توسط ویلیام تی. کوسگراف، در مجلس سنای ایرلند، منصوب شد. او تا سال ۱۹۳۳ (زمان مرگش)، به عنوان یک عضو مستقل در این سمت قرار داشت. همچنین این خانم، به عنوان وکیل مدافع ایرلندی زبان، برای یهودیان بود و به عنوان رئیس لیگ اسکاتلندی هم، خدمت کرد. در سال ۱۹۷۳، در قانون اساسی ایرلند طبق متمم پنجم، اشاراتی به جامعه یهودیان شد.

ایرلند شمالی

در سال ۱۹۳۹، کمیته سازماندهی کیندر اسپورت، حدود ده هزار کودک و نوجوانان بی‌سرپرست، بین سه سال و هفده نفر از آلمان و

یهودیان ایرلندی، پس از تاسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، به شدت کاهش یافت. درصد زیادی از یهودیان ایرلندی به دلیل اعتقادات ایدئولوژیکی و مذهبی، مهاجرت کردند. در دهه‌های پس از آن، بسیاری از یهودیان از دیگر نقاط مانند انگلستان و ایالات متحده هم به اسرائیل مهاجرت کردند و همین امر باعث کاهش جمعیت یهودیان در ایرلند و تغییر چشم‌انداز اقتصادی بهتر، برای مهاجران شد.

جمهوری ایرلند اکنون، دارای چندین کنیسه است: سه تا در دوبلین، یکی در کورک. یک کنیسه هم در بلفاست در ایرلند شمالی، وجود دارد.

جنگ برای استقلال

بسیاری از یهودیان ایرلندی، به ارتش جمهوری خواه ایرلند (IRA) پیوستند و گروه فرست دیل را در طول جنگ برای استقلال ایرلند، تشکیل دادند. مایکل نوکی، وکیل لیتوانیایی‌الاصلی بود که برای دفاع از حقوق زندانیان جمهوری‌خواه ایرلند، مانند سین مک کوین، دستگیر شد. رابرت بریسکو، عضو برجسته IRA در طول جنگ استقلال ایرلند و جنگ داخلی ایرلند بود. او در سال ۱۹۲۰ توسط مایکل کالینز به آلمان فرستاده شد تا عامل اصلی برای برگرداندن مراکز اسلحه IRA شود. بریسکو، در این مأموریت بسیار موفق بود و به رغم محاصره انگلیس، تمام اسلحه‌ها را به ایرلند، بازگرداند.

در این میان برخی از احساسات ضد یهودی درونی در جنگ جهانی دوم هم، وجود داشت، به‌ویژه سخنرانی که در دیل در سال ۱۹۴۳، به عنوان «مسیریابی یهودیان در خارج از کشور» ایراد کرد. از طرف دیگر، هنینگ هند تامسن، کاردار آلمان رسماً از تفاسیر مطبوعات، شکایت کرد. در فوریه سال ۱۹۳۹، او در برابر اسقف گالوی، نامه‌ی اعتراضی را خواند که در آن آلمان را، متهم به ابراز خشونت، دروغ‌گویی، قتل و محکوم کردن مردمان و نژادهای دیگر، کرد.

در طی جنگ و پس از آن، برخی از تشکیلات سیاسی رسمی، به قربانیان یهودی هولوکاست، بی‌تفاوتی زیادی نشان دادند. این بی‌تفاوتی بعدها، از طرف وزیر دادگستری و نماینده اصلاحات قانونی، مایکل مک داول، به عنوان «متعصبانه»، خصمانه و بی‌عاطفه‌گرایانه» توصیف شد و طبق این بینش، موانع غیررسمی و رسمی برای یهودیان، به منظور پیدا کردن سرپناه در ایرلند صورت گرفت، اگر چه موانعی که در آن زمان وجود داشت:

احساسات ضد یهودی آشکار و غیرمعمولی نسبت به یهودیان وجود داشت و ایرلند جنوبی بی‌تفاوت زیادی نسبت به آزار و اذیت یهودیان و ۴۰۰۰ یهودی ایرلندی که در جریان هولوکاست کشته شده بودند، نشان می‌داد.

پس از جنگ، گروه‌های یهودی، مشکلات زیادی در گرفتن پناهندگی برای کودکان خود داشتند. در همان زمان، طرحی برای بیش از چهار

چکسلواکی را، بدون ویزا به انگلستان منتقل کرد. برخی از این کودکان، به ایرلند شمالی فرستاده شدند. بسیاری از آنها به پدر و مادر دیگری سپرده شدند، و برخی دیگر به میلپس رفیوج فار (مزرعه پناهندگان میلپس واقع در جاده‌ی وولرم رود) فرستاده شدند.

جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن

در سال ۱۹۳۳ چارلز بولی، به خاطر کمک ایرلند به برلین، به یکی از افراد مورد افتخار هیتلر و حزب سوسیالیسم ملی، تبدیل شد. گزارش او، در مورد یهودیان باعث شد که یهودیان، اجازه حرکت به ایرلند را، پیدا کنند. او در سال ۱۹۳۹، پس از آن که دوبلین، برای این کار مورد مواخذه قرار گرفت، اخراج شد. موقعیت دولت ایرلند، در طول جنگ جهانی دوم، در درون جمهوری ایرلند رسماً به عنوان «اضطراری» شناخته شد، چرا که با تخمین حدود ۱۰۰ هزار سرباز دولتی، در کنار متفقین در جنگ بودند؛ در حالی که تعداد انگشت‌شماری از آنها، گروه مخالفان خود را حمایت می‌کردند. در رم، تی. جی. کرینان، وزیر ایرلندی واتیکان و همسرش دلپا مورفی (خواننده تصنیف‌های سنتی)، با کشیش ایرلندی، هیوا ولفاهری، برای ذخیره‌ی پول و کمک به یهودیان و فراری دادن زندانیان جنگی، فعالیت می‌کردند. یهودیان مذهبی، عموماً به کلیسای سان کلامنت کالج هیبرنیا دومینیکا، که از طرف دولت دیپلماتیک ایرلندی مورد حمایت بود، می‌رفتند.

ساتاردین، رئیس شورای مسلمانان ایرلند، گفت: این کار به طور موثری منجر به «آلوده کردن ذهن جوانان اسلامی با نفرت و خشم، در مقابل جامعه یهود شد».

حوادث یهودستیزانه

■ در ماه مارس ۲۰۱۲، ویدئوی یهودستیزانه‌ای از طرف وزیر دادگستری، در یوتیوب منتشر شد. این ویدئو، (با یک عکس از شاتر و پرچم اسرائیل آغاز می‌شود)، در آن، یک سری از متون و نوشته‌های تندروانه همراه با موسیقی محلی یهودی، در پشت زمینه‌ی آن به نمایش در آمده است. بعدها این ویدئو، حذف شد. در آوریل ۲۰۱۴، آلن شتر (تنها عضو یهودی در پارلمان ایرلند)، قربانی یک حمله یهودستیزانه شد و این اتفاق هنگامی که، یک پاکت نامه با پودر سفید و یک عکس از سربازان نازی، در یک تجمع به خانه‌اش فرستاده شد، صورت گرفت. این بسته، باعث طیف وسیعی از هشدارهای امنیتی در جنوب دوبلین و استقرار تیم دفع و انهدام بمب، از طرف ارتش شد.

■ در ۵ فوریه سال ۲۰۱۴، نقاشی‌های دیواری نژادپرستانه‌ای، در اطراف بانک ایرلند، در گرین کالج کشیده شد. مدیر ارتباطات شورای جری اوکانر، گفت: «سوءاستفاده زبانی در نقاشی‌های دیواری، رایج‌ترین شکل نژادپرستی در ایرلند است». یک سال قبل از آن، در تاریخ ۶ ژوئن، نقاشی دیواری بزرگ یهودستیزانه‌ای، در آنجلو ایریش بانک، در دوبلین کشیده شده بود. ■

صد نفر از کودکان کاتولیک در ایرلند تصویب شد تا آنها با هیچ مشکلی در این زمینه مواجه نشوند. وزارت دادگستری در سال ۱۹۴۸، توضیح داد که:

«همواره، سیاستگذاری‌های وزیر دادگستری، برای محدود کردن پذیرش بیگانگان یهودی بوده است، چرا که هرگونه افزایش قابل توجه جمعیت یهودیان، می‌تواند منجر به جهت‌گیری جریان‌های ضد یهودی شود».

با این حال، والرا وزارت دادگستری را برخلاف قانون، مجبور کرد که کودکان یهودی که یک صد و پنجاه نفر بودند را به عنوان پناهنده، در سال ۱۹۴۸، به ایرلند بیاورند. پیش از این هم، در سال ۱۹۴۶، یک صد کودک یهودی از لهستان به شهر کلونی کستل در ییلاق مات، آورده شده بودند و این کار توسط سلمون شونفیلد، انجام شد. در سال ۲۰۰۰، بسیاری از کودکان کلونی کسل، برای مراسمی به کشور خود بازگردانده شدند. آنها در سال ۱۹۵۲، دوباره براساس حمایت وزارت دادگستری، به پنج خانواده ارتدوکس که از دست کمونیست‌ها فرار کرده بودند، داده شدند. در سال ۱۹۶۶، جامعه یهودی دوبلین، طرحی را به نام امون دی ولرا، اجرا کرد که مطابق با آن حمایت مداوم یهودیان ایرلند، مورد تایید قرار گرفت.

در سال ۲۰۰۶ تسکو، سوپرمارکت زنجیره‌ای بریتانیا، به دلیل فروش مواد بی‌کیفیت به یهودیان، طبق پروتکل بزرگان یهود در فروشگاه‌های بریتانیا و ایرلند، مجبور به عذرخواهی شد. دکتر شیخ شهید

تأثیر ایرانیان بر تدوین تلمود بابلی گزارشی از سخنرانی خانم دکتر آزاده احسانی

فرانک عراقی



در تاریخ ۵ خرداد ماه ۱۳۹۴ در کنیسای رفیع‌نیا، برنامه‌ای با حضور خانم دکتر آزاده احسانی برگزار شد که بسیار مورد توجه جوانان و علاقمندان جامعه قرار گرفت. خانم دکتر آزاده احسانی - کارشناس زبان و ادبیات فارسی - کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی از دانشگاه تهران هستند. ایشان دکترای خود را از دانشگاه کنکوردیای کانادا، در رشته ایران‌شناسی - گرایش ادیان دریافت کردند. موضوع رساله دکترای خانم احسانی، مقایسه روایت‌هایی از تلمود بابلی با متون فارسی میانه بوده است. در حال حاضر، استاد دانشگاه شهید بهشتی و استادیار دانشگاه کنکوردیا کانادا می‌باشند. سخنرانی و مقالات گوناگونی در مورد مقدمات یهودیت، تلمود بابلی و تلمود اورشلیمی (یروشلمی)، در کانادا و در ایران برگزار نموده‌اند. هم‌اکنون، زبان آرامی را در دانشگاه تهران، تدریس می‌کنند.

به طور خلاصه، موضوع سخنرانی خانم دکتر احسانی، کلیاتی در مورد تلمود و تفاوت‌هایی که بین تلمود بابلی و تلمود اورشلیمی وجود دارد، بود. ایشان به طور مفصل، راجع به ایرانی بودن تلمود و این که ایرانیان یهودی تا چه حد بر روی تلمود تأثیر گذاشته‌اند، اشارات زیبا و قابل بحثی نمودند.

همانطور که می‌دانیم، دو کتاب تلمود موجود است: تلمود بابلی و تلمود اورشلیمی؛ بیشتر بحث ایشان در مورد تلمود بابلی بود. در واقع، نتیجه تفکر و بحث علمای یهود، در طول زمان زیادی یعنی حدوداً ۳۰۰ سال، به وجود آمدن تلمود بوده است. این برنامه، بسیار مورد توجه علاقمندان قرار گرفت و حاضرین سؤالات زیادی در این رابطه با خانم دکتر مطرح نمودند که ایشان با تسلط به سؤالات جواب دادند. ■



سخنرانی خانم دکتر احسانی



خواستن . توانستن است.... مصاحبه با کاوه دانیالی به بهانه تکمیل دستگاه TDCS و ثبت آن به عنوان اختراع

فرانک عراقی (کارشناس ارشد روزنامه‌نگاری)



مهندس «کاوه دانیالی» متولد ۱۳۵۰ در تهران است. وی دوره لیسانس خود را در رشته مهندسی الکترونیک در شهر سمنان به پایان رسانیده و سپس دوره فوق لیسانس را در دانشگاه تهران در رشته مدیریت، پشت سر گذاشته است.

تکمیل دستگاهی در حیطه پزشکی، با هدایت دکتر رابرت فرنام و ثبت آن به عنوان اختراع، دستمایه این مصاحبه شد.

وی، از دانش الکترونیک، در ساخت دستگاه بهره گرفت که مورد تایید دانشگاه شهید بهشتی، نیز هست و هم اکنون، به تولید و بهره‌برداری رسیده است.

کاوه دانیالی، از فعالان جامعه کلیمی تهران نیز بوده است. وی به جز چند سال فعالیت، در راس سازمان دانشجویان، چندین دوره بازرس انجمن کلیمیان تهران و سپس با عنوان یکی از اعضای هیات مدیره در انجمن، فعالیت داشته است.

این نوشتار، حاصل گفتگویی است که توانمندی جوانان جامعه را، به تصویر می‌کشد.

- بهتر است که از ابتدای پیدایش این دستگاه صحبت کنم.

در واقع، پیشنهاد ساخت این دستگاه را دکتر رابرت فرنام که از روانپزشکان حاذق و معروف شیراز هستند، به من دادند. پس از بررسی بر اساس اطلاعات داده شده، نمونه‌ای ساخته و پس از تست و تایید صحت کارکرد اولیه، نمونه نهایی ساخته شد.

لازم به ذکر است که نمونه خارجی اولیه این سیستم، وجود داشت؛ اما من آن دستگاه را ندیده بودم فقط طبق پروتکلی که دکتر فرنام به من داده بود، این طرح را اجرا کردم و بعد از ساخت دستگاه و مقایسه با دستگاه خارجی، به این نتیجه رسیدم

- ضمن عرض سلام، لطفاً در مورد دستگاهی که موفق به ساخت و تکمیل آن شدید، برای خوانندگان ما توضیح دهید:



که دستگاه ما هم آپشن های اضافه تری دارد، به خصوص حفاظت اضافه (به خاطر حساسیت کاری و عبور جریان از مغز) و هم روش تولید سیگنال آن (که نویز بسیار کمتری در مقایسه با نمونه خارجی داشت) فرق می کرد که این روش جدید، کارکرد دستگاه را، بهبود داده و مدرک ثبت اختراع هم به آن آپشن های اضافه و حفاظت و روش جدید تولید سیگنال، داده شده.

- این وسیله **TDCS** نام دارد.

در واقع، یکی از دستگاه های مربوط به نوروتراپی است. نوروتراپی، به معنی درمان اعصاب و یا درمان سلول های عصبی است. این وسیله، یک ابزار کمکی برای درمان است که هم اکنون، در اکثر کشورهای پیشرفته استفاده می شود؛ زیرا کاملاً بی ضرر و بدون عوارض است. حتی افراد سالم نیز می توانند برای افزایش توان عملکرد مغزی و تقویت یادگیری از آن استفاده کنند. در ضمن، به عنوان درمان کمکی، در بیماری هایی مثل: افسردگی، اضطراب، بی خوابی، سردردهای میگرنی، بازتوانی سکته مغزی، اختلالات تکلمی که به دنبال سکته مغزی ایجاد شده، انواع دردهای مختلف بدن که به دارو جواب نداده، وزوز گوش، پارکینسون، آسیب های ناشی از ضربه نخاع، کاهش اشتها، تعدیل وزن، تقویت حافظه، بیماری آلزایمر و بیش فعالی کودکان، به کار می رود.

در واقع، این دستگاه سلول های عصبی را هدف قرار می دهد و با استفاده از جریان الکتریکی،

فعالیت مغز را تحریک می کند. شدت جریان ایجاد شده، اندک و در حد یک تا ۵ میلی آمپر است.

در این روش، تحریک پذیری سلول های عصبی افزایش می یابد و باعث می شود فعالیت نواحی مغز، باز هم بیشتر شود. بسته به این که الکترودها، در کدام قسمت سر قرار داده می شوند، می تواند به افزایش عملکرد شناختی که شامل توجه و بینایی می شود منجر شود. به طور خلاصه، TDCS ابزاری است که توانمندی مغز را در پردازش اطلاعات ورودی، افزایش می دهد. در ایران نیز، رفته رفته درمان با این دستگاه، رو به گسترش است. دکتر فرنام، این دستگاه را آزمایش کرده و از نتیجه آن نیز راضی است.

- **لطفاً برای خوانندگان و علاقمندان کمی هم در مورد روند ثبت اختراع و ایده توضیح دهید.**
در واقع، هم می‌توان ایده را ثبت کرد و هم یک دستگاه را.

وقتی ایده‌ای در ذهن دارید، یا موفق به ساخت اختراعی شده‌اید، طبق ضوابط آن را به اداره ثبت اختراع ارایه می‌دهید. از اینجا به بعد، این اداره ثبت اختراع است که در این مورد، نظر می‌دهد. در اداره‌ی ثبت، پس از بررسی اولیه، موضوع را به مرجع کارشناسی مربوطه، ارجاع می‌دهند. مرجع کارشناسی برای این دستگاه، دانشگاه شهید بهشتی بود که پس از نظر کارشناسی دو نفر از دکترهای دانشگاه شهید بهشتی و دفاع اینجانب، در نهایت تایید شده و اداره ثبت، اختراع آن را ثبت کرد.

- **آیا تمایل به تولید انبوه این دستگاه دارید؟**
البته، در فکرش هستیم. فقط موضوع مجوز است. توافق که بین تولید کننده و فروشنده هست. و اگر افرادی، مایل به فعالیت در این حوزه می‌باشند و ایده خاصی در زمینه ساخت و تولید دارند، از همکاری با آنها استقبال می‌کنم.

- **و در پایان، چه توصیه‌ای به جوانان جامعه دارید؟**

در ابتدا بگویم که خود مدرک، اهمیت چندانی ندارد. بسیاری کارهای مهم‌تر قبلاً انجام شده، که بدون مدرک به چشم نیامده.

پیشنهادم به جوانان این است که با ذهن بازتر بدانند، ابعاد زیاد دیگری هم در زندگی هست و

خودمان را، محدود به چارچوب‌های مجازی که برایمان تعریف شده، نکنیم. و بدون ترس از شکست، قدم برداریم.

اگر انتخاب و حرکت شما، فعالیت در حوزه فنی و طراحی باشد، تا حد امکان، از کمک دریغ نخواهم کرد.

پیشنهاد می‌کنم، اگر ایده‌ای دارید ولی پیش خود فکر می‌کنید که نمی‌شود و امکان‌پذیر نیست، حرکت کنید و خود را امتحان کنید.

و پیشنهادم به والدین و نیز متولیان جامعه، اجازه و ایجاد فضای رشد، در زمینه‌های عملی‌تر و در صورت امکان، کمک به ایجاد چنین فضاهایی است. (نمونه کوچک آن، آگاهی فرزندان نوجوان دوستان که برای ساخت یک برد یا روبات به دفترم می‌آیند و سوای کسب لذت خلق یک چیز جدید، استعداد خود را نیز می‌شناسند).

برای بسیاری از ما، هنرستان ارت، نماد و خاطره جالبی است. امیدوارم بتوان، یک ارت کوچک، برای بال و پر دادن به استعدادهای نهفته فنی راه‌اندازی کرد.

اگر هم که در حد کلام و تعارف و ویتترین و شعار باشد که توقعی نیست.

- **با تشکر از شما که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید و با آرزوی موفقیت روز افزون برای شما.**

■ برای همگی ذهنی آزاد آرزو مندیم.

اسرار مگو را نه تو دانی و نه او !!!

دوریتا معلمی

کاشناس ارشد روانشناسی عمومی



این زمینه، سایر جنبه‌های زندگی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. زوجی که از رابطه جنسی مناسبی برخوردار نیستند، به مرور زمان بستر زندگی خود را آماده خشم‌های انفجاری، نفرت، دوری و در نتیجه طلاق عاطفی می‌کنند. و این در حالی است که در خانواده فرزند و یا فرزندانی نیز در حال رشد و نمو هستند که قرار است رفتار با همسر آتی خود را در این محیط بیاموزند.

در بین نیازهای اساسی انسان، نیاز جنسی یکی از نیازهایی است که کانون خانواده را به چالش کشیده است. نیاز به خوردن و آشامیدن، نیاز به پوشاک و مسکن، نیاز به داشتن روابط و رفت و آمد،... و نیاز به اخلاق و رفتار مناسب، مقری برای گفتگو، جر و بحث و یا حتی دعوا هستند. در حالی که نیاز جنسی علی‌الرغم اهمیت نقش و کارکردی که در نظام خانواده ایفا می‌کند هرگز جایگاهی برای حل و فصل که ندارد هیچ، حتی در موردش گفتگو هم نمی‌شود.

در یک رابطه جنسی، زن و مرد خصوصی‌ترین بخش از هویت فردی خود را به اشتراک می‌گذارند بدون آن که هرگز در مورد آن با یکدیگر صحبت، تبادل نظر و یا پرس و جو کرده باشند تا از احوال هم با خبر باشند. در چنین وضعیتی معمولاً رابطه با حداقل رضایت طرفین رخ می‌دهد و بیشتر شکل انجام وظیفه به خود می‌گیرد تا یک رابطه انسانی- احساسی دو طرفه. و این در حالی است که قطع و یا بروز مشکل در

حتی دانشگاه‌ها، آموزش صحیح جنسی ندارند؛ در صحت دانسته‌های جنسی مردان و به‌ویژه زنان ما تردید وجود دارد و به نظر می‌رسد که به رغم گسترش اینترنت و ماهواره، آنچه که به فرهنگ جنسی نسل جوان افزوده شده تنها تصاویر پورنو بوده که در بسیاری از موارد نه تنها حاوی باور و دانش درست و سالمی در زمینه ارتباط جنسی نیست، بلکه گاه موجب برداشت‌های نادرست نیز می‌شود.

بنابراین از آنجا که شاید بتوان گفت یکی از کلیدی‌ترین مسایل موجود میان یک زوج رابطه جنسی میان آنان است و از آن جا که قرار است زن و مرد به‌عنوان والدین، نقش تاثیرگذارتری بر تربیت و نظارت بر فرزندان خود داشته باشند، به نظر می‌رسد که کسب آموزه‌های صحیح در این زمینه بسیار ضروری است.

خوشبختانه چند سالی است که در کشور ما نیز، در صندوقچه اسرار رابطه جنسی گشوده شده و البته نه از طریق مجاری رسمی آموزشی بلکه با چاپ و نشر کتب مختلف در این زمینه و تشکیل کلاس‌های آموزشی در مراکز مشاوره، هر چند به تعداد کم و همچنین؛ مراجعه به درمانگران اختلالات جنسی، راه اصلاح نگرش‌ها و دستیابی به گنج پنهان باز شده است. لطفا بهره بگیرید. ■

رفتارهای جنسی بر خلاف آنچه که بسیاری تصور می‌کنند، غریزی نیست بلکه تابعی است از مهارت و نگرش. مهارت، شامل توانمندی فرد در رفع نیازها و خواسته‌های همسر است که با گفتگو و پرس و جو از همسر حاصل می‌شود؛ و نگرش، شامل باورها، عقاید و افکار فرد نسبت به رابطه جنسی است که در اثر رفتار و نگرش اطرافیان به‌ویژه والدین، در طول سالیان شکل می‌گیرد.

در این میان، نگرش نقش مهم‌تری دارد چرا که می‌تواند کسب مهارت را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد. و آنچه که حائز اهمیت است این است که نگرش انسان نسبت به رابطه جنسی محصول جهل و خرافه و ادبیات و نصایح تحریف شده در طول دوران بوده که منجر به سرکوب تمایلات و بروز اضطرابات مرتبط با مسایل جنسی شده است.

بنابراین مادامی که زن و شوهر اسیر باورها و افکار نادرست جنسی باشند، یعنی نگرش صحیح و سالمی نسبت به آن نداشته باشند، کسب مهارت و رسیدن به رضایت کامل جنسی دشوار و یا حتی ناممکن شده و حاصل آن می‌تواند سست شدن پایه زندگی، طلاق عاطفی، افسردگی و مهمتر از همه بروز روابط خارج زناشویی باشد.

از آنجا که در کشور ما مجاری رسمی آموزشی مانند صدا و سیما، آموزش و پرورش و

تجلیل دانشگاه تهران از پیشکسوتان تبلیغات تجاری در ایران کیارش یشایایی



روز سه‌شنبه ۱۹ خردادماه سال جاری، از سوی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، از چند نفر از پیشکسوتان تبلیغات تجاری در ایران، در سال‌های دور، تجلیل و قدردانی به عمل آمد.

در این مراسم، آقای طهمورث حسنعلی پور، رئیس دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و عده زیادی از اساتید دانشگاه و صاحبان صنایع و مؤسسات تبلیغاتی فعال، حضور یافته بودند.

در ابتدا، رئیس دانشکده مدیریت، شأن تشکیل جلسه را نه فقط قدر دانی از مدیران گذشته مؤسسات تبلیغات تجاری، بلکه انتقال تجارب آنها را، که هر کدام بیش از پنجاه سال در حوزه تبلیغات تجاری سابقه داشتند، به نسل جوان و مخصوصا صاحبان صنایع و ادارات روابط عمومی دانست و از این که پیشکسوتان دعوت دانشگاه تهران را پذیرفته‌اند، تشکر نمود.

پس از آن، اساتید دانشکده مدیریت، برای حضار در مورد آغاز کار رشته تبلیغات تجاری در مرحله لیسانس و فوق لیسانس و در نهایت دکترا در دانشگاه تهران، مطالبی با توضیحات علمی و اجرایی، بیان نمودند. در نهایت، پیشکسوتان

تبلیغات تجاری، به حضار معرفی شدند و سابقه و تخصص هر یک از آنها توسط دکتر محسن میرزائی، رئیس دپارتمان رشته تبلیغات تجاری در دانشگاه تهران، به اطلاع حاضران رسید. کتاب ۲۳۰ سال تبلیغات بازرگانی در مطبوعات فارسی‌زبان، در شش جلد، توسط آقای دکتر محسن میرزائی نوشته و به وسیله انتشارات دانشگاه تهران، منتشر شده است. آقای دکتر میرزائی، در مورد آقای یشایایی گفتند: «تبلیغات تجاری در ایران سابقه‌ای طولانی،



بیش از صد و پنجاه سال دارد. ولی در واقع، این حرفه به عنوان یک تخصص، بعد از سال‌های ۱۳۲۰ شمسی، شکل گرفته است.

تبلیغات تجاری را به عنوان یک تخصص، می‌توان به دو رشته‌ی

مجزا تقسیم کرد. در مرحله اول، تبلیغات تجاری نوشتاری، دیداری و عموماً مطبوعاتی و چاپ بروشور و غیره بود. اما معرفی کالا در سینماهای ایران، ابتدا، با نمایش اسلاید و پس از آن، با ساخت فیلم‌های تبلیغاتی از سال ۱۳۳۶ به وسیله شرکت تبلی فیلم، که مدیریت آن را آقای یشایانی عهده‌دار بودند، آغاز گردید. تا سال‌های ۱۳۵۶، تقریباً تمام ۴۵۰ سینمای ایران، زیر پوشش نمایش فیلم‌های تبلیغات تجاری، از طرف تبلی فیلم بود و در واقع، تبلیغات تجاری در سینماها، که البته بعدها تلویزیون جای آن را گرفت، با ابتکار و فعالیت آقای یشایانی و دوستانش وارد حوزه تبلیغات تجاری شد.

پس از آن، با اهدای لوح یادبود از طرف دانشگاه تهران، از آقای یشایانی و دیگر پیش‌کسوتان تبلیغات تجاری، تجلیل به عمل آمد. ■





Migna.ir

هوش برتر

لیورا سعید

از افراد، در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها یا مؤسسات، از نظر بهره‌ی هوشی نمره‌ی بالایی کسب می‌کردند، اما همین افراد در محیط کار و خانواده، چندان موفق نبودند و برعکس، افرادی که هوش متوسطی داشتند، در محیط کار یا خانواده، افرادی موفق و سازگار به شمار می‌رفتند.

در سال‌های اخیر، محققان روانشناسی دریافته‌اند که ضریب هوشی (IQ) نمی‌تواند به خوبی از عهده‌ی توضیح سرنوشت متفاوت افرادی برآید که فرصت‌ها، شرایط تحصیلی و چشم‌اندازهای مشابهی دارند. این محققان، وقتی ۹۵ دانشجوی دانشگاه هاروارد را در دهه‌ی ۱۹۴۰، یعنی دورانی که دانشجویان دانشگاه‌های شرق آمریکا را، افرادی با هوشبهرهای متنوع تشکیل می‌دادند، تا سنین میانسالی مورد بررسی قرار دادند؛ چنین دیدند که افرادی که بالاترین نمره‌های تحصیلی را داشتند، از نظر میزان حقوق دریافتی، رضایت از زندگی شخصی یا رضایت از روابط دوستانه، خانوادگی و عشقی نیز وضعیت برتر نداشتند.

دانستن این که شخص فارغ‌التحصیل ممتازی است، تنها به این معنی است که او، در جنبه‌هایی که با نمره سنجیده می‌شود بسیار موفق بوده است و احتمالاً فردی با هوشبهر (IQ) بالا است. اما درباره‌ی این که

چرا باهوش‌ترین شاگردان کلاس، ثروتمندترین نمی‌شوند؟
چرا بعضی از مردم از موهبت خوب زندگی کردن برخوردارند؟
چرا ما از بعضی افراد در همان نگاه اول خوشمان می‌آید و از بعضی دیگر خوشمان نمی‌آید؟
چرا گفتن جملات محبت‌آمیز برای بعضی راحت‌تر از بقیه است؟
چرا بعضی‌ها در تشخیص حالات چهره‌ای اطرافیان خود درست عمل می‌کنند؟
چرا بعضی فروشنده‌ها در جلب نظر مشتری استادند ولی برخی قادر به این کار نیستند؟
چرا بعضی از زوجین پس از سال‌ها، حالات روانی همسر خود را به خوبی نمی‌شناسند؟
چرا بعضی آدم‌ها خیلی راحت بابت اشتباهشان عذرخواهی می‌کنند؟

بیش از ۱۰۰ سال، تصور بر این بود که ضریب هوشی (IQ)^۱، معیاری برای سنجش هوش فردی محسوب می‌شود و نماینده‌ی میزان موفقیت افراد است. آزمون بهره‌ی هوشی، تنها شاخصی بود که نشان‌دهنده‌ی توانایی یادگیری شخص به حساب می‌آمد و هر کجا رفتار خردمندانه‌ای از کسی سر می‌زد به او (IQ) بالا یا برعکس؛ اگر رفتار نابخردانه‌ای می‌دیدند (IQ) پایین می‌گفتند. بسیاری

^۱ - Intelligence Quotient

قابلیتی دانست که عمیقاً تمامی توانایی‌های فردی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به نظر گلمن، هوش هیجانی ۵ مؤلفه‌ی اساسی دارد:

۱. شناخت هیجانات و احساسات خود:

به این مؤلفه، خودآگاهی نیز گفته می‌شود. بدین معنی که در هر لحظه تشخیص دهید که چه احساسی دارید و بتوانید آن را نام‌گذاری کنید. به عنوان مثال، اگر الان که در حال خواندن این مطلب هستید به یاد مکالمه‌ی دیروز خود با دوستان افتادید، چه احساسی به شما دست داد؟ غم، خشم یا شادی؟

۲. مدیریت هیجانات و احساسات خود:

به این مؤلفه، خودگردانی گفته می‌شود. شناخت احساساتی چون غم، خشم، ترس، ناامیدی و هزاران احساس دیگر به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بتوانید آنها را مدیریت کنید. مثلاً این که اگر عصبانی هستید، آیا می‌خواهید آن را ابراز کنید یا نه؟ و اگر می‌خواهید ابراز کنید چگونه آن را بیان کنید؟ راننده‌ی خوب نه تنها جای ترمز ماشین را می‌شناسد بلکه به هنگام لزوم، آن را در اختیار گرفته و بر آن مسلط است.

۳. برانگیختن و به هیجان درآوردن خود:

اسم دیگر این مؤلفه، خودانگیزی است. افرادی که (EQ) بالایی دارند، مولد، اثربخش و خلاق هستند. آنها با اندیشیدن به عواقب احتمالی یک عمل، نسبت به انجام دادن یا ندادن آن، خودجوش و خودانگیخته هستند. این افراد قدرت دارند که اهداف متعالی خود را تجسم کرده، برنامه بریزند و برای رسیدن به آنها فعالیت کنند. پشتکار و اراده، نشانه‌ی

او به فراز و نشیب‌های زندگی چه واکنشی نشان می‌دهد، چیزی به ما نمی‌گوید و مشکل همین جاست. هوش تحصیلی - به طور کلی هوشبهر - در مواقع بروز بحران و گرفتاری‌های زندگی عملاً هیچ نوع آمادگی‌ای در افراد پدید نمی‌آورد. با وجود آن که هوشبهر بالا تضمین‌کننده‌ی رفاه، شخصیت اجتماعی یا شادکامی در زندگی نیست؛ با این حال مدارس و فرهنگ ما صرفاً بر توانایی‌های تحصیلی تأکید می‌کنند.

نتیجه‌ی این وضع، خیل عظیم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است که در سطوح بالای دانشگاهی دارای مدرک‌اند ولی در پیش‌پاافتاده‌ترین روابط عاطفی و اجتماعی خود به شدت دارای مشکل هستند.

با ظهور عصر اطلاعات و ارتقای ارزش ارتباطات انسانی، نظریه‌ی «هوش هیجانی» رشد چشم‌گیری یافته و از مباحث پرتعداد روانشناسی شده است.

اصطلاح هوش هیجانی (EQ)^۱، برای اولین بار در دهه‌ی ۱۹۹۰، توسط دو روانشناس به نام‌های «جان مایر»^۲ و «پیتر سالووی»^۳ مطرح شد. به نظر این دو روانشناس، هوش هیجانی که به آن هوش عاطفی یا هوش احساسی نیز گفته می‌شود برای بیان کیفیت درک افراد، همدردی با احساس دیگران و درک رابطه‌ی هیجانات افراد با بهبود زندگی به کار می‌رود. پس از آن، «دانیل گلمن»^۴ با انتشار دو کتاب در زمینه‌ی هوش هیجانی، این اصطلاح را رایج کرد. دانیل گلمن، هوش هیجانی را استعداد، مهارت و یا

^۱ - Emotional Intelligence Quotient

^۲ - John Mayer

^۳ - Peter Salovey

^۴ - Daniel Goleman

محرک و برانگیزاننده‌ی فکر است. هر فکری را که می‌خواهیم به منصفی ظهور برسانیم، باید به وسیله‌ی احساس یا هیجانی مانند عشق برانگیخته و فعال کنیم. شما به جای این که به این نکته توجه داشته باشید و یا اصلاً در باره‌ی آن مطالعه‌ای کرده باشید، تصور می‌کنید هر چه ضریب هوشی خود یا فرزندانان بیشتر باشد، احتمال موفقیت‌تان نیز بیشتر است. شاید شما بدون آن که حتی نام هوش هیجانی را شنیده باشید، تمام تلاش خود را می‌کنید که ثابت کنید خود و فرزندانان از هوش بالایی برخوردارید و اگر مثلاً در آزمون‌هایی که به منظور تعیین ضریب هوشی گرفته می‌شود موفق بیرون بیایید، مطمئن می‌شوید که آینده‌ی موفقیت‌آمیزی در انتظاران است!

در حالی که تحقیقات نشان می‌دهند که ۲۰ درصد از موفقیت‌های زندگی حرفه‌ای، به بهره‌ی هوشی (IQ) و ۸۰ درصد به هوش هیجانی (EQ) بستگی داد. یعنی (IQ) در خوشبینانه‌ترین حالت خود فقط عامل ۲۰ درصد از موفقیت‌های زندگی است.

در روابط بین‌فردی، مهم‌ترین جایی که قوت یا ضعف هوش عاطفی (EQ) خود را نشان می‌دهد، در ازدواج و روابط بین زوجین است؛ زیرا ازدواج و زندگی زناشویی یک بافت سرشار از عاطفه است. محققان دریافته‌اند که مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌تواند در رضایت زناشویی مؤثر باشد؛ چرا که روابط صمیمانه‌ی زوجین، نیاز به مهارت‌های ارتباطی دارد. افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند می‌دانند که خود یا همسرشان در یک لحظه‌ی خاص در چه نوع حالت هیجانی به سر می‌برند. بنابراین قادرند به دقت عواطف گوناگون و متفاوتی چون خشم، ترس، غم و عشق را از هم تشخیص دهند.

برانگیخته شدن آنهاست. این کاری است که کمتر از هوش عقلانی (IQ) برمی‌آید.

۴. شناخت هیجانات و احساسات دیگران :

افراد دیگر آگاه، فقط اسب خود را نمی‌رانند. آنها تعاملات خوبی با اجتماع برقرار کرده و قادرند دنیا را از منظر دیگران نیز ببینند. این افراد، درک و همدلی بالایی با دیگران دارند. همدلی، توانایی شناخت یا آگاهی نسبت به حالات هیجانی، نیازها و علائق دیگران است. همدلی به معنای دیگر، وارد شدن به حریم احساسی دیگران است.

۵. مدیریت رابطه با دیگران :

پس از شناخت احساسات دیگران، باید قادر باشید روابط خوبی با آنها تنظیم کنید یا به عبارتی دست به دیگرمدیریتی بزنید. برقراری ارتباط مؤثر، گوش دادن عمیق، پرسیدن سؤالات مهم، تشریک مساعی و مذاکره کردن، از اجزاء این مهارت محسوب می‌شود. افراد با هوش عاطفی بالا، از هر کس انتظاری متناسب با خودش داشته و با توجه به احساسات غالب او با وی رفتار می‌کنند.

شیوه گلמן که امروزه به طور وسیعی به رسمیت شناخته شده است، به این معنا نیست که وقتی کسی دارای ضریب هوشی (IQ) بالایی باشد، لزوماً دارای هوش هیجانی بالایی نیز هست. هوشمند بودن، یک امتیاز است اما تضمینی برای موفقیت در زندگی و روابط بین فردی و اجتماعی نخواهد بود. اینجاست که هوش عاطفی بالا تبیین می‌کند: چرا افرادی با (IQ) متوسط موفق‌تر از کسانی هستند که (IQ) بسیار بالاتری دارند.

«فکر» و «احساس»، عوامل دوگانه در تصمیم‌گیری هستند که در واقع، احساس نیروی

از سال ۱۹۹۵ تاکنون، تحقیقات زیادی در زمینه‌ی ادراک عاطفی و روابط زناشویی صورت گرفته است. پژوهش‌ها نشان داده: همسرانی که دارای هوش هیجانی بالا هستند، از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند و میزان رضایت زناشویی در همسرانی که دارای هوش هیجانی یکسانی هستند بالاتر از همسرانی است که هوش هیجانی غیریکسانی دارند. آنان همچنین دریافته‌اند، زوج‌های شاد در مقایسه با زوج‌هایی که رابطه‌ی زناشویی و عاطفی خوبی با هم ندارند، احساس همدلی بیشتری نسبت به هم نشان می‌دهند و نسبت به احساسات یکدیگر حساسیت بیشتری به خرج می‌دهند.

مطالعات دیگر نشان داده، زنان بهتر از مردان در ابراز دقیق عواطف و تشخیص آنها عمل می‌کنند. توانایی ابراز دقیق عواطف در زنان، به خاطر توانایی بالای آنان در استفاده از رفتارهای غیرکلامی در جریان ارسال پیام‌های عاطفی است. در هر حال، برخورداری از توانایی‌هایی چون شکیبایی، مدارا کردن و بردباری در هنگام عصبانیت، احتیاج به مهارت‌های هیجانی پیشرفته و سطح بالایی مثل همدلی، کنترل خود و درک عمیق نیازها و احساسات دیگران دارد.

در واقع، موضوعات خاصی چون ارتباط جنسی، نحوه‌ی تربیت فرزندان یا میزان بدهی‌ها و پس‌اندازها، موضوعاتی نیستند که یک زندگی زناشویی را با بر جا نگه دارند یا متلاشی کنند؛ بلکه شیوه‌ی بحث درباره‌ی این موضوعات حساس است که در سرنوشت ازدواج حائز اهمیت است.

در نهایت، آن چه اساس و سنگ بنای موفقیت انسان‌هاست، افزون بر دارا بودن هوش‌بهر مناسب،

آموزش و به کارگیری مهارت‌های ابراز و کنترل هیجانات و توانایی همدلی با احساسات دیگران یا به طور خلاصه، هوش هیجانی بالاست. این یادگیری از تولد آغاز شده و آن چه کودکان در سال‌های اول زندگی می‌آموزند، پایه‌ی شکل‌گیری هوش هیجانی آنهاست. محیط خانواده، اولین محل برای آموزش مهارت‌های هیجانی است. این آموزش با گفتار و رفتار مستقیم والدین با کودکان و همچنین با الگوبرداری فرزندان، از مهارت‌های هیجانی پدر و مادر صورت می‌گیرد. برای این آموزش، والدین، خود باید از هوش هیجانی لازم برخوردار باشند. خبر خوب این که، برعکس ضریب هوشی که از طریق وراثت به انسان منتقل می‌شود و فقط تا ۱۵ سالگی قابل پرورش است، هوش هیجانی اکتسابی است و میزان پرورش آن با افزایش سن بالاتر رفته و تا آخر عمر قابل پرورش است.

با توجه به شرایط کنونی جامعه، در مورد مشکلات و نابسامانی‌های موجود در خانواده‌ها، بین همسران، والدین و فرزندان و می‌توان یکی از مهم‌ترین علت‌ها را در مهارت‌های ارتباطی ضعیف به ویژه، هوش عاطفی پایین جستجو کرد. اولین پایه‌ی هوش هیجانی (همان‌طور که در شیوه گلמן خواندید) خودآگاهی است. مردم، آن قدر که در رفتار دیگران مطالعه می‌کنند، در رفتار خود دقت نمی‌کنند. در تمام محافل اجتماعی، دینی، تفریحی و ... بیشترین توجه افراد به دیگران، نوع روابط و کیفیت زندگی‌شان است و این تمام اوقات فراغت و غیرفراغت آنان را پر کرده است. با این وصف، دیگر جایی برای خودشناسی و توجه به کیفیت روابط خود با خود و با دیگران می‌ماند؟! ■



اوضاع یهودیان در قرون وسطی (بخش دوم)

نسترن جاذب

اوضاع یهودیان در قرون وسطی

در کشورهای مسیحی

ظهور حضرت عیسی (ع)، نقطه عطف دیگری در تاریخ قوم بنی اسرائیل بود. زیرا او خود را دنبال کننده راه حضرت موسی (ع) و دیگر انبیاء بنی اسرائیل می دانست. با این حال یهودیان، خصوصاً رهبران یهود، سخنان وی را نپذیرفتند و بسیاری از آنان منکر نبوت آن حضرت شدند. این امر علاوه بر روایت منقول در انجیل (انجیل= ۱۰۵۵۶) که عیسی (ع) به تحریک یهودیان، توسط حاکم رومی اورشلیم مصلوب شده، باعث گردید که روابط یهودیان و مسیحیان، از همان ابتدا خصمانه باشد. این اختلاف ها بعد از چندی به صورت کشمکش و نزاع سیاسی درآمد. خصوصاً پس از آن که امپراطور روم، کنستانتین، در سال ۳۱۲ میلادی، دین مسیح را پذیرفت و آن را آیین رسمی قرار داد. بزرگان نصرانی هنگامی که از اقتدار و اختیارات سیاسی برخوردار شدند و ملاحظه کردند که یهودیان هنوز در برابر مسیحیت مقاومت می ورزند، از آنها مایوس شده و راه اذیت و آزار را در پیش گرفتند. این امر موجب بروز زد و خورد و خونریزی های متعددی میان ایشان شد که تا زمان ظهور اسلام در امپراطوری روم ادامه داشت. نتیجه این گونه درگیری ها نیز آوارگی و پراکندگی بیشتر

یهودیان به سرزمین های مختلف جهان و ایجاد فرق گوناگون در این دین بود. پذیرش مسیحیت توسط کنستانتین در قرن چهارم و به دنبال آن رسمیت یافتن این دین در قلمرو امپراطوری، حادثه بزرگی بود که تحولات وسیعی را در دنیای آن روز، چه در داخل و چه فراتر از مرزهای امپراطوری، در پی داشت. رسمیت یافتن مسیحیت به همان اندازه که موقعیت اجتماعی و فرهنگی مسیحیان را بهبود بخشید، ظاهراً برای یهودیان ساکن در سرزمین های

برخلاف ممالک اسلامی که یهودیان عموماً در آنجا با صلح و آرامش زندگی می کردند، در ممالک مسیحی وضعیت به گونه ای دیگر بود: در طول این دوره، یهودیان ممالک مسیحی هیچ گاه آرامش نداشته، سخت ترین فشارها و شکنجه ها را تحمل می کردند

روم شرقی، رخداد مطلوبی نبود و شرایط اجتماعی و زیستی آنها را دشوار نمود. در منابع تاریخی آمده است که با خرابی معبد اورشلیم، یهودیان به شهر جلیل مهاجرت کرده، مرکزی دینی را در آن محل به وجود آوردند و پس از روی آوردن کنستانتین به مسیحیت و سخت گیری وی نسبت به یهودیان، آنها بنای مهاجرت به بابل و سرزمین های دیگر را

شمار می‌رفتند، مسیحی بودند، ولی مذهب آنها با مذهب کاتولیک‌های روم تفاوت داشت.»

علت مخالفت کلیسای روم با جماعت یهودیان ساکن در سرزمین‌های اروپایی، خود، موضوعی است که باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. اما نمی‌توان انکار کرد که در دوره‌های خاصی، به ویژه قبل از ظهور مذهب پروتستان، یهودیان ساکن در کشورهای اروپایی، از برخی محدودیت‌های رسمی و غیررسمی رنج می‌بردند و احتمالاً در معرض آزار مقامات و محدودیت‌های اعمال شده توسط حکام محلی قرار می‌گرفتند. این موضوع، به ویژه در فاصله قرون دوازده تا شانزده میلادی، از شدت بیشتری برخوردار بوده است.

جنگ‌های صلیبی و وضعیت یهودیان در اروپا

آغاز جنگ‌های صلیبی، در اواخر قرن یازدهم میلادی، سرآغاز عصر دیگری در زندگی یهودیان مقیم اروپا به شمار می‌رود. در این دوران، یهودیان در اکثر کشورهای اروپای غربی نظیر فرانسه و انگلیس و سواحل رود راین، سکنی گزیده بودند؛ با این حال هیچ‌گاه رابطه خوبی با اکثریت مسیحی نداشتند. به این ترتیب، اولین گروه از جنگجویان متعصب مسیحی، قبل از حرکت به سوی بیت‌المقدس برای شرکت در نبرد با مسلمانان، قتل عام کافران اروپا، یعنی یهود را آغاز کردند. در آن زمان پاپ اروپا دوم بر این عقیده بود که «پیش از هموار کردن رنج سفری دراز به بیت‌المقدس، واجب می‌نماید یهودیان اروپا که بازماندگان کشتن‌دگان خداوند ما، مسیح، هستند را به قتل رسانند». فرمانده سپاهیان صلیبی نیز اعلام کرد که انتقام خون عیسی (ع) را از یهودیان خواهد گرفت و یک تن از ایشان را بر روی زمین زنده نخواهد

گذارند. در آن زمان، بابل تحت قلمرو امپراطوری ایران قرار داشت. «یهودیان بابل، تحت حکومت اشکانیان به لحاظ علمی وضعیت خوبی داشتند، به گونه‌ای که از سال‌ها قبل مدارس را در این منطقه ایجاد کرده بودند. از آن زمان به بعد توجه یهودیان به بابل، به عنوان مرکز علمی و دینی جلب شد. بدین ترتیب، بابل به بزرگترین مرکز یهودی تبدیل شد و قرن‌ها نیز به همین صورت باقی ماند. اما گویا سلسله‌های بعدی پادشاهان ایرانی، رفتاری متفاوت با اقلیت‌های مهاجر دینی داشته‌اند: «در سال ۲۲۶ میلادی، آخرین پادشاه اشکانی در جنگ کشته شد و سلسله اشکانیان منقرض گشت. پس از آن، اردشیر بابکان (اردشیر بابکان=۱۰۷۰۹) سلسله ساسانیان را تأسیس نمود. ویژگی ساسانیان این بود که با روحانیون زرتشتی متحد بودند و در مقابل، روحانیون نیز در امور حکومت دخالت می‌کردند. این امر، باعث شد که ساسانیان دین زرتشتی را در ایران اجباری کنند. پادشاهان ساسانی، در ابتدا زیاد بر پیروان ادیان دیگر سخت نمی‌گرفتند، اما به تدریج اوضاع تغییر یافت و آنان برطبق خواسته روحانیون زرتشتی، پیروان همه ادیان از جمله یهودیان را مجبور به پذیرش آیین خود نمودند.

وضعیت یهودیان پراکنده در مغرب زمین

در فاصله زمانی مذکور، مطالعه وضعیت یهودیان پراکنده در مغرب زمین، یعنی در قلمرو اروپا، بسیار حائز اهمیت است و ظاهراً از فراز و فرود بسیاری برخوردار بوده است. «باید گفت که یهودیان از قرن چهارم میلادی در اسپانیا اقامت داشتند. در آن زمان کشور مذکور تحت تسلط ویزیگوت‌ها (Visigoths) و گوت‌ها (Goths)ی غربی بود. ویزیگوت‌ها که شاخه‌ای از نژاد ژرمن به

از آن کشور به دیگر ممالک اروپا سرایت کرد. در سال ۱۲۹۰ یهودیان را از انگلیس، در سال ۱۳۹۴ از فرانسه و سپس از اسپانیا اخراج کردند. به این ترتیب، یهودیان به سرزمین‌های اطراف پراکنده شدند و بعضی که در کشورهایی نظیر ایتالیا، آلمان و فرانسه باقی مانده بودند در محله‌های خاصی از شهر به نام «گستو یا گتو Ghetto» محصور شدند. و برای آنها محدودیت زیادی در نظر گرفته شد. همچنین، بسیار اتفاق می‌افتاد که مسیحیان، آنان را به زور به آیین خود در می‌آوردند. این دسته افراد در ظاهر مسیحی می‌شدند، ولی در باطن یهودی می‌ماندند و تعبیر یهودیان مسیحی‌نما (Marranos) به چنین افرادی دلالت دارد که در اصطلاح یهودیان ایران، «آنوس» خوانده می‌شوند.

تفاوت اوضاع یهودیان در

ممالک مسیحی و مسلمان

برخلاف ممالک اسلامی که یهودیان عموماً در آنجا با صلح و آرامش زندگی می‌کردند، در ممالک مسیحی وضعیت به گونه‌ای دیگر بود: در طول این دوره، یهودیان ممالک مسیحی هیچ‌گاه آرامش نداشته، سخت‌ترین فشارها و شکنجه‌ها را تحمل می‌کردند. نویسنده‌ای یهودی درباره اوضاع یهودیان ممالک مسیحی می‌گوید: هنگامی که کلیسای مسیحی قوی‌تر شد، در روابط بین یهودیان و مسیحیان تغییری حاصل گردید. در رأس کلیسا، سرپرست مذهبی مسیحیان به نام پاپ قرار داشت. پاپ به وسیله کاردینال‌ها که به شاهزادگان کلیسا معروف بودند، انتخاب می‌شد. هر قسمت از اروپا تحت تسلط مذهبی یکی از این کاردینال‌ها قرار داشت، و اسقف‌ها و کشیش‌ها زیر دست او خدمت می‌کردند. پاپ در رأس تمام این تشکیلات قرار



گذاشت. در مورد علت یهود آزاری و قتل عام یهودیان در اروپا بحث‌های زیادی شده است. بعضی از افراد، این پدیده را ناشی از وقوع بلایای طبیعی در اروپا نظیر طاعون یا مرگ سیاه و انتساب جاهلانه سرمنشاء این بلایا به یهودیان، دانسته‌اند. بعضی دیگر انزوای یهودیان در اوج تفکرات ناسیونالیستی در اروپا و اینکه یهودیان خود را به صورت «قوم برگزیده» تصور می‌کردند، را عامل اذیت و آزار ایشان توسط وطن‌پرستان افراطی آلمانی، فرانسوی و... دانسته‌اند. اما ظاهراً یکی از علل اصلی این پدیده، رفتارهای یهودیان در کشورهای غربی بوده است. یکی از استعدادهای یهودیان، جمع‌آوری مال و ثروت بوده است. به صورتی که یهودیان در قرون وسطی بر تجارت اروپا تسلط یافتند و کلمه یهودی در غرب مترادف کلمه تاجر شده بود. این توانایی یهودیان، باعث شده بود که بسیاری از مردم، کینه خاصی از یهودیان در دل داشته باشند و در موقع مناسب، انتقام خود را از این قوم بگیرند. به این ترتیب، عامه‌ی اهل اروپا که در دوران جنگ‌های صلیبی بر ضد کافران (غیرمسیحی) به هیجان آمده بودند؛ به خصومت یهود نیز برخاسته و آنها را طعمه هلاکت ساختند. این جنبش ضد یهود، از آلمان شروع شد و اولین کشتارهای جمعی در آنجا به وقوع پیوست و

وحشیانه و تصورناپذیر مورد آزار و شکنجه قرار می‌گرفتند. نتیجه این تبعیضات این بود که یهودیان مجبور می‌شدند کارهایی را پیشه کنند که مسیحیان به اشتغال به آن تمایل نشان نمی‌دادند. مسیحیان در هر شغلی که کار می‌کردند برای خود اتحادیه‌ای داشتند مثلاً نجارها یا کفاشان و غیره؛ هر کدام اتحادیه‌ای تشکیل می‌دادند، ولی یهودیان را به این اتحادیه‌ها راه نمی‌دادند. چون یهودیان حق اشتغال به تجارت یا انواع صنایع را در جهان مسیحی نداشتند، روز به روز فقیرتر و بیچاره‌تر می‌شدند.

نصب وصله زرد بر سینه یهودیان

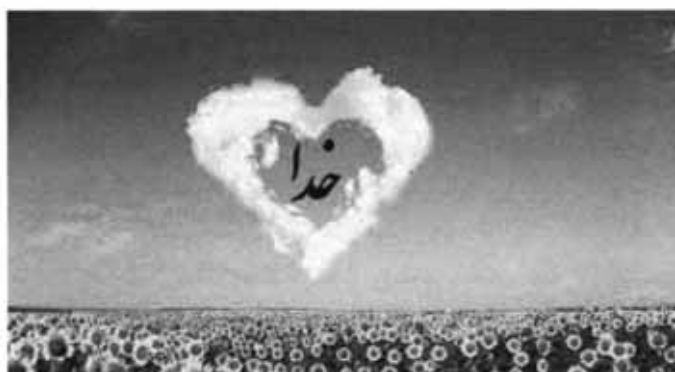
کلیسای کاتولیک رومی، آزار و شکنجه یهودیان را کافی نمی‌دانست، و از این جهت به عملیات شرم‌آور دیگری هم دست زد. در سال ۱۲۱۵ میلادی، پاپ اینوسانت سوم، حکمی صادر کرد که تمام یهودیان باید بر روی سینه و پشت لباس خود وصله‌ای بدوزند. چون این وصله از پارچه زرد تهیه شده بود، آن را «وصله زرد» می‌نامیدند، و گاهی هم به آن «وصله رسوایی» می‌گفتند. نصب وصله زرد بر سینه یهودیان، برای آن بود که آنان مورد تحقیر قرار گیرند، و امید می‌رفت که مسیحیان با اشخاص زبونی که این نشان را بر سینه دارند، کاری نداشته باشند. یهودیان جز دوختن وصله زرد بر سینه خود، چاره‌ای نداشتند. به محض این که کسی آنها را می‌دید، به آنها حمله می‌کرد. یهودیان برای آنکه از حمله دشمنان خود که گاهی منجر به قتل می‌شد محفوظ بمانند، شانه‌های خود را به جلو خم می‌کردند، به این امید که وصله آنان دیده نشود و مردانی که حاضر نبودند از ایمان خود دست بردارند، و از این که جان خود را در راه مذهب خویش فدا کنند، امتناع نداشتند، مجبور بودند که

داشت. کلیسا ادعا می‌کرد که تمام قانون‌گزاران، شاهان و امپراطوران پیش از اینکه شروع به کار کنند باید مورد تأیید پاپ قرار گیرند. شاهان برای اینکه از طرف پاپ تبرک شوند، حاضر بودند که تمام دستورات او را انجام دهند. درباریان شاه، نجبا و شوالیه‌ها هم مجبور بودند کلیه فرامین کلیسا را اطاعت نمایند. در نتیجه پاپ، در اروپا قدرت سیاسی زیادی به دست آورد و بین کلیسای رومی و دولت‌های اروپا و به خصوص دولت‌های غربی همبستگی محکمی پدیدار گردید. کاتولیک‌های اروپای شرقی، روابط چندان محکمی با کلیسای روم نداشتند و در قرن یازدهم میلادی خود را از زیر سلطه مذهبی پاپ خارج کردند، و کلیسای ارتدوکس و یا گروه مسیحیان ارتدوکس یونان و سوریه و بعضی از کشورهای کوچک اروپای شرقی را تشکیل دادند. ولی کلیسای کاتولیک اروپای شرقی نیز با حکومت‌های ملی وابستگی کامل داشت. کلیسای کاتولیک به پیروان خود تعلیم می‌داد که هر کسی مسیحی نیست تبهکار و شریر است و باید مجازات شود. کشیش‌ها و راهبان، کوشش می‌کردند یهودیان را وادار به تغییر مذهب نمایند. آنها تصور می‌کردند که با این عمل خود، روح یهودیان را نجات خواهند داد. در مواردی که موفق نمی‌شدند یهودیان را مسیحی کنند، قوانین ظالمانه‌ای علیه آنها وضع می‌کردند. از جمله: یهودیان حق نداشتند مالک زمین باشند. به آنها اجازه داده نمی‌شد که کارمند ادارات دولتی باشند و یا به بعضی از تجارت‌ها بپردازند. قانون از آزادی آنها حمایت نمی‌کرد و زندگی ایشان همواره در خطر بود. در اواخر قرن یازدهم میلادی، هنگامی که جنگ‌های صلیبی شروع شد، قوانین مذکور شکل غیر انسانی‌تری به خود گرفت. یهودیان با وضعی

می‌کردند که هر کس مسیحی نیست، استحقاق برخورداری از حقوق شهروندی را ندارد و حتی باید مورد آزار و اهانت قرار گیرد و از تمامی موقعیت‌های اجتماعی محروم شود. اما جالب آن که در همین حال، یهودیان ساکن در سرزمین‌های مسیحی‌نشین، همچنان به کار صراف‌ی اشتغال داشتند و از این طریق به تحصیل ثروت و البته وابسته کردن معیشت مردم به خود و انباشته کردن پول مشغول بودند و به این خصیصه، شهرت داشتند! ظهور نخستین بانک‌ها و موسساتی که به اشخاص و دولتها پول قرض می‌دادند، توسط همین جماعت یهودیان صورت پذیرفت، چنانکه در روزگار ما نیز اغلب مراکز و موسسات پولی و تجاری دنیا در دست یهودیان است. در اینجا به خودی خود این سوال به ذهن متبادر می‌شود که چگونه ممکن است یهودیان سخت تحت آزار و محدودیت‌های تحمیل شده از ناحیه مسیحیان باشند؛ اما در همان حال، بسیاری از سر رشته‌های اقتصاد و معیشت همین مردم در اختیار آنها باشد و امروزه نیز میوه سرمایه‌گذاری‌های کلان مادی و معنوی خود را در طول این قرون برداشت کنند؟ در منابع تاریخی حتی گفته شده است: محدودیت‌های وضع شده برای یهودیان، بدانجا رسید که مسیحیان در قرون وسطی، محله‌های خاصی را برای سکونت یهودی‌ها در نظر می‌گرفتند و این محلات تا اواخر قرن هیجدهم نیز وجود داشت. بنا به ادعای منابع، نام این محلات را «گتو» (getto) گذاشته بودند و در بسیاری از موارد، وضعیت ظاهری این محلات تفاوت محسوسی با دیگر نقاط شهرها داشت.

(ادامه دارد...)

هنگام راه رفتن در کوچه‌ها سر فرود آورند و پشت خود را خم کنند. پس از نصب وصله زرد بر سینه یهودیان، کلیسای مسیحی به کتاب تلمود حمله کرد، و بهانه‌اش این بود که این کتاب پر از کینه و نفرت نسبت به مسیحیان است. آنها می‌گفتند که تلمود، دزدیدن مال مسیحیان و حتی کشتن آنها را برای یهودیان مباح کرده است. در حالی که مسیحیان خود مرتکب چنین اعمال زشت و نفرت‌آوری می‌شدند، نسبت دادن این نوع کارها از طرف کلیسا به یهودیان، مسخره و دردناک بود. اعضای کلیسا نمی‌توانستند بفهمند که چرا یهودیان تا این حد به مذهب خود بستگی دارند. آنها می‌دیدند که یهودیان با علاقه و عشق فراوان غرق در مطالعه تلمود می‌شوند، و با پیروی از تعلیمات آن برای خویش آرامش روح و راحتی فکر بدست می‌آوردند. از این جهت مسیحیان خشم و غضب خود را متوجه کتاب مقدس تلمود نمودند، و امیدوار بودند که با نابود ساختن این کتاب بتوانند اساس مذهب یهود را که تا آن زمان، استوار مانده بود، متزلزل و خراب کنند. نتیجه این تصمیم آن بود که یهودیان فرانسه مجبور شدند نسخه‌های تلمود را که با آن همه علاقه، مطالعه می‌نمودند تحویل دشمنان خود بدهند. کتاب‌های مقدس و قیمتی تلمود را در میدان‌های عمومی شهرها و در جلو چشمان حسرت‌بار یهودیان دل‌شکسته می‌سوزانیدند و آنها مجبور بودند که این منظره تأسف‌آور را تماشا کنند. تعلیمات دانشمندان بزرگ یهود، تفسیرهای عالی، گفتارهای خردمندانه و تمثیلات حکمت‌آمیز و داستان‌ها و قصه‌های زیبایی که از آنها به یادگار مانده بود، همه پاره پاره شد و در آتش سوخت و نابود گشت. مسیحیان، به طور عام، و کلیسای کاتولیک روم، به‌طور خاص، تبلیغ



با من باش

امیر فراز نعیموت

هرگز ... اگر راحت به روی تو بسته بود، آن را خواهم
 هرگز فراموش نکن من عاشق توام ... شکافت، حتی اگر دریا باشد ...
 خورشید باشد بین ما نشانه، من هر روز او را برای و بدان هرگاه دلت سیر نبوده، مانند مانده آسمانی بر
 یادآوری علاقه‌ام به تو نزد تو روانه خواهم کرد ... سرت خواهم بارید ...
 به یاد داشته باش آگاه باش
 اگر گرداگرد جهان را آب بگیرد، من ساحل امن تو هر روزی که مرا یاد کنی، مشکلی از مشکلات تو
 خواهم بود ... خواهم گشود ...
 اگر در انتظار فرزندی باشی، من صدای گریه آن‌گاه که هیچ صدایی برای تو شنیدنی نیست، من
 فرزندی در گهواره خالی خانه تو خواهم بود ... زیباترین موسیقی جهان را در گوش‌های تو خواهم
 من تو را از اعماق چاهی عظیم، عزیز مصر خواهم نواخت ...
 کرد، اگر روزی همه جا پر شود از زشتی
 در هر لحظه امیدوار باش ... دستان من زیباترین چشم‌انداز جهان را
 اگر کسی را از اعماق دلت طلب کردی و برایش روبه چشمان تو خواهد گشود ...
 تلاش نمودی تو فقط با من باش
 او را قسمت تو خواهم نمود. امضاء
 سرانجام چه بعد از ۷ سال ... چه ۱۴ سال ... خدا.



«حکایت عشق»

نویسنده: دکتر مرالد شرودر

کارشناس و محقق علمی-مذهبی

مترجم (با تصرف و تفسیر): مهندس امید ممبکی مقدم

عضو هیأت علمی دانشگاه

«همنوعت را مانند خودت دوست بدار.

من خداوند خالق هستم (وبیقرآ ۱۸:۱۹)»

فرمان تورا درخصوص عشق ورزیدن به انسان‌های دیگر، پیام‌های مختلف و گوناگونی برای انسان‌ها دارد. نخست آن‌که، عشق ورزیدن یک «وظیفه» است و نه صرفاً یک خصلت نیکو. به عبارت دیگر پاسوق^۱ فوق، هر انسانی را مکلف به عاشق بودن می‌کند. البته خداوند تنها به صدور این فرمان بسنده نکرده و به ما اطلاع داده است که چگونه می‌توانیم عشق ورزیدن را یاد بگیریم. نباید این نکته را فراموش کرد که عشق ورزیدن را می‌توان فرا گرفت و به همین دلیل، عجیب نیست که خداوندی که از ما خواستار دوست داشتن و عشق ورزیدن است، در توراى خود به ما آموزش داده که چگونه می‌توان در این راه موفق شد.

این عبارت تورا که «خوب نیست که آدم تنها باشد (برشیت ۲:۱۸)»، آشکارا نشان می‌دهد که داشتن روابط اجتماعی و زندگی در بین مردم، بخش مهمی از هدف و نقشه خداوند از خلقت خویش را تشکیل داده است

یعقوو آوینو^۲، قصد داشت که با دختری که به او عشق می‌ورزید، یعنی راحل ازدواج کند. اما دایی او، که پدر راحل بود، به وعده و قرار قبلی خود عمل نکرد و یعقوو آوینو را

[اشاره: یکی از قدرتمندترین نیروهایی که توسط خداوند به انسان هدیه شده، عشق است. عاشق، پیر و جوان و یا زن و مرد نمی‌شناسد. چرا که عشق، تأثیر عمیق خود را در ژرفای ضمیر هر انسانی نهادینه خواهد کرد. زمانی که غیر عاشق، عاشق شود چنان نیرویی در اختیار او قرار می‌گیرد که شاید هیچ چیزی تاب مقاومت در برابر آن را نداشته باشد.

دانسته است که نسبت به هر ابزار و وسیله‌ای که قدرت زیادی داشته باشد، باید هوشیار بود و از آن استفاده صحیح کرد. شاید همین نیروی خارق‌العاده عشق باشد که اگر کنترل شود، می‌تواند انسان را به اوج عظمت برساند و البته اگر مهار نشود، این قدرت را خواهد داشت تا عاشق را از جنبه‌های مختلف به حقیض ذلت برساند. به همین دلیل نیز خداوند از انسان می‌خواهد که همانند هر میل و کشش دیگری که در وجود وی ایجاد کرده، عشق را نیز تحت کنترل خود قرار دهد تا بتواند از آن در راه صحیح استفاده کند. در تورا (تورات) خداوند به کرات از اهمیت عشق به خداوند، عشق به هم‌نوع، عشق به فقیر، عشق به فرد غریب و ... سخن گفته است. مقاله‌ای که در ادامه تقدیم خوانندگان محترم می‌شود درباره همین نیروی عظیم عشق و اهمیت والای آن از دیدگاه الهی صحبت می‌کند. مترجم/

۱- سفر لاویان

۲- آیه

۳- حضرت یعقوب

در زمان‌های دور، هنگامی که امپراطوری بزرگ رومی - یونانی می‌رفت به دو قسمت تجزیه شود، دو دوست به نام‌های مارکوس و آریتوس در رُم زندگی می‌کردند. آنها در زمان جوانی در کلاس‌های تورا با یکدیگر شرکت کرده بودند. اما دیری نپایید که آریتوس مجبور شد تا با خانواده خود رهسپار دمشق شود. منطقه دمشق پس از تجزیه امپراطوری، سهم دولت یونانی شده بود. این در حالی بود که مارکوس به همراه خانواده خود در رُم باقی ماند. دوستی آنها آن قدر ماندگار و ریشه‌ای بود که سالی دو بار یکدیگر را ملاقات می‌کردند؛ یکبار در رُم و یکبار در دمشق.

بر همین اساس، هنگام بهار مارکوس از طریق دریای مدیترانه رهسپار شهر بیروت شد تا از آنجا به دیدار دوستش در دمشق برود. مدت زمان کوتاهی از دیدار دو دوست صمیمی نگذشته بود که ناگهان صدای درب منزل آریتوس بلند شد. سربازان یونانی همانند مور و ملخ به داخل خانه ریختند و مارکوس را به اتهام جاسوسی برای دولت روم - که دشمن دولت یونانی شناخته می‌شد - دستگیر کردند. ماموران اجازه هیچ حرفی را به مارکوس ندادند و به او گفتند هر حرفی که دارد باید با خود پادشاه در میان بگذرد. بدیهی بود که مجازات خیانت و جاسوسی، یک حکم بیشتر نبود: اعدام.

هنگامی که مارکوس دستگیر شد، تنها تقاضایش از پادشاه این بود که به او فرصتی داده شود تا به نزد خانواده خود در رُم بازگشته و با آنها وداع کند و بدهکاری‌های خود را به طلبکارانش بپردازد. پادشاه از شنیدن این درخواست، خنده‌اش گرفت و به مارکوس گفت: «تو فکر می‌کنی من اینقدر ساده‌ام؟ اگر من به تو اجازه برگشت به رُم را بدهم مسلماً دیگر هیچ وقت تو را در دمشق نخواهیم دید؛ چرا که در دمشق مجازات اعدام انتظار تو را می‌کشد.» اما مارکوس پاسخ داد: «من تضمینی به شما می‌دهم که به دمشق بازگردم. دوست من، آریتوس، ضامن بازگشت من به دمشق خواهد بود.» پادشاه گفت: «و اگر تو زیر قولت بزنی، او را اعدام کنیم؟». «بله، من مطمئن هستم آریتوس این ضمانت را می‌پذیرد؛ چرا که او خوب می‌داند که من باز خواهم گشت.» «پس اگر در عرض بیست روز برگشتی که هیچ،

فریب داد و در نتیجه یعقوب به جای راحل، با لنا که خواهر راحل بود ازدواج کرد. پس از گذشت هفته‌ی جشن عروسی، به یعقوب اجازه داده شد که با راحل نیز ازدواج کند. در اینجا تورا می‌فرماید: «او (یعقوب) همچنین به نزد راحل رفت و همچنین دوستدار راحل نیز شد (برشیت ۲۹:۳۰)». اما دلیل تورا از به کار بردن واژه «همچنین» در این پاسوق چیست؟ مگر نه این که یعقوب همیشه و از همان اول راحل را دوست داشت؟ استفاده از عبارت «همچنین دوستدار راحل نیز شد» به این دلیل است که در طول یک هفته جشن عروسی یعقوب با لنا، یعقوب به صداقت و پرهیزگاری لنا نیز پی برد و به همین دلیل در عمل، عاشق او نیز شد. هر چند همانطور که تورا به ما اطلاع می‌دهد، لنا از نظر ظاهری، تمام و کمال نبود: «چشمان لنا ضعیف بودند (برشیت ۲۹:۱۷)».

«بشنو ای ییسرائل، خدا خالق ما، خدای یکتاست. با تمام قلبت، با تمام جانت و با تمام ثروت، عاشق خداوند خالقت باش (۵-۴:۶)». بیان چنین عشقی که محور اصلی کلیه اهداف تورا را تشکیل می‌دهد، دقیقاً پس از ذکر وحدانیت وجود خداوند، جای بحث و بررسی دارد. این دو پاسوق متوالی به ما نشان می‌دهد که خداوند از مخلوقاتش چه انتظاری دارد: عشق ورزیدن به او و او را دوست داشتن. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که عشق واقعی، تنها در میان جامعه فرصت تجلی می‌یابد؛ نه در تنهایی، نه کنج عزلت گزیدن، و نه با نشستن در کناری و تارک دنیا شدن و غرق تفکر شدن. این عبارت تورا که «خوب نیست که آدم تنها باشد (برشیت ۲:۱۸)»؛ آشکارا نشان می‌دهد که داشتن ارتباط اجتماعی و زندگی در بین مردم، بخش مهمی از هدف و نقشه خداوند از خلقت خویش را تشکیل داده است. در تهیلیم نیز گفته شده: «اینک چه خوب و مسرت بخش است زمانی که برادران با هم سکنی گزینند (۱۳۳:۱)». ما انسان‌ها با «با هم بودن»، یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های خداوند را در قبال رفتارمان نسبت به یکدیگر عملی خواهیم کرد.

یک داستان زیبا از تلمود بیان می‌کند که چرا تورا پس از آن که دستور می‌دهد «همنواعت را مانند خودت دوست بدار»، از عبارت «من خداوند خالق هستم» استفاده کرده است.

چه بیشتری برای مشاهده صحنه اجرای دستور پادشاه، حضور بهم رسانده باشند.

مارکوس خود را از ارابه تندرویی که سوارش شده بود به پایین انداخت و سراسیمه به طرف چوبه دار دوید که در پایین آن، آرتوس با دستان از پشت بسته شده، ایستاده بود. وقتی مارکوس به آرتوس رسید او را در آغوش خود کشید و به مامور جلادی که در صدد اجرای حکم اعدام آرتوس بود گفت: خائن واقعی من هستم که از سفر برگشتم و من هستم که باید اعدام شود. حرف درستی بود. اما مامور اعدام تا آمد که دست و پای مارکوس را ببندد و او را به جای آرتوس اعدام کند، در کمال تعجب دید که آرتوس به شدت به این امر اعتراض کرد و گفت که: «مارکوس قول داده بود که تا بیست روز برگردد اما الان عملاً وارد روز بیست و یکم شده‌ایم و چون او به عهد خود عمل نکرده است، باید ضامن او را که من باشم اعدام کنی». جلاد که از این استدلال متقاعد شده بود، آمد که حکم اعدام را در مورد آرتوس انجام دهد. اما مارکوس به شدت اعتراض کرد و چنین کاری را مضحک خواند چرا که او بوده که به عهد خویش به پادشاه وفا نکرده و او بوده که خیانت کرده، نه آرتوس. بنابراین، طبق چه منطقی آرتوس باید به جای او قربانی شود؟ تا جلاد آمد از این حرف قانع شود، آرتوس گفت: «که طبق قرار قبلی او که ضامن شده باید جریمه شود و اوست که باید بالای چوبه دار برود».

این بحث و جدل آنچنان طولانی شد که جلاد را خسته و درمانده کرد و پس از آنکه موضوع را به پادشاه اطلاع داد، خواستار تصمیم‌گیری شخص پادشاه در این مورد شد. پادشاه پس از شنیدن صحبت‌های جلاد، چند لحظه چهره در هم کشید و به فکر فرو رفت. پس از آن از تخت پادشاهی خود پایین آمد و گفت: «من تصمیم خود را گرفتم... من به یک شرط، هر دوی شما را می‌بخشم. آن شرط... آن شرط این است که من را هم از این پس دوست خود قلمداد کنید و جزو دوستان خود به حساب آورید».

«همنوع را مانند خودت دوست بدار. من خداوند خالق هستم (و یقراً ۱۸:۱۹)»؛ در سرتاسر تورا، خداوند به هر کدام از ما اعلام می‌کند که زمانی که تو عاشق واقعی دیگر

وگرنه من آرتوس را سپیده‌دم روز بیستم به دار خواهیم آویخت.»

مارکوس از طریق دریا به سرعت عازم رُم شد و خوشبختانه به لطف وزش باد موافق، زمان سفر او کوتاه‌تر شد. پس از خداحافظی با خانواده و تسویه حساب‌هایش، مارکوس بار سفری را به مقصد دمشق بست که به اعدامش منتهی می‌شد. مارکوس برای اینکه از بازگشت به موقع خود مطمئن شود، برای سفری که در شرایط عادی چهار روز زمان می‌برد، یک هفته در نظر گرفت.

بر طبق مفاد تورا، خداوند به ما اطلاع می‌دهد که اگر می‌خواهیم رابطه دوستانه و عاشقانه‌ای با وی برقرار کنیم، باید این کار را با عشق به دیگر انسان‌ها آغاز کنیم.

اما شرایط غیرمترقبه‌ای پیش آمد که باعث شد مشکلات بسیاری در این سفر برای مارکوس پیش آید. در چند روز اول سفر، سرعت باد به شدت افت داشت و تاخیر زیادی را در سفر ایجاد کرد. اما بعداً، شرایط از این نیز بدتر شد. به طوری که دریا کاملاً آرام شد و به علت عدم وجود کوچک‌ترین وزش بادی، هیچ موجی در عرصه بیکران دریا دیده نمی‌شد. هر چند، مشاهده دریای بیکران که آرام گرفته باشد، چشم هر بیننده‌ای را محصور خود می‌کند؛ اما دیدن چنین صحنه‌ای، برای مارکوس در آن لحظات نه تنها خوشایند نبود، بلکه چشمان او را تیره و تار کرد. مارکوس هر چه در توان داشت انجام داد و از تمام مال و جانش گذشت تا در زمان مقرر به دمشق برسد. اما زمانی که وی به دمشق رسید، مدت زمان زیادی نگذشته بود که خورشید روز بیستم طلوع کرده بود. به عبارت دیگر، زمان مقرر به سر رسیده بود. بدترین اتفاق، در بدترین زمان ممکن رخ داد و آنچه که نباید اتفاق می‌افتاد، اتفاق افتاده بود.

اما پادشاه برای آنکه حماقت آرتوس و خیانت دوست خائنش را به رخ همگان بکشانند، دستور داده بود تا اجرای حکم اعدام را تا غروب آفتاب به تعویق بیندازند تا افراد هر

این اثر شِلُومُو هَمِلِخ نیامده است اما یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان یهودی قرن اول، ربی عقیوا، این‌گونه اظهار نظر کرده است که «هر چند تمام قسمت‌های تنخ^۶ مقدس است، اما شیر هشیبریم، مقدس‌ترین مقدسات است». عشق به خداوند تا زمانی که نسبت به موجودی که به شکل معنوی خداوند آفریده شده، به شکل عملی اجرا نشود، تنها به صورت انتزاعی و مفهومی بی‌رنگ و بی‌ریشه باقی خواهد ماند.

نمونه بارز ارزش و منزلت حفظ دوستی در کانون خانواده را می‌توان در تورا یافت. زمانی که سه فرشته در کِسوت سه مرد بیابان گرد، مهمان اوراهام آوینو می‌شوند، به او اطلاع می‌دهند که سال بعد در چنین موقعی، خداوند به او فرزندی از سارا عطا خواهد کرد. این در حالی بود که اوراهام در این زمان ۹۹ ساله و سارا ۸۹ ساله بودند. سارا که پشت چادر ایستاده بود این حرف را شنید و: «سارا در دل خود خندید و گفت: آیا پس از پیری من، لطافت جوانی به من باز خواهد گشت در حالی که همسر من پیر است؟ (برشیت ۱۸:۱۲)». جالب این جا است: زمانی که خداوند می‌خواهد گفتار سارا را برای اوراهام بازگو کند آن قسمت از حرف سارا که در مورد پیری اوراهام صحبت کرده بود، نقل نمی‌کند: «خداوند به اوراهام فرمود: چرا سارا خندید و گفت آیا واقعاً زایمان خواهیم کرد در حالی که پیر شده‌ام؟ (برشیت ۱۸:۱۳)». مشاهده می‌شود که خداوند کمی مَجاز را چاشنی گفتار خود می‌کند تا آرامش و دوستی خانواده را حفظ کند. بنابراین، اصلی که در سرتاسر تنخ^۷ مشاهده می‌شود این است که خداوند از همه می‌خواهد که عشق بورزیم. اما نه فقط در هنگام تَفیلاً^۸ خواندن و یا فقط در زمانی که طرف حساب ما، خود ذات کبریایی‌اش است. بر طبق تورا، عشق ما به خداوند، باید در نحوه ارتباط ما با دیگر انسان‌ها خود را نشان داده و تجلی یابد. ■

انسان‌ها باشی، بدین معنا که رفتار دوستانه‌ات با طرف مقابل بخاطر منفعتی نباشد که از او می‌تواند به تو برسد و به دلیل «گرفتن» نباشد، بلکه سرچشمه عشقت، «دادن» باشد، آنگاه طرف سوم که همان پادشاه پادشاهان و سرور همگان می‌باشد، شریک تو شده و به تو گرایش پیدا می‌کند. بر طبق مفاد تورا، خداوند به ما اطلاع می‌دهد که اگر می‌خواهیم رابطه دوستانه و عاشقانه‌ای با وی برقرار کنیم، باید این کار را با عشق به دیگر انسان‌ها آغاز کنیم. چرا که همه انسان‌ها در درون خود جرقه‌ای از ذات الهی را دارا هستند و به شکل معنوی خداوند آفریده شده‌اند.

نحوه ارتباط و دوستی ما با دیگران، معیاری است که به بهترین شکل می‌تواند نشان دهنده وضعیت رابطه خود ما با خداوند و خداوند با ما باشد. اگر بتوان این گونه گفت، خداوند خواستار عشق ما است و این عشق و محبت، تنها توسط رابطه ما با دیگران نمایان می‌شود. ما انسان‌ها، جرقه‌ای از ذات بیکران الهی بر روی زمین هستیم. با ارجاع به آن قسمت از تورا که از پذیرایی اوراهام^۴ آوینو از سه رهگذر بادیه نشین غریبه صحبت می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که اوراهام آوینو، صحبت خود با خداوند را قطع می‌کند تا بتواند به پذیرایی از آن افراد بپردازد. به عبارت دیگر، اوراهام آوینو برای عشق ورزیدن به هموع، اولویت بیشتری قائل می‌شود تا با هم کلام شدن با خداوند. هر چند شاید این عملکرد اوراهام آوینو در نگاه اول سوال‌برانگیز جلوه کند، اما جالب اینجا است که خود خداوند این عملکرد اوراهام را تصدیق کرده و بر آن مهر تایید می‌زند. تنها چند پاسوق بعد خداوند این‌گونه می‌فرماید: «اوراهام قطعاً به امت بزرگی تبدیل خواهد شد و تمامی اقوام زمین به واسطه او برکت خواهند شد، چرا که من او را می‌شناسم (۱۸:۱۸-۱۹)».

عشق میان انسان و خداوند، به طور تمثیل گونه‌ای، در شیر هشیبریم^۵ منعکس شده است. در شیر هشیبریم عشق ما انسان‌ها و خداوند، به صورت احساسات یک عاشق به معشوقش بیان شده است. هر چند نام خداوند در هیچ جای

۴- تنخ همان کتاب مقدس یهودیان است که متشکل از تورا، نویم و کنویم می‌باشد.

۷- مجموعه کتاب‌های تورا - نویم (مادی‌ها) و کنویم (مکتوبات)

۸- نماز

۴ - حضرت ابراهیم

۵ - سرود سرودها؛ یکی از تالیفات شِلُومُو هَمِلِخ (حضرت سلیمان)

گزارشی از حضور انجمن کلیمیان تهران در بیست و هشتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

۱۶ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

آزاده بن ذکریا



سال ۹۴، دومین سالی بود که پس از چند سال وقفه، کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران، درصدد برآمد تا همانند سال گذشته، در نمایشگاه کتاب حضور داشته باشد و بدین ترتیب موقعیتی فراهم آورد تا کتابدوستان، با این انجمن و فعالیت‌های آن آشنا شوند و فرصتی برای عرضه کتاب‌های دینی کلیمیان، در بزرگترین فضای فرهنگی کشور پدید آید.

در فروردین ماه سال جاری، دکتر سلیمان کهن‌صدق - رئیس وقت کمیته فرهنگی انجمن - برگزاری و مدیریت غرفه را، به مهندس آرش آبایی پیشنهاد داد و سپس، تصمیم بر آن شد که وی مدیریت فرهنگی غرفه را بر عهده داشته و مدیریت امور اجرایی، به آزاده بن ذکریا محول گردد.

در همان ابتدا و در اواسط اردیبهشت ماه، در جلسه‌ای با شهاب شهابی‌فر (مدیر غرفه انجمن در سال ۱۳۹۳)، کلیاتی از فعالیت‌های پیش‌رو مشخص شد.

آنچه در ابتدا، جهت انجام امور و رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت ضروری به نظر می‌رسید، وجود یک تیم، متشکل از افراد باسابقه در زمینه‌ی امور سازمانی بود تا هر کدام اموری را که در آن تجربه و تبحر دارند، برعهده گرفته و تا پایان عهده‌دار آن باشند.

این تیم، به سرپرستی آزاده بن ذکریا شکل گرفت و اولین جلسه مدیریت اجرایی، با حضور نغمه عرب‌زاده، مونا عرب‌زاده، دانیل ذریمانی، پویا دانیالی و نیما نفاس

برگزار شد. در همان جلسه، اموری چون بودجه‌بندی، زمان‌بندی امور، تهیه و تنظیم بروشور، چاپ، ایده‌پردازی و طراحی سه‌بعدی دکور، اجرا و نورپردازی دکور در روزهای پایانی، تهیه و تدارک اقلام مورد نیاز و نظارت بر اداره غرفه، به اعضای جلسه واگذار شد. علاوه بر آن، کتب عرضه شده و متون دینی مورد استفاده در دکور غرفه، تحت نظر مهندس آبایی و دکتر کهن‌صدق تعیین شد.

این تیم، سعی بر آن داشت تا با دقت در جزئیات و ریزه‌کاری‌هایی که در نگاه اول به چشم نمی‌رسند و بررسی تمامی امکانات، یک پروژه فرهنگی را به مرحله عمل درآورد.



روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه، غرفه انجمن کلیمیان تهران افتتاح شد و از همان ابتدا با استقبال خوب علاقه‌مندان مواجه شد. در ایام برپایی غرفه انجمن کلیمیان تهران، شخصیت‌های دانشگاهی و فرهنگی متعددی، از آثار

کلیمیان قبل و پس از انقلاب»، در همین سالن برگزار شد که علاوه بر تعدادی از حاضرین نمایشگاه، افرادی از انجمن و جامعه کلیمیان، حضور داشتند.

در آخرین روز فعالیت غرفه انجمن کلیمیان تهران، روز جمعه ۲۵ اردیبهشت ماه، مراسمی با عنوان: رونمایی کتاب «بنیادهای دینی مقابله با خشونت و افراطی‌گری»، توسط مرکز مطالعات جهانی شدن ریاست جمهوری، در سرای اهل قلم برگزار شد و از مهندس آبائی که تدوین فصل «دیدگاه یهودی» این کتاب را بر عهده داشت، تقدیر به عمل آمد.

در تمامی این مراحل، سعی شده بود تا جامعه کلیمیان تهران با استفاده از ابزارهای ارتباطی گوناگون، در جریان امور قرار بگیرند و بدین ترتیب، آگاهی نسبی از فعالیت‌های این انجمن در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، در سطح جامعه وجود داشته باشد. به طور کلی، تیم اجرایی این دوره از نمایشگاه، از رسانه و شبکه‌های اجتماعی که در دنیای امروز جایگاه ویژه‌ای دارند، جهت تبلیغ و اعلام حضور و بازنشر اخبار نمایشگاه کتاب، بهره بسیاری بردند.

کتاب فرهنگ فارسی به عبری سلیمان حییم، از بزرگترین دستاوردهای اخیر انجمن در زمینه نشر بود که

مکتوب ارائه شده، دیدار کردند و اغلب گفتگوهای با متصدیان و کارشناسان دینی داشتند.

غرفه انجمن کلیمیان تهران، هر روز به طور متوسط توسط ۴ متصدی، به همراه یک کارشناس مذهبی، جهت پاسخگویی به سوالات شرعی و مذهبی بازدیدکنندگان، اداره می‌شد. در انتخاب متصدیان و واگذاری مسئولیت به ایشان، دقت بسیاری اعمال گشت تا نظم و روال مشخصی در غرفه انجمن کلیمیان تهران حاکم باشد.

به لحاظ پوشش متحدالشکل و آمادگی‌های لازم جهت پاسخگویی نیز اقدامات لازم انجام شده بود.

همکاری نهادهای فعال جامعه کلیمیان، مانند سازمان دانشجویان یهود ایران، خانه جوانان و کمیته جوانان و حتی پرسنل انجمن کلیمیان در تمام مراحل پررنگ بود و استقبال خوبی از حضور در غرفه انجمن صورت گرفت.

در نمایشگاه کتاب سال جاری، بخشی تحت عنوان «سرای اقوام و ادیان در آینه نشر» توسط معاونت ادیان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایجاد شد که نمایندگان از اقلیت‌های دینی در آن به بیان دیدگاه‌های خود در حوزه نشر و فرهنگ پرداختند.

در روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه، نشست خبری آرش آبائی با موضوع «بررسی وضعیت نشر در جامعه



در نمایشگاه امسال به علاقمندان عرضه شد. این فرهنگ، توسط سلیمان حبیمن، تدوین اولیه شده و سپس توسط عده‌ای از محققان، ویراستاری گشت و سرانجام با همت و سرویراستاری دکتر یونس حمامی لاله‌زار، در پاییز ۹۳، منتشر شد. این کتاب، علیرغم مخاطبان خاص و

محدود خود، با استقبال خوبی در نمایشگاه روبرو شد.

گرفته است که برای عرضه‌ی عمومی و حضور در نمایشگاه، باید تا حد امکان، استانداردها و عرف معمول کتب و نشریات در آنها، رعایت شود. لذا، با توجه به فرصت باقیمانده برای حضور انجمن در نمایشگاه سال ۱۳۹۵، امید است که اقدامات لازم برای حضوری قوی‌تر صورت گیرد.

استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی و انتشار گسترده اخبار جامعه کلیمی، در داخل و خارج از جامعه، می‌تواند بازخوردهای خوبی داشته و آگاهی جامعه کلیمی و نیز جامعه اکثریت نسبت به فعالیت‌های این انجمن، افزایش یابد. ■

در جریان برپایی غرفه انجمن کلیمیان تهران در نمایشگاه کتاب سال ۹۴، سعی شد تا از ایده‌های جدید و نو بهره گرفته شود و در این زمینه با افراد صاحب نظر بسیاری مشورت صورت گرفت تا نتیجه آن، حضور متفاوتی در این نمایشگاه باشد. به طور کلی، در تمام زمینه‌ها، همفکری و تبادل نظر صورت می‌گرفت و افراد مورد نظر، چه در داخل جامعه و چه در خارج از آن، در پیشبرد اهداف این تیم، بسیار تاثیرگذار بودند.

آن چه انتظار می‌رود آن است که، در سال‌های آتی شاهد حضور پررنگ‌تر کلیمیان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب باشیم. تنها اقلیت دینی حاضر در نمایشگاه کتاب سال جاری، انجمن کلیمیان تهران بود که البته امید است با پیگیری‌های مضاعف در سال آینده غرفه بهتری به لحاظ موقعیت و کیفیت، در اختیار این نهاد، قرار بگیرد.

نکته قابل توجه آن که، انتشارات انجمن عمدتاً برای عرضه به همکیشان و جهت استفاده‌ی محیط داخلی صورت



رونمایی از کتاب

«فرهنگ لغات فارسی - عبری حییم»

دکتر سلیمان کهن صدق



در گردهمایی که در تاریخ ۷ دی ماه ۹۳ برگزار شد، جمعی از رهبران دینی، اندیشمندان، فرهیختگان و چهره‌های فرهنگی حضور داشتند. طی مراسم باشکوهی، میراث گرانبهای دیگری از استاد فرهیخته، مرحوم سلیمان حییم معرفی گردید.

این اثر ارزشمند، مرهون سال‌ها تلاش و فعالیت حاخام یهوشوع تنن الی، مرحوم حاخام اورئیل داویدی، ربی منیر داویدی، آقای ماشا... رحمان پورداد و نیز تلاش قابل تحسین، آقایان رحمن دلرحیم و مهندس آرش آبایی، با سرپرستی و نظارت علمی

جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار در امر ویرایش، تنظیم مدخل‌بندی، تلفظ مدخل‌ها، تکمیل ریشه‌یابی کلمات با حدود ۳۵۰۰۰ لغت می‌باشد که بنا به توصیه‌ها و تشویق آقای داریوش حییم، فرزند مرحوم سلیمان حییم و با حمایت هیأت مدیره‌های انجمن کلیمیان تهران، طی ۱۲ سال اخیر، به خصوص فعالیت آقای هارون یشایایی (ریاست اسبق انجمن کلیمیان تهران) و آقای دکتر همایون سامیح (ریاست فعلی انجمن کلیمیان تهران) و جدیت و تلاش پیگیر آقای دکتر سلیمان کهن صدق (مسئول سابق کمیته فرهنگی)، به عنوان بزرگ‌ترین گنجینه فارسی - عبری اثر مرحوم سلیمان حییم و معتبرترین مرجع در ترجمه متون، چاپ و در اختیار علاقمندان قرار گرفت. ■



معرفی فرهنگنامه زنان ایران و جهان

لنا دانیالی



این بار، معرفی کتاب با دفعات دیگر برای من متفاوت است. بارهای دیگر، شاید کتاب‌های دیگر، را کامل نمی‌خواندم و یا با همه زیر و بم تالیف آن آشنا نبودم و با نگاه سوم شخص، قلم را در دست می‌گرفتم. اما این بار، برای تالیف فرهنگنامه زنان ایران و جهان، حدود سه تا چهار سال، هر روز کوشیدم و حتی شب‌ها به آن فکر می‌کردم. تقریباً از مراحل نخستین آن، تا مراحل پایانی‌اش، در کنار همکار پیشکسوت و دوست خوبم، مهناز مقدسی، در تالیف و تدوین و ... آن نقش داشتم.

فرهنگنامه زنان ایران و جهان؛ کتابی است با نزدیک به دو هزار مدخل، که کارنامه زندگی زنانی متمایز را، از همه ملل و در همه زمان‌ها و در همه عرصه‌ها، از جمله اسطوره؛ دین؛ فلسفه؛ علوم؛ ورزش؛ هنر؛ سیاست و... در بردارد و اگر، به سبک و سیاق دانشنامه‌ها، از کلام مختصر و موجز و زبان علمی برخوردار است و از کتب مرجع به حساب می‌آید؛ اما لطف و پویایی زندگی شخصیت‌هایش، به آن جذابیتی عام بخشیده و آن را خواندنی‌تر کرده است. شرح زندگی شخصیت‌ها در مقالات، از تولد آغاز شده و به چگونگی بالش و پرورش آنان می‌پردازد و آثار و فعالیت‌های آنان، را

معرفی می‌کند و در برخی نمونه‌ها، نقد و تفسیر و تأثیر این زنان در عرصه‌های مختلف بررسی شده است. در پایان هر مقاله، فهرست منابعی که در تالیف مقالات از آن استفاده شده، مخاطب را به اطلاعات بیشتری رهنمون می‌کند.

آنچه در این بین، توجه خواننده یهودی را به خود جلب می‌کند، وجود مدخل‌هایی با هویت یهودی است؛ مثلاً از تورات و نویسم، زنانی مانند آسیه (بتیا)؛ استر؛ بت شمع؛ حنا؛ دهورا؛ دلیله؛ راحل؛ رفقه؛ روت؛ ساره و هاجر و یوکابد (یوخود) و... آمده است و در میان زنان نقاش

به زندگی زنان پرداخته؛ چراغ روشنی پیش راه است. مثلاً برای من بسیار جالب بود که در حوزه دین (یهودیت، مسیحیت، اسلام) جز دבורا که صاحب وحی است و وظیفه رهبری و قضاوت را به عهده دارد، باقی زنان، به سبب نسبتشان با پیامبران، مورد توجه‌اند و کمتر منشا اثر یا شخصیت فعال ماجرا هستند و هیچ یک صاحب جریان فکری مستقل نیستند. در حین تالیف برخی شخصیت‌های زن تورات با همسانی اسم و ماجرای زندگی آنان، با اسطوره‌های پیش از خود، برخوردیم؛ مثلاً استر و ایستر، اسطوره بابلی یا آسیه و ایزیس، اسطوره مصری.

جالب است بدانیم، حتی در اروپا یا آمریکای سده پیش، حجاب زنان، عاملی بازدارنده برای شرکت زنان در میدان رقابت‌های ورزشی بود. یا صرف زن بودن، برای ادامه تحصیل در مقاطع دانشگاهی، با مشکلاتی روبرو بوده است. با بررسی زندگی زنان ایرانی، با تاریخ آنان در ایران آشنا می‌شویم. به مدرسه رفتن دختران در دوره قاجار، نوعی بی‌عفتی بوده و مدارس دخترانه به آتش کشیده می‌شدند. تنها مجتهد زن ایرانی، بانو مجتهده امین، در دوران پهلوی به این درجه رسیده و به فعالیت مشغول بوده و بسیاری نکته‌های تازه دیگر، که از مشرب این کتاب، به کام خواننده می‌نشیند. امیدوارم، خود این کتاب، منشا اثر تحقیقات دیگری برای پژوهشگران باشد. ■

و گالری‌دار ایرانی معاصر، آریا شکوهی اقبال معرفی شده است و در دیگر عرصه‌ها، زنانی چون هانا آرنت، فیلسوف؛ روزا لوکزامبورگ، فعال سیاسی و نظریه پرداز؛ سارا گرتروید میلین، نویسنده آزادی خواه آفریقای جنوبی؛ اولین نلسون، ریاضی دان؛ لویز نلسون، پیکره‌ساز و نقاش که همه یهودی هستند، معرفی شده‌اند. البته شخصیت‌های شاخصی چون لئا، همسر یعقوب و گلدا مایر، را وزارت ارشاد از این فهرست حذف کرد.

تالیف مقالات گاه با مشقات فراوانی همراه بود. از مصاحبه با شخصیت‌های معاصر در هر کجای دنیا و هر ملیتی گرفته، تا به دست آوردن منابع بکری برای شخصیت‌های درگذشته؛ و آنچه همه مقالات را یکدست و نظام‌مند و کامل کرده ویرایش چندین و چند باره بوده است.

قابل ذکر است، در تالیف برخی مقالات، آرش آبایی؛ سیما مقتدر و مرجان یشایایی، در کنار دویست مولف و ویراستار این فرهنگنامه، دست داشته‌اند.

فرهنگنامه، در دو جلد در قطع وزیری و ۱۵۴۶ صفحه به قیمت ۱۷۰ هزار تومان منتشر شده است. مصور بودن، از ویژگی‌های ممتاز کتاب است و در پایان جلد دوم هم، نمایه مفصلی در چند فصل آورده شده که خواننده را به بهتر پیدا کردن شخصیت مورد نظرش در هر رشته‌ای کمک می‌کند. در پایان باید بگویم، در جهانی که زن بودن همواره جنس دوم بودن تعبیر شده، این دانشنامه که

باورهای غذایی نادرست

مژده یمینیان - کارشناس تغذیه



دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، سرشار از مواد غذایی مختلف می‌باشد که هر کدام از ارزش غذایی خاصی برخوردار است و به نوعی، جوابگوی نیاز انسان به پاره‌ای از مواد مغذی است.

همه‌ی انسان‌ها، به منظور حفظ سلامتی و پیشگیری از سوءتغذیه و بیماری‌های مرتبط با آن، از غذاهای گوناگون استفاده می‌نمایند و هر خانواده‌ای در این زمینه، فرهنگ خاص خود را دارد که این فرهنگ در بیشتر خانواده‌ها، از مادران به فرزندان منتقل می‌شود و زنان به عنوان همسر و مادر، در پیدایش فرهنگ صحیح غذایی، نقش مهمی را در جامعه ایفا می‌کنند.

در کشور ما، پشته‌ای فرهنگی غذایی در خانواده‌ها، باورهای غذایی هستند که این باورها، تابع مذهب، شرایط اقتصادی، شرایط اقلیمی و ... می‌باشند؛ به طوری که نوع غذاهای مصرفی در هر شهری، فرق می‌کند. متأسفانه، مانند سایر موارد زندگی، در زمینه فرهنگ غذایی هم باورهای نادرست وجود دارد که سینه به سینه منتقل می‌شود و کم‌کم به عنوان یک اصل در شرایط مختلف پذیرفته می‌شود.

دانستن این نکته حائز اهمیت است که **با وجود این که هر ماده‌ی غذایی، ارزش خاص خود را دارد، اگر بی‌رویه و خارج از اندازه‌ی مورد نیاز مصرف شود، می‌تواند مضر واقع شود.**

میزان نیاز به آب، کالری، پروتئین، چربی، ویتامین‌ها و املاح در هر انسانی با انسان دیگر فرق می‌کند و تابع سن، جنس، میزان فعالیت، شرایط فیزیولوژیکی و ... می‌باشد.

یکی از عادات نادرستی که در بعضی افراد، در زمینه مصرف مواد غذایی وجود دارد، این است که اگر متوجه شوند که یکی از مواد غذایی، برای پیشگیری یا درمان بیماری خاصی مفید می‌باشد، بدون در نظر گرفتن عوارض جانبی، به مصرف بی‌رویه آن می‌پردازند. به عنوان مثال، افرادی که دچار هایپرتانسیون یا افزایش فشار خون هستند، طالب مواد غذایی هستند که فشار خون آنها را پایین بیاورد. این مسأله در مورد مواد غذایی که کاهش‌دهنده‌ی قند، چربی، اسید اوریک و دیگر پارامترهای خون هستند هم مصداق دارد. گروهی هم با مصرف بیش از حد مواد غذایی، دچار اضافه وزن و چاقی می‌شوند.

باور غلطی که در ذهن بعضی افراد، جهت کاهش وزن وجود دارد، این است که چه مواد غذایی مصرف کنند تا متابولیسم بدنشان افزایش پیدا کند و وزنشان کم شود. در این شکی نیست که مواد غذایی وجود دارند که منجر به افزایش متابولیسم در بدن می‌شوند و یا کاهش‌دهنده‌ی فشار خون، قند، چربی و ... می‌باشند، اما باید توجه داشت

و فقر آهن قرار دهد و این یکی از عوارض مصرف بیش از حد آن می‌باشد. یا در مورد فردی که از داروهای کاهش‌دهنده‌ی فشار خون استفاده می‌کند، مصرف گریپ‌فروت باید با مشورت پزشک انجام گیرد. همین‌طور مثال‌های فراوان دیگر، در رابطه با فواید و مضرات هر ماده غذایی و تأثیر مواد غذایی روی همدیگر و تداخل اثر غذا و دارو وجود دارند که در این مقوله نمی‌گنجد.

در مقابل افرادی که ترجیح می‌دهند اکثر مشکلات خود را از طریق مصرف مواد غذایی از بین ببرند، افرادی وجود دارند که بدون دلیل قانع‌کننده‌ای از مصرف بعضی مواد غذایی، خودداری می‌کنند.

اجتناب‌پذیری از مصرف مواد غذایی نیز می‌تواند ریشه‌های مختلف داشته باشد. از جمله باورهایی که نسل به نسل منتقل شده، تجربه‌های شخصی و نه علمی، عادت‌های غذایی و ترس از پیدایش چاقی و عوامل مرتبط با آن، نظیر افزایش چربی خون، قند خون و ...

به عنوان مثال، بعضی والدین تنها به دلیل آن که خود دچار افزایش چربی‌های مضر خون هستند، گوشت قرمز را از سبد غذایی خانواده حذف می‌کنند؛ در صورتی که کودکان و نوجوانان برای رشد و تکامل، به گوشت قرمز هم نیاز دارند. مخصوصاً افرادی که مبتلا به کم‌خونی هستند، درجه‌ی اول با خوردن جگر و سپس با خوردن گوشت قرمز می‌توانند کمبود آهن را در بدنشان جبران نمایند.

متأسفانه، باورهای غذایی نادرست در فرهنگ غذایی ما ریشه دوانده که در این مقاله به ذکر ده باور غلط می‌پردازم.

۱. افرادی که می‌خواهند کالری مصرفی خود را کاهش دهند، می‌توانند به جای پلو، ته دیگ مصرف نمایند، چون به دلیل برشته شدن برنج و خشک شدن نشاسته‌ی آن در ته دیگ، از کالری آن کاسته می‌شود. این باور غلط، به دلیل خوش‌مزه بودن ته دیگ بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد، در صورتی که خشک و برشته شدن ته دیگ، باعث کاهش مواد نشاسته‌ای آن نمی‌شود و برخلاف این باور، درصد زیادی از روغن غذا در ته دیگ نفوذ کرده و

که رفع این مشکل یا بیماری فقط از طریق مصرف مواد غذایی، آسان‌ترین و نه مطمئن‌ترین راه برای حل مسأله‌ی آنها می‌باشد و چه بسا پرهیز از مصرف بعضی مواد غذایی در این زمینه، کارسازتر باشد.

به علاوه اگر چاقی و بیماری‌های مرتبط با آن، در اثر دریافت کالری بیش از حد نیاز باشد، بهترین راه مبارزه، ترک عادت پرخوری می‌باشد؛ ولی متأسفانه این افراد می‌خواهند باز از طریق مصرف اقدام به درمان نمایند و در واقع درد را با خود عامل درد، درمان نمایند.

برای استفاده از مواد غذایی جهت درمان، باید چند نکته را مد نظر قرار داد:

۱. قبل از هر اقدامی باید از صحت خاصیت آن ماده غذایی جهت رفع مشکل خود اطمینان حاصل نمایم.

۲. توجه کنیم چقدر باید از آن ماده غذایی، مصرف نمائیم تا جهت رفع مشکل، مؤثر واقع شود و آیا مصرف آن مقدار ماده غذایی در بدن عوارض خاصی در برنخواهد داشت؟

۳. آن مقدار ماده غذایی، چه اندازه کالری دارد و تا چه اندازه می‌تواند بدن را در معرض اضافه وزن قرار دهد؟ (لازم به تذکر است که هر ماده غذایی کالری خاصی در بدن تولید می‌کند و حتی اگر مواد غذایی کم کالری، به صورت افراطی مورد مصرف قرار گیرند، می‌توانند بدن را در معرض اضافه وزن قرار دهند.)

۴. آیا شخص مصرف‌کننده، از داروی خاصی جهت درمان استفاده می‌کند یا خیر؟ چرا که مصرف هم‌زمان دارو با بعضی مواد غذایی در شرایط خاص، بدن را در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد.

بنابراین استفاده‌ی خودسرانه از مواد غذایی جهت درمان، نمی‌تواند بدون عوارض باشد.

برای بیان واضح‌تر از مثالی استفاده می‌کنم: سویا، یک ماده غذایی می‌باشد که می‌تواند سطح کلسترول و فشار خون را در حد اعتدال نگه دارد و در پیشگیری از بیماری‌های قلبی و عروقی مؤثر باشد؛ اما مصرف بیش از حد آن، پس از مدتی، می‌تواند بدن را در معرض کم‌خونی

لازم به توضیح است که اکثر افراد فکر می‌کنند که نان‌های رژیمی کالری کمتری نسبت به انواع دیگر نان‌ها دارند، در صورتی که این یک باور اشتباه می‌باشد. منظور از نان رژیمی نانی است که معمولاً فیبر بیشتری نسبت به بقیه نان‌ها دارد و معمولاً از جو تهیه می‌شود و چون بیشتر مواقع این نان به صورت خشک به فروش می‌رسد، مردم تصور می‌کنند که کالری کمی دارد. در صورتی که نان‌های رژیمی هم مانند بقیه نان‌ها از نشاسته تشکیل شده‌اند و هر گرم نشاسته، ۴ کیلو کالری، انرژی تولید می‌کند و فرق نان خشک با دیگر نان‌ها در این است که آب کمتری دارد ولی میزان نشاسته‌اش تغییری نمی‌کند. بنابراین در وزن مساوی با دیگر نان‌ها، کالری بیشتری تولید می‌نماید.

ناگفته نماند که مصرف نان جو و انواع نان سبوس‌دار برای افراد مبتلا به دیابت و افرادی که دچار افزایش چربی خون هستند، بر نان معمولی ارجحیت دارد.

۵. مصرف نوشابه‌های رژیمی که با قند مصنوعی تهیه شده‌اند، چاق‌کننده نیست.

این نیز یک باور اشتباه می‌باشد. تحقیقات نشان داده که قند موجود در نوشابه‌های رژیمی که آسپارتام نام دارد، منجر به کاهش تولید هورمون سروتونین در بدن می‌شود. هورمون سروتونین یا همان هورمونی که حس شادی را در بدن به وجود می‌آورد منجر به ایجاد حس سیری و کاهش اشتها می‌شود، در نتیجه افرادی که روزانه از نوشابه‌های رژیمی استفاده می‌کنند، با از بین رفتن حس سیری در آنها، اشتهایشان زیاد می‌شود.

همچنین، تحقیقات نشان داده‌اند که مصرف طولانی مدت نوشابه‌های رژیمی، منجر به اختلالات شنوایی، اختلالات بینایی، ابتلا به برخی از سرطان‌ها نظیر: سرطان سینه و پروستات و حتی تومورهای مغزی می‌شود. ایجاد سردردهای میگرنی نیز از دیگر عوارض مصرف این نوشابه‌ها است. یکی دیگر از عوارض مصرف نوشابه‌های رژیمی افزایش افسردگی، در بیماران افسرده است.

۶. مصرف کله پاچه و پای مرغ در بهبود شکستگی استخوان و آرتروز مؤثر می‌باشد.

باعث افزایش چربی و در نهایت افزایش کالری ته دیگ می‌شود.

۲. به منظور لاغر شدن، می‌توان میوه را جایگزین یکی از وعده‌های غذایی اصلی نمود. در این مورد، شکی وجود ندارد که میوه‌ها سرشار از فیبر، ویتامین‌ها و املاح معدنی هستند و خواص زیادی دارند. اما باید در نظر داشت که به منظور لاغر شدن باید از کل کالری دریافتی روزانه کم شود. حال آن که میوه‌ها هم دارای کالری هستند و گاهی اوقات مصرف تعداد زیادی میوه، با این تفکر که میوه‌ها کالری زیادی ندارند، به جای یک وعده غذای اصلی، به اندازه‌ی یک وعده غذا و یا حتی بیشتر، کالری به بدن می‌رسانند. پس بهتر است که رژیم لاغری، با در نظر گرفتن اصل رعایت تنوع و تعادل در رژیم غذایی تنظیم شود و روزانه از تمام گروه‌های غذایی مصرف شود.

۳. حذف یک وعده غذایی، به لاغر شدن کمک می‌کند.

بعضی افراد، با حذف یک وعده غذایی، سعی در کم کردن وزن خود دارند و معمولاً این وعده غذایی یا صبحانه یا شام می‌باشد. در صورتی که یک رژیم لاغری صحیح، باید طوری تنظیم شود که در آن هر سه وعده غذایی اصلی و میان وعده‌ها وجود داشته باشند تا از افت قندخون جلوگیری شود و شخص احساس گرسنگی نکند.

صبحانه، مهم‌ترین وعده غذایی روزانه می‌باشد که تأمین‌کننده‌ی بخش اعظمی از کالری مورد نیاز روزانه می‌باشد. افرادی که صبحانه را از رژیم غذایی خود حذف می‌کنند، بعد از مدتی دچار افت قند خون می‌شوند و به سراغ مواد غذایی می‌روند که از ارزش غذایی پایینی برخوردارند و صرفاً چاق‌کننده هستند، بی‌آنکه بتوانند حس گرسنگی را ارضا نمایند. لذا این افراد در فاصله صبح تا ظهر به کرات، از این مواد غذایی به ظاهر کم کالری مصرف می‌کنند و احتمال افزایش وزن، در این افراد بیشتر می‌شود.

۴. افرادی که می‌خواهند لاغر شوند، از نان رژیمی استفاده نمایند.

معتقدند که نمک دریا، علاوه بر سدیم و ید، حاوی املاحی نظیر کلسیم و منیزیم می‌باشد و نهایتاً برای بدن مفید است.

لازم به توضیح است، نمک دریایی به نمکی گفته می‌شود که مستقیماً از تبخیر آب دریا به دست می‌آید و چون تصفیه نشده است، دارای ناخالصی‌هایی نظیر سرب، جیوه، شن، ماسه و گچ می‌باشد و دارای میزان کمی ید می‌باشد. علاوه بر آن میزان کلسیم و منیزیمی که در آن است، آن قدر کم می‌باشد که قابل چشم‌پوشی است.

زیاده‌روی در مصرف نمک دریایی هم می‌تواند بدن را در معرض خطر بیماری‌های قلبی-عروقی قرار دهد. همچنین نمک دریایی حاوی آرسنیک می‌باشد که شبه فلزی سمی است و مصرف آن سرطان‌زا است.

بنابراین بهتر است که نمک مصرفی روزانه، از نوع نمک یددار تصفیه شده باشد و چون خلوص این نمک بیشتر است، ید را بهتر و در مدت زمان بیشتری حفظ می‌کند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که باید مصرف روزانه نمک را محدود کرد. طبق توصیه سازمان بهداشت جهانی، حداکثر ۵ گرم نمک در روز مصرف شود که این مقدار نمک، شامل نمکی که موقع طبخ به غذا اضافه می‌شود هم می‌باشد.

تنوع باورهای نادرست، شاید به اندازه‌ی دریای نامحدود تفکر بشریت باشد که قسمتی از امواج آن در زمینه‌ی تغذیه، به ساحل ذهن انسان ضربه می‌زند و از آن جا که در بیشتر موارد این باورها، مفید واقع نمی‌شوند، بهتر است که با دیدی واقع‌بینانه نسبت به هر موضوع، با تعمق رفتار نماییم.

پس به امید آن که در تمام موارد زندگی، سنگ بنای باورهای ذهنی‌مان از ابتدا درست چیده شود. ■

این نیز یک باور نادرست می‌باشد، زیرا هیچ مدرک علمی در این زمینه وجود ندارد، علاوه بر آن، مصرف این مواد، بدن را در معرض خطر افزایش کلسترول و چربی‌های مضر خون قرار می‌دهد.

۷. مصرف انواع ترشی به همراه غذاهای پرچربی نظیر کله پاچه، اثر چربی آن را خنثی می‌کند. در این زمینه هم تاکنون تحقیق معناداری ارائه نشده است. بنابراین خوردن ترشی همراه غذا، نمی‌تواند مانع از جذب چربی آن غذا شود.

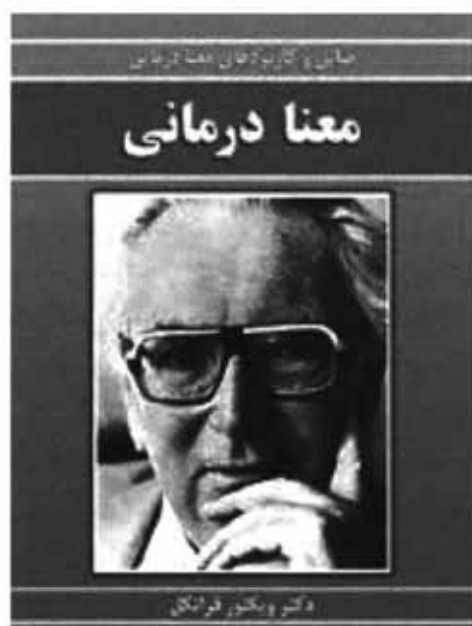
۸. نوشابه، در درمان اسهال، نقش مفیدی دارد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که چون در نوشابه، قند زیادی وجود دارد و از طرفی میزان املاح موجود در آن کم است، در درمان اسهال نقشی ایفا نمی‌کند و حتی ممکن است باعث تشدید آن شود.

۹. برای افراد دیابتی، مصرف برنج آبکش شده از کته مناسب‌تر است.

در رابطه با این باور غلط، لازم به توضیح است که اندیس گلیسمی^۱ در مواد طبیعی کمتر است و هر چقدر عملیات فرآوری روی ماده‌ی غذایی بیشتر انجام شود، به اندیس گلیسمی افزوده می‌شود. بنابراین با آبکش کردن برنج و ماکارونی و دم کردن آنها، به اندیس گلیسمی افزوده می‌شود. علاوه بر آن، موقع آبکش کردن، میزان زیادی از فیبر و ویتامین‌های گروه B همراه با آب پخت، دور ریخته می‌شوند. به همین علت، برنج آبکش شده، نسبت به برنج کته از ارزش غذایی کمتری برخوردار است. البته نکته حائز اهمیت در مورد افراد دیابتی این است که تابع رژیم غذایی خاص باشند که توسط کارشناس تغذیه، متناسب با شرایط خودشان محاسبه شده است.

۱۰. عده‌ای بر این باورند که نمک دریایی، خاصیت درمانی دارد و در بهبود فشار خون مؤثر است. همچنین

^۱ - منظور از اندیس گلیسمی، میزان تأثیر ماده غذایی کربوهیدراتی، در افزایش قند خون می‌باشد.



یهودیان مشهور : ویکتور امیل فرانکل

نیوشا پایاب

معناگرایی و معنی درمانی

(ویکتور امیل فرانکل)

امروزه، از روش لوگوتراپی برای کمک به معنا دادن به زندگی افراد افسرده، افرادی که قصد خودکشی دارند، افرادی که بیماری صعب‌العلاج دارند، افرادی که با سوگ مواجه می‌شوند و...

زندگی

ویکتور فرانکل، سال ۱۹۰۵ در وین، به دنیا آمد. او، در سال ۱۹۴۹، از دو دانشگاه وین و آدیتشنالی، موفق به گرفتن درجه‌ی دکترای اعصاب و روان شد. در ضمن، او از ۱۲۰ دانشگاه در سراسر جهان، دکترای افتخاری گرفته است. فرانکل، به علت یهودی بودن، در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵، توسط نازی‌ها ابتدا، در آشویتس و سپس، در داخائو زندانی شد. تجارب او در این اردوگاه‌ها، موجب شد مکتب جدیدی را در روانشناسی بنیان‌گذاری کند که معنادرمانی یا لوگوتراپی نامیده می‌شود. او، پس از پایان جنگ جهانی دوم ریاست بخش اعصاب بیمارستانی در وین را، به عهده گرفت و به مقام استادی دانشگاه در رشته‌ی عصب‌شناسی و روان‌پزشکی، نایل آمد. در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳،

استاد دانشگاه بین‌المللی سن دیه‌گو بود و نظریه‌ی معنا درمانی‌اش میان روان‌شناسان و روان‌پزشکان، پیروان زیادی دارد. فرانکل، در سپتامبر ۱۹۹۷، در سن ۹۲ سالگی، در وین درگذشت.

اردوگاه کار اجباری

فرانکل، در جنگ جهانی دوم، زمانی که یهودی‌ها و کمونیست‌ها و همجنس‌گرایان، توسط حکومت نازی در آلمان که اتریش نیز به آن ملحق شده بود، روانه‌ی اردوگاه‌های کار اجباری می‌شدند؛ در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵، در آشویتس و داخائو، زندانی بود. نامزدش، هرگز پیدا نشد و ظاهراً، جزو قربانیان این اردوگاه‌ها بود.

ویکتور، در کتاب خاطرات خود و در کتاب انسان در جستجوی معنا، بارها تاکید می‌کند که بازنویسی کتاب لوگوتراپی، انگیزه زنده ماندن او بود. این کتاب را، که در مورد نظریه‌اش درباره

«اراده‌ی معطوف به معنا»^۱ است.^۲ مکتب روان‌شناسی لوگوتراپی یا معنادرمانی که ویکتور فرانکل بنا نهاد، امروز یکی از مکاتب مطرح روان‌شناسی در جهان است.

تعریف لوگوتراپی یا معنادرمانی

خاستگاه لغوی معنادرمانی یا لوگوتراپی، به واژه یونانی «لوگوس» باز می‌گردد. لوگوس به معنای واژه یا کلمه، ارادهٔ پروردگار یا معناست. اما رساترین معادل آن، معنا می‌باشد (logo=meaning). بر این اساس و بنا به گفته‌ی ویکتور فرانکل، معنادرمانی عبارت است از: «درمان از رهگذر معنا یا شفابخشی، از رهگذر معنا» یا «روان درمانی، متمرکز بر معنا». لوگوتراپی، در لغت به معنی «درمان از طریق معنا» است و نوعی درمان فعالانه - رهنمودی است که متوجه یاری رساندن به بیمار، خاصه در مراحل بحران زندگی است. این نوع درمان، مفروض می‌گیرد که زندگی معنای بی‌قید و شرط دارد و این معنا را هر کس، هر جا و هر زمان، می‌تواند بیابد و کشف کند. لوگوتراپی یا تحلیل وجودی، پس از روانکاوی فروید و روانشناسی فردی آدلر، سومین مکتب روان درمانی وین، شمرده می‌شود که توسط ویکتور امیل فرانکل (۱۹۰۵-۱۹۹۷م)، متخصص اعصاب و استاد سابق روانپزشکی و فلسفه دانشگاه وین، بنیان گذاشته

معناجویی و معنا درمانی بود، در دستگیری وی در اردوگاه، به همراه همه لباس‌هایش، از او گرفتند. او با این نظریه، توانست خود را در بدترین شرایط اردوگاه، حفظ کند و نجات یابد. در واقع، نظریه خود را خود تجربه کرد و می‌توان گفت که این نظریه توسط خود او، از بوته آزمایش گذشته است. هر چند او، در کتاب «انسان در جست‌وجوی معنا» می‌نویسد: «ما که از بخت خوب یا حسن اتفاق یا معجزه - یا هر آنچه که شما می‌نامید- از این اردوگاه‌ها بازگشته‌ایم، خوب می‌دانیم که بهترین‌های ما، برنگشتند.»^۱

دیدگاه‌ها

فرانکل، اگزیستنیالیست (پیروان اصالت وجود یا همان هستی‌گرا) بود. او، واژه «هستی نزدی»^۲ را، برای اختلال عاطفی، ابداع کرد و اختلال عاطفی را، حاصل عدم توانایی فرد، در یافتن معنا برای زندگی، می‌دانست.

به نظر فرانکل، آزادی به معنای رهایی از سه چیز است:

۱- غریزه‌ها

۲- خوی‌ها و عادت‌ها

۳- محیط^۳

فرانکل، در زمینه‌ی نظریه‌ی شخصیت معتقد است، در آدمی انگیزه‌ای بنیادی وجود دارد و آن

^۱- ویکتور فرانکل صفحه ۱۵.

^۲- Existential neuroses

^۳- حوریه باثو رحیمیان صفحه ۱۷۲.

^۱- Will to meaning

^۲- دوآن شولتس صفحه ۲۷۰.

فرانکل و درمان اختصاصی او، معنا درمانی را، نمی‌توان جدای از رویکرد والد آن، یعنی رویکرد وجودی انسان‌گرا، بررسی کرد.

فرانکل، در کنار لودویگ بینزوانگر و مدارد باس، جزو برجسته‌ترین روان‌درمانگران وجودی است (بوجنتال، ۲۰۰۰)، او پایه‌گذار «تحلیل وجود» است (پترسون، ۱۹۷۳). حتی اگر کسی گرایش معنوی نداشته باشد، برای کار دشواری است تا این پیام فرانکل را نشنیده بگیرد: «ورای غرایز و ژن‌های خودخواهی، ماورای شرطی‌سازی کلاسیک و عامل، ماورای حاکمیت زیست‌شناختی چیز خاصی هست، شخص یگانه و انسانی بی‌همتا».

لوگوس، واژه‌ای است یونانی که معنا را می‌رساند. لوگوترایی که بعضی از نویسندگان کارشناس، آن را مکتب دوم روان‌درمانی وین، نام نهاده‌اند؛ بر پایه‌ی معنای هستی‌آدمی و تلاش فرد برای رسیدن به این معنا، استوار است. بنابراین، اصل لوگوترایی، تلاش برای جستن معنایی در زندگی، و اولین نیروی محرکه و انگیزه هر فرد است (فرانکل، ۱۹۶۷، به نقل از معارفی، ۱۳۸۰).

اصطلاح یونانی لوگوس، برای دانشجویان الهیات آشناست. این واژه، به طور معمولی، در محافل مذهبی، به صورت لغت یا کلمه یا اراده خداوند مطرح می‌شود. در مفهومی گسترده‌تر، می‌توان آن را به عنوان «چیزی که می‌تواند دلیلی برای بودن باشد»، تعبیر کرد. فرانکل، ترجمه ساده

شد. این نظریه، به لحاظ فلسفی، ریشه در اگزیستنیالیسم و پدیدارشناسی و به لحاظ روانشناختی، ریشه در روانکاوی و روانشناسی فردی و به لحاظ معنوی، ریشه در تعهدی‌تام و تمام به وجود انسان دارد؛ همچون موجودی که به طرز تقلیل‌ناپذیری معنوی است و بر ۳ پیش‌فرض اساسی استوار است:

الف) زندگی در هر شرایطی، دارای معناست،
ب) انسان، اراده معطوف به معنا دارد و این اراده به نیاز مدام انسان با جست‌وجو نه برای خویشتن، بلکه برای معنایی که به هستی منظور می‌بخشد، ارتباط می‌یابد،

ج) انسان، تحت هر شرایطی از این آزادی، بهره‌مند است تا اراده‌ی معطوف به معنا را به ظهور رساند و معنایی بیابد. در این مختصر، تلاش شده تا گزارش کوتاهی از رأی ویکتور امیل فرانکل، در باب ۳ مرحله تحلیل وجودی یا لوگوترایی (معنا درمانی)، ارائه شود. فلسفه‌ای از زندگی که در آن، فرد برای وجود و حیاتش مسئول است بدست آورد و به یک رشته از ارزش‌ها نائل آید و برای رنج بردنش، معنایی پیدا کند. هدف این است که فراسوی امکانات بی‌حد و حصر بیمار، ارزش‌های پنهان، بدون دست‌کاری اسرار ژرف، به واقعیت پیوندند.

در اصطلاح، نگرش‌ها، انگیزش‌های روان‌آزوده با مسئولیت‌ها جایگزین می‌شود. در این میان، خودشکوفایی، یک محصول جانبی تلقی می‌شود.

معنا را برای لوگوس ترجیح می‌دهد (شولای، ۲۰۰۲).

لوگوترایی یا معنا درمانی، در ساده‌ترین تعریف، آن گونه که فرانکل می‌نویسد، عبارت از: «درمان از رهگذر معنا» یا «شفا بخشی از رهگذر معنا». اما، از آنچه که به ویژه تعریف اخیر بار مذهبی دارد، می‌توان معنا درمانی را: «درمانی متمرکز بر معنا» تعریف کرد (فرانکل، ۱۹۷۸).

فرانکل (۱۹۶۵)، معنا درمانی را نوعی روان درمانی در قالب اصطلاح‌های معنوی، می‌داند. در واقع، معنا درمانی چنان که پیشتر نیز ذکر شد، شاخه‌ای مجزا در مکتب روان درمانی وجودی انسان‌گراست. از آن جهت که بر روح انسان یا بعد معنوی او، تمرکز کرده و معنای وجود را، تحت عنوان «جستجوی انسان برای چیزی به نام معنا»، بررسی می‌کند (وانگ، ۲۰۰۰).

لوکاس و اروانگ هیرش (۲۰۰۲)، معنا درمانی را، یک نظام فلسفی روان‌شناختی می‌دانند که به بیماران کمک می‌کند تا به رغم سوگ و ناامیدی، بر از دست رفته‌ها، تمرکز نکنند؛ بلکه در جستجوی معنا باشند. در نتیجه، زندگی از نگاه معنا درمانی، تحت هر شرایطی، معنادار است. افراد با اراده‌ای معطوف به معنا، برانگیخته می‌شوند و انسان، دارای اراده آزاد است.

بنابر تعاریف ذکر شده، وظیفه‌ی معنا درمانگر این است که به بیمار کمک کند تا معنای زندگی را کشف کند و البته به این وظیفه قانع نیست، بلکه

روش‌های درمان بخش خاصی را، نیز برای بیماران روان آزرده، تدوین می‌کند. آموزه‌ی معنا درمانی این است که این ما نیستیم که از زندگی می‌پرسیم چرا؟ بلکه این زندگی است که از رهگذر گوش دادن برای درک ژرف معنای لحظه پاسخ می‌دهید. انتخاب‌های ما، بر اساس ارزش‌هاست و با ندای وجدان، هدایت می‌شود (شولای، ۲۰۰۲).

در تکمیل آنچه گفته شد، می‌توان به فرانکل (۱۹۹۷، به نقل از کاردن ۲۰۰۳) اشاره کرد: «معنا درمانی، بر توانا ساختن بیماران برای غلبه بر مثلث غم‌انگیز، زندگی یعنی درد، گناه و رنج، تمرکز می‌کند».

شولای (۲۰۰۲)، بر این باور است که معنا درمانی، با چهار پیام در جهت معنایابی به انسان‌ها، کمک می‌کند:

ما معنوی هستیم: این بعد، نوش‌داروی معنا درمانی است. قدرت مبارزه‌جویی روح انسان، در اینجا فعال شده و بر موقعیت‌های جاری زندگی، غلبه می‌کند تا تغییر مطلوبی که شفا بخش و زندگی‌بخش است را، ایجاد نماید.

ما منحصر به فردیم: همیشه موقعیت‌ها و فرصت‌هایی هست که یکتایی خود را، تجربه کنیم. در روابط بین فردی، در خلاقیت و امثال آن شاید تصویری که کشیده‌ایم، شاهکار نباشد ولی بالاخره آن را ما کشیده‌ایم.

کردن تجربه افراد، از افسردگی در جامعه معاصر است؛ این پیام معنا درمانی می‌گوید: تحت هر شرایطی با پذیرش مسئولیت زندگی و تحقق معنایی، می‌توان مفهومی از کنترل و لیاقت را به‌دست آورد که در نوع خود، بی‌نظیر است (دیوسین، نیل و کرینگ، ۲۰۰۴).

از سوی دیگر، برخی رویکرد معنا درمانی را بیش از حد، سلطه‌جویانه می‌دانند (تیمبلین، ۲۰۰۴). معنا درمانی، بیش از حد بر زندگی شخصی فرانکل استوار است؛ به طوری که تیمبلین (۲۰۰۴)، یکی از پایه‌های نظری فرانکل را، زندگی‌نامه و تجربه‌های شخصی‌اش می‌داند. رویکرد معنا درمانی، هر چند پشوانه پژوهشی مقبولی دارد؛ ولی مبهم بودن، چند تعریف داشتن برخی مفاهیم و حتی غیرقابل تعریف بودن برخی از آنها، در درون خود، با محدودیت‌های پژوهشی روبرو است.

انتقاد دیگر از سوی کاردن (۲۰۰۳) مطرح شده است: فرانکل، در آثار خود از کتاب مقدس، وام‌گیری می‌کند، ولی در اکثر موارد، منابع وام‌گیری خود را پنهان می‌کند. کاردن (۲۰۰۳)، به برخی از تناقض‌ها در گفته‌های فرانکل اشاره می‌کند: اینکه فرانکل می‌گوید زندگی در هر شرایطی معنا دار است، یک جمله غیر سقراطی است.

معنا درمانی، هر چند یک نظام روان‌درمانی معنوی است؛ اما هرگز خدای مذهبی خاص، عقاید فرقه‌ای و امثال آن را، القا نمی‌کند (فرانکل، ۱۹۶۷). نکته مهم دیگر، این است که معنا درمانی به‌طور

با خود، متعالی کردن را تمرین می‌کنیم: از رهگذر متعالی کردن محدودیت‌های پیشین، تقلایی به سوی هدف ارزشمند و تعامل با سایر موجودهای انسانی را آغاز می‌کنیم و به این طریق، معنای زندگی را تحقق می‌بخشیم.

ما می‌توانیم نگرش خود را تغییر دهیم: هنگامی که با رنج بردن گریزناپذیر مواجه می‌شویم و قادر به تغییر دادن موقعیت نیستیم، قادریم زاویه‌ی دید خود را تغییر دهیم. ما در اتخاذ موضع، نسبت به موقعیت تغییرناپذیر، آزادیم، یعنی شجاعانه، طرز تلقی و برخورد خود با موقعیت را، بر موقعیت تحمیل می‌کنیم.

نقد و ارزیابی معنا درمانی

مانند هر مکتب روان‌درمانی دیگر، معنا درمانی نیز دارای نقاط مثبت و منفی است: ارزشمندترین سهم معنا درمانی این است که مردم را، مسئول زندگی خودشان می‌داند (کاردن، ۲۰۰۳).

معنا درمانی، دیدگاه فلسفی آسانی از نوع بشر، ارائه می‌دهد. پترسون (۱۹۷۳)، ارزش معنا درمانی را، در همین صراحت و سادگی آن، می‌داند و بر خلاف سایر رویکردهای وجودگرا، معنا درمانی رویکردی خوش‌بینانه و سازنده، از وجود آدمی ارائه می‌دهد و تنها مکتبی است که فنون خاص خود را دارد و پشوانه‌ی پژوهش معنا درمانی، در مقایسه با سایر مکاتب روان‌درمانی، به ویژه در قلمرو وجودی مناسب است. معنا درمانی، روشی مؤثر برای واژگون

ناشی از نزدیک شدن به آشویتس را، کش‌دارتر از آنچه هست بگرداند: آتش ... ویتس!^۶

«برای هر زندانی از بند رسته‌ای، روزی فرا می‌رسد که وقتی به دوران اسارت خود می‌نگرد و تجارب اردوگاهی را زیر و رو می‌کند، باور نخواهد کرد که چنان روزگار دشواری را، تحمل و سپری کرده است. همچنان که سرانجام روز آزادیش فرا رسیده و همه چیز در نظرش چون رویای زیبایی بود، روزی هم فرا خواهد رسید که تجربه‌های اردوگاهی‌اش چون کابوس، رنجش خواهد داد.»^۷

مستقیم با علائم روبرو نمی‌شود؛ بلکه می‌کوشد نگرش را عوض کند. در واقع، واژگونی نگرش شخصی نسبت به علائم، معنادرمانی را تبدیل به یک روان‌درمانی شخصی‌نگر کرده است (فرانکل، ۱۹۴۷، به نقل از پترسون، ۱۹۷۳).

قسمت‌هایی از کتاب

«انسان در جست‌وجوی معنا»

«هزار و پانصد نفر، چندین شبانه‌روز سفر می‌کردند. در هر واگن، هشتاد نفر را جا داده بودند. همه مسافری، بایستی روی بار خود که تنها پس مانده اموالشان بود، دراز می‌کشیدند. واگن‌ها، آنقدر پر بود که تنها در قسمت بالای پنجره‌ها، روزنه‌ای برای تابش نور گرگ و میش سپیده دم به چشم می‌خورد. همه انتظار داشتند، قطار سر از کارخانه اسلحه‌سازی در آورد و این، جایی بود که ما را به بیگاری می‌کشیدند و ما نمی‌دانستیم که هنوز در سیلسیا هستیم یا به لهستان رسیده‌ایم. سوت قطار، مانند ضجه کسی بود که التماس‌کنان، به سوی نیستی سقوط می‌کرد. سپس، قطار به خط دیگری، تغییر مسیر داد و پیدا بود که به ایستگاه بزرگی، نزدیک می‌شویم. ناگهان از میان مسافران مضطرب، فریادی به گوش رسید، «تابلو آشویتس!» بله آشویتس، نامی که مو بر تن همه راست می‌کرد: اتاق‌های گاز، کوره‌های آدم‌سوزی، کشتارهای جمعی. قطار، آن چنان آهسته و با تأنی مرگباری در حرکت بود که گویی می‌خواست لحظه‌های وحشت

۶- ویکتور فرانکل صفحه ۲۰.

۷- ویکتور فرانکل صفحه ۱۳۴ منابع فرانکل، ویکتور. انسان در جست‌وجوی معنی. معنی درمانی چیست. ترجمه دکتر نهضت فرنودی، مهین میلانی. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات درسا، ۱۳۸۰، ۲۶-۶-۹۶۴-۶۱۰۴. رحیمیان حوریه بانو. «فصل هفتم، معنا درمانی. نظریه‌ها و روش‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: انتشارات مهرداد، ۱۳۷۷، ۶-۱-۹۶۴-۹۰۴۹۰، ۳۰۰. دوآن، شولتز. روان‌شناسی کمال، الگوی شخصیت سالم. ترجمه گیتی خوشدل. تهران: نشر نو، ۱۳۶۹. برای اطلاعات جامع در مورد معنادرمانی و روان‌درمانی وجودی نگاه کنید به: محمدپور، احمدرضا (۱۳۸۵). ویکتور امیل فرانکل: پناهنده معنادرمانی... تهران: نشر دانژه. روزنامه ایران شماره ۳۷۸۸ ۸۷/۸۱ صفحه ۱۰ (فرهنگ و اندیشه) محمدپور، احمدرضا. (۱۳۸۶). ویکتورامیل. فرانکل: فرایندی بر روان‌شناسی و روان‌درمانی وجودی. تهران: نشر دانژه. از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۲. سال آینده، مشاغل در دست ربات‌ها

فرینوش لازار

می‌کنند، نظافت می‌کنند و لباس‌های شسته شده را تحویل می‌دهند. از این ده ربات، سه تا در بخش میز پذیرش، چهار تا برای حمل اثاثیه میهمان و بقیه در بخش نظافت، کار می‌کنند.

البته، فعلاً این کارمندان ربات، در کنار انسان‌ها کار می‌کنند و به نوعی خدماتشان، با انسان‌ها تکمیل می‌شود؛ ولی به گفته هیدئو ساوادا، رئیس پارک Huis Ten Bosch در آینده، بیش از ۹۰ درصد خدمات هتل، توسط ربات‌ها انجام می‌شود. در این هتل، ربات‌های کارمند آکتروید^۱، تنها فناوری آینده نیستند و میهمان‌ها می‌توانند، اتاق‌هایشان را از طریق نرم‌افزارهای تشخیص چهره، باز کنند. همچنین، پنل‌های محرک تابشی، در اتاق‌ها نصب شده است که حرارت بدن را تشخیص داده و می‌توانند روی دمای اتاق، نظارت کنند. این‌ها، فقط چند فناوری جدید به کار گرفته شده در این هتل است و ده‌ها فناوری دیگر نیز، استفاده خواهد شد. افتتاحیه هتل، ۱۷ ژوئیه است.

استخدام ربات‌ها در بانک‌های ژاپن



^۱ - Actroid

شکی نیست که در آینده، بالاخره روزی کامپیوترها و ربات‌ها، قشری از انسان‌ها را از کار بیکار کرده و مسئولیت‌های شغلی‌شان را برعهده می‌گیرند. اما ظاهراً این موضوع، در حال شتاب گرفتن است و به نظر می‌رسد زودتر از آن چیزی که فکرش را می‌کنیم به واقعیت خواهد پیوست.

اولین هتل جهان

که توسط ربات‌ها اداره می‌شود



تابستان امسال، هتلی در پارک تفریحی Huis Bosch Ten ناکازاکی ژاپن، به نام Henn-na افتتاح می‌شود که ۷۲ اتاق دارد و هزینه هر اتاق، از شیبی ۶۰ دلار شروع می‌شود. این هتل را، ده ربات کارمند انسان‌نمای زن جوان آکتروید، مدیریت می‌کنند. این کارمندان، می‌توانند با چشم ارتباط برقرار کنند؛ به زبان بدن، واکنش نشان بدهند و زبان‌های چینی، ژاپنی، کره‌ای و انگلیسی را خیلی روان، صحبت کنند. میهمان‌ها را پذیرش و مدارک آن‌ها را چک می‌کنند، ساک‌ها و چمدان‌ها را به اتاق میهمان حمل می‌کنند، قهوه آماده

که می‌تواند صحبت کند، چشمک بزند، لبخند بزند و با دیگران دست بدهد. به گزارش سرویس فناوری ایسنا، این ربات در کنفرانس «اینترنت سیار جهانی» در پکن، از ۲۸ تا ۳۰ آوریل (هشتم تا دهم اردیبهشت) به نمایش در آمد.

ربات ژاپنی که Yangyang نام دارد، به مخاطبان حاضر در این کنفرانس گفت: من در ژاپن به دنیا آمدم اما در چین بزرگ شدم. این ربات، از آزادی عمل ۴۳ درجه در سراسر بدن به ویژه در چهره‌اش، برخوردار است و بنابراین حالت‌های صورت وی بسیار متنوع هستند. هدف از ساخت این ربات، استفاده از آن به عنوان یک مربی، اعلام شده که به کودکان علم رباتیک آموزش دهد. همچنین، می‌توان از آن در موزه‌ها و فروشگاه‌ها، برای خوشامدگویی به بازدیدکنندگان و مشتریان، استفاده کرد.

فناوری گوگل برای ارتش ربات‌ها



گوگل در تازه‌ترین تحولات خود در زمینه رباتیک، یک فناوری جدید را ثبت و اختراع کرده که می‌تواند به ساخت یک ارتش رباتیک در آینده، منتهی شود.

به گزارش سرویس فناوری ایسنا، غول جستجوی اینترنتی اعلام کرده که قصد دارد، تعداد زیادی از دستگاه‌های رباتیک را به هم متصل کرده و به کاربران اجازه دهد تا آن‌ها را از راه دور و توسط اینترنت کنترل کنند. کارشناسان فناوری، پیش‌بینی کرده‌اند که انسان‌ها، در نهایت خواهند توانست از سیستم عامل اندروید گوگل، برای فرمان دادن به تیمی از ربات‌ها، به منظور اجرای وظایف از هر نقطه از جهان، استفاده کنند. ■

به گزارش سرویس فناوری ایسنا، ربات انسان‌نمای Nao قرار است در بهار امسال، کار خود را در شعبه‌های گروه مالی میتسوبیشی-یواف‌جی به شکل آزمایشی، آغاز کند. در صورت موفقیت‌آمیز بودن این کارآزمایی، کارکنان رباتیک تا سال ۲۰۲۰، به شعبه‌های دیگر بانک‌های ژاپنی، ارسال خواهند شد.

ربات Nao توسط شرکت فرانسوی Aldebaran

Robotics ساخته شده و از دو دوربین در بالای سر خود، برخوردار است که به عنوان چشم عمل می‌کنند؛ همچنین چهار میکروفون جهت‌دار به عنوان گوش این ربات، فعالیت می‌کنند. این ربات ۵۸ سانتیمتری، همچنین از حس‌گرهای لمسی برخوردار بوده و می‌تواند به ۱۹ زبان صحبت کند. از دیگر توانایی‌های Nao، باید به قابلیت خواندن و واکنش به احساسات، توسط بررسی حالات چهره، اشاره کرد. این بررسی، با استفاده از نرم‌افزار داخلی، موسوم به NAOqi انجام می‌شود. در جریان معرفی این ربات در توکیو، Nao به مشتریان بانک خوشامد گفته و از آن‌ها در مورد خدمات مطلوبشان، سوال کرد.

رونمایی از معلم زن رباتیک

و مسئول خوشامدگویی



دانشمندان «آزمایشگاه رباتیک هوشمند» دانشگاه ازاکای ژاپن، به همراه شرکت «صنعت شانه‌های شینگ‌کینگ» در چین، یک ربات زن را عرضه کرده‌اند



سنت‌های آغاز زندگی مشترک در یهودیان (قسمت اول)

الهام مودب

یهودیان اشکنازی

مراسم شرعی ازدواج یهودیان تقریباً مشابه است اما سنت‌ها و رسوم آنان متفاوت می‌باشد. در این مقاله به سنت‌ها و رسوم ازدواج یهودیان اشکنازی اشاره می‌شود.

هفته قبل از ازدواج

در بین اشکنازی‌ها رسم است که عروس و داماد یک هفته قبل از ازدواج همدیگر را نمی‌بینند. دلیل خاصی برای این امر وجود ندارد، اما اعتقاد بر این است که دوری، لذت دیدار مجدد را افزایش می‌دهد. در ضمن عروس و داماد که برای تدارک مراسم ازدواج تحت فشار هستند، ناخواسته یکدیگر را اذیت نمی‌کنند.

شومر و شومرت

در یک هفته قبل از ازدواج که عروس و داماد یکدیگر را نمی‌بینند «شومر و شومرت» یکی از دوستان عروس و داماد رابطشان هستند و به آنان کمک می‌کنند تا با آرامش خود را برای مراسم عروسی آماده کنند.

شب‌ات قبل از عروسی

در بین برخی از یهودیان اشکنازی شب‌ات قبل از عروسی دوستان و اقوام عروس و داماد در کنیسا جمع می‌شوند تا لحظات شادی را در کنار عروس و داماد داشته باشند و به آنان کمک کنند تا از نگرانی و اضطراب قبل از ازدواج بکاهند. داماد براخا تورا می‌خواند و مدعویین به سمت او شیرینی پرت می‌کنند که نشانه زندگی شیرین جدید است.

کارت دعوت

کارت دعوت دوزبانه است. یک سمت به زبان انگلیسی و سمت دیگر به زبان عبری می‌باشد.

برخی افراد در متن کارت دعوت جملاتی را از تورا و تلمود در مورد ازدواج درج می‌کنند.

لباس عروسی

عروس برای رفتن به میقوه لباس سفید که نشانه پاکی معنوی و تقدس است می‌پوشد. رسم است عروس و داماد به این علت روز عروسی لباس سفید بپوشند و داماد کت بلند سفید زیر حوپا می‌پوشد.

میقوه

عروس قبل از عروسی به میقوه که نشانه پاکی معنوی و آمادگی معنوی می‌باشد می‌رود. جشن میقوه مخصوص یهودیان سفارادی است. دوستان و اقوام جمع می‌شوند «آواز» می‌خوانند و با شیرینی و میوه پذیرایی می‌شوند.

کیبور فردی

ازدواج نوعی کیبور فردی و روز بخشش و توبه زوجها است. در این روز زوجها تعنیت می‌گیرند و توبه می‌کنند تا زندگی جدید را با پاکی آغاز کنند.

خوش آمد گویی به عروس و داماد *Kabbalas*

Panim

بنابر سنت یهودی با عروس و داماد مانند شاه و ملکه رفتار می‌شود.

داماد تا حویا همراهی می‌کنند. این همراهی با نواختن آهنگ یا خواندن براخا توسط حاخام توام است.

هفت بار چرخیدن دور داماد

بنا بر سنت‌ها اشکنازی‌ها عروس هفت بار دور داماد می‌چرخد. این امر به بخشی از ارمیا اشاره می‌کند که زن دور همسر می‌چرخد. چرخش‌های اول تا سوم نشانگر سه فضیلت صداقت عدالت و عشق و محبت است. هفت چرخش بر مفهوم هفت در تورا که نشانه کامل بودن است تاکید دارد. در پایان عروس در سمت راست داماد می‌ایستد.

زیر حویا قرار گرفتن

ازدواج سنتی عروس و داماد در زیر حویا صورت می‌گیرد. حویا نشانه ساختن خانه توسط عروس و داماد است معمولاً از پارچه تهیه می‌شود که به چهار سمت کشیده می‌شود و روی چهار پایه قرار دارد. چهار سمت حویا باز است و نشانه مهمان‌نوازی عروس و داماد از مهمانان است. همانطوری که چادر حضرت ابراهیم برای مهمان‌نوازی باز بود. این خانه اولیه فاقد وسایل است. نمایانگر آن است که خانه یهودی را افراد می‌سازند نه وسایل.

از نظر معنوی حویا نشانه حضور خداوند است. در بین یهودیان یمن عروس و داماد در زیر حویا نمی‌روند. آنان به اتاق داماد که با پارچه‌های رنگی تزیین شده می‌روند.

خواندن هفت براخا Sheva Berachot:

با حضور عصارا افراد مختلف هفت براخا را به زبان عبری و زبان انگلیسی می‌خوانند.

حلقه دست کردن

رسم است که داماد شی با ارزشی را به عروس هدیه دهد. اما امروزه داماد حلقه طلای بدون سنگ را به عروس اهدا می‌کند. در حضور دو شاهد داماد حلقه را در دست راست عروس می‌کند و می‌گوید با این حلقه تو بنا بر قانون حضرت موسی برای هدف مقدس در کنارم هستی. در میان افرادی که طرفدار برابری هستند عروس هم حلقه در دست داماد می‌کند

قبل از شروع مراسم عروس و داماد در اتاق مجزا در یک ساختمان بر تخت سلطنت می‌نشینند. دوستان و اقوام دور آنها جمع می‌شوند آواز می‌خوانند و برایشون آرزوی خوشبختی می‌کنند.

پوشاندن صورت عروس Badecken:

در بین اشکنازی‌ها رسم است که صورت عروس را می‌پوشانند و دعایی که در سفر پیدایش برای ریبکا گفته شد می‌خوانند. این سنت یاد آور آن است که لاوان با پوشاندن صورت لئا و فریب حضرت یعقوب لئا را بجای راحل به عقد آن حضرت در آورد. این امر نمایانگر نجابت و پاکی زنان است.

داماد پس از یک هفته دوری از عروس به همراه خانواده و دوستان وارد اتاق عروس می‌شود و تور را از صورت عروس بر می‌دارد. این رسم نشانگر آن است که مرد به همسرش متعهد است و از او حمایت می‌کند و به زیبایی درونی او علاقمند است و در زندگی به او توجه می‌کند. در پایان عروس کلاه بر سر داماد می‌گذارد.

کتوبا

کتوبا «سند ازدواج» به زبان آرامی نوشته می‌شود و وظایف داماد در قبال عروس را مطرح می‌کند. کتوبا را داماد و دو شاهد امضا می‌کنند. برخی از زوج‌ها کتوبای زیبا هنری تهیه می‌کنند. آن را قاب کرده و بر دیوار منزل نصب می‌کنند. برخی رسم دارند در زیر حویا کتوبای ترجمه شده را با صدای بلند می‌خوانند.

زمان انزوای زوج ها Yichud

پس از کتوبا عروس و داماد ده - بیست دقیقه تنها در اتاق دربسته می‌مانند تا تعنیت (روزه) خود را با سوپ مرغ یا غذای مورد علاقه‌شان باز کنند. حتی زوج‌هایی که تعنیت (روزه) نمی‌گیرند پس از یک روز شلوغ لحظاتی را به با هم بودن اختصاص می‌دهند. دو شاهد پشت در منتظر می‌مانند. این رسم نشانه اتحاد و ازدواج است.

همراهی با عروس و داماد

داماد را پدر و پدر عروس و عروس را مادر و مادر

پدر و پدر بزرگ عروس می‌رقصند. سپس با بستن کمربند خاص مردان یهودی با داماد می‌رقصند و در پایان عروس و داماد با هم می‌رقصند.

مهمانان عروس و داماد را که بر صندلی نشسته‌اند از زمین بلند می‌کنند و بطرف بالا Hora: می‌برند. افراد با گرفتن دست یکدیگر حلقه‌ای تشکیل می‌دهند با پای چپ به سمت جلو رفته و سپس با پای راست به جلو می‌روند. این رقص در بین یهودیان خاورمیانه مرسوم است. مهمانان دور عروس می‌چرخند و آواز می‌خوانند. این رقص شاد کردن عروس نامیده می‌شود.

مراسم روشن کردن شمع

عروس و داماد شمع روشن می‌کنند. نور نشانه حضور خدا و شمع‌دان نشانه آغاز زندگی در خانه‌ای است که با نورهای شمع شب‌ات و مواعدها روشن می‌شود.

مراسم شام :

داماد با خلای بزرگ (نانی که با تخم مرغ تهیه می‌شود) براخا هموصی می‌گوید. برخی از عروس و دامادها تکه‌های خرد شده خلا در بشقاب را بر سر میزها می‌برند و با مهمانان خوشامدگویی می‌کنند.

برکت همازون

پس از صرف غذا براخای برکت همازون خوانده می‌شود. براخای برکت همازون شب عروسی با براخای روزهای دیگر متفاوت است.

شرایط ضمن عقد

در سال‌های اخیر در آمریکا و انگلیس و برخی کشورها زوجها شرایط ضمن عقد را می‌پذیرند. نحوه حضانت از فرزندان و راه حل مشکل طلاق در مواردی که مرد از طلاق دادن زنی که خواستار طلاق است خودداری می‌کند قید شده است. این شرایط را حاخام و زوجها امضا می‌کنند.

یهودیان ارتدکس بتدین آمریکا را حکم مورد تایید زوجها معرفی می‌کنند. یهودیان کنسرویتیو در کتبوا قید می‌کنند در صورت طلاق قوانین کشور را می‌پذیرند. در انگلستان بتدین را مرجع می‌دانند و زوجها باید در دادگاه حاخام ارشد حاضر شوند. ■



و می‌گوید تو محبوب منی و من محبوب توام. این جمله بر روی دو حلقه حک می‌شود.

برخی حلقه را خارج از حویا به هم می‌دهند تا با قوانین یهودیت منافات نداشته باشد.

شکستن لیوان یا لامپ

پس از اهدای حلقه داماد لیوانی با پای راستش می‌شکند و مهمانان فریاد می‌زنند «مبارک باشد».

در برخی از جوامع معاصر بجای لیوان لامپ می‌شکنند. زیرا شکستن آن راحت‌تر است و صدای بلندتری دارد. این امر به یهودیان یادآوری می‌کند که با وجود شادی هنوز برای خرابی بیت‌همیقداش عزا دارند. دلیل دیگر آن است که باید شادی را کنترل کرد.

رقص های عروسی

مادر عروس تاجی از گل بر سر دارد و دخترانش دور او می‌رقصند. krenzl:

والدین عروس و داماد در ازدواج آخرین فرزندشان می‌رقصند. MIZNKE:

اعضای خانواده و خدامین مدعو جلوی عروس می‌رقصند. گاهی با عروس MITZVAH TARTZ:

محکومیت توهین به مقدسات

و ارزش‌های دینی

دکتر سلیمان کهن‌صدق

اقدام شرم‌آور روزنامه «شارلی عبدو»، در گستاخی و اهانت به ساحت مقدس پیامبر و دین مبین اسلام، انزجار شدیدی در میان تمامی موحدان و پیروان ادیان الهی ایجاد کرد.

نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی، طی بیانیه مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۹۳، که یکی از نخستین بیانیه‌های سیاسی در این رابطه بود، این اقدام را به عنوان حرکتی غیرعقلانی و غیراخلاقی علیه وحدت و یکدلی یکتاپرستان، شدیداً محکوم کرده و خاطرنشان کردند که توهین به مقدسات هر کدام از ادیان الهی، اهانت به تمامی ادیان توحیدی محسوب می‌گردد. این اهانت علنی به پیامبر اسلام در فرانسه، همچون همیشه، هرگز مورد قبول مردم آزاده جهان قرار نگرفت و حتی مورد تقبیح نهادهای بین‌المللی و رهبران کشورهای مختلف واقع شد. ■

تسلیت

همکار گرامی

جناب حاخام دکتر یونس حماسی لاله‌زار

در غم از دست دادن عزیزان به سوگ نشستن صبری می‌خواهد عظیم، برای شما و خانواده محترمان صبر و شکیبایی و برای آن عزیز درگذشته غفران و رحمت واسعه الهی را خواستاریم. مشیت الهی بر این تعلق گرفته که بهار فرحناک زندگی را خزانی ماتمزده به انتظار بنشیند و این، بارزترین تفسیر فلسفه آفرینش در فراخنای بی‌کران هستی و یگانه راز جاودانگی اوست. درگذشت مادرگرامیتان را به شما و خانواده محترمان تسلیت عرض نموده برایشان از درگاه خداوند علو درجات، برای شما و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی از درگاه باری تعالی خواستاریم.

کلیه همکاران در نشریه بینا

روز قدس

ابراهیم سعیدیان

ایرانیان کلیمی، پیروان حضرت موسی (ع) می‌باشند و آیه‌های مقدس تورات را با جان و دل در قلب خویش جای داده‌اند. حضرت حق، در یکی از آیه‌های تورات چنین می‌فرماید:

«همنوع را مثل خودت دوست بدار».

اینک، قطعه شعری را تحت عنوان «روز قدس» تقدیم می‌دارد:

زدند فریاد روز قدس، این سان

کلیمی و مسیحی و مسلمان

چنین فرموده در تورات، یزدان

که می‌گو آن چه بشنیدی به انسان

نباشد، شرع موسی جز محبت

امید و عشق و مهر و لطف و عزت

بدار همنوع خود را دوست، ای یار

عزیز و مونس و محبوب و غمخوار

خمینی، عارف و سالار مردان

که او شد منجی این عصر و دوران

صلا سر داد، آن روح مصفا

جدانند غاصبان، از قوم موسی

معظم رهبر فرزانه دهر

که کام دشمنان را کرده او، زهر

حکیم و داوری با عدل و داد است

حلیم و عارف و دانا و راد است

به فرمائی، مساوی کرد و یکسان

کلیمی و مسیحی و مسلمان



ה' שְׁמִיעָתִי שְׁמָעֶךָ יְיָ אֱתִי ה' قضاوت در روش هشانا

امید شایان مهر

۱. در پسخ، هشم قضاوت می‌کند که چقدر محصولات زمینی در آن سال، وجود داشته باشد.

۲. در شاووعوت، هشم میوه‌جات درختی را، قضاوت می‌نماید.

۳. در روش‌هشانا، تمام افراد جهان، یکی پس از دیگری، از حضور هشم عبور می‌کنند و بر طبق اعمالشان، داوری می‌گردند.

۴. و در مועد سوکا، هشم تعیین می‌کند که چقدر باران، در آن سال باریده شود.

به هر حال، متوجه می‌شویم که هشم در روز روش‌هشانا، یکایک ما را برطبق اعمال و کردارمان، قضاوت می‌کند و تعیین می‌فرماید چه کسی زنده بماند و چه کسی بمیرد و نیز چه کسی سالم و چه کسی بیمار، چه کسی ثروتمند و چه کسی فقیر، چه کسی حقیر و چه کسی عزیز و محترم گردد.

از این رو، انسان باید از خواب غفلت خویش، بیدار شود و در پی جستجو و چاره‌جویی باشد که چگونه در قضاوت سهمناک هشم، مزکی و مبرا گردد.

گمارا (تلمود) می‌فرماید: روش‌هشانا، روز محاکمه و دین است و هشم، تمام مخلوقات را، به پای میز قضاوت خویش می‌آورد و برای آنان، سالی نو را رقم می‌زند. به قدری دقیق که هر مغزی از تفکر در آن، حیران می‌شود و حتی ماهیان دریاها، در این روز، از هیبت محاکمه الهی، بر خود می‌لرزند.

خدایا ...

شنیدم و لرزیدم، روزی که در آن مرا یاد کنی، ترسیدم و لرزیدم، روزی که در آن مرا محاکمه می‌فرمایی.

فرومایه گشتم و پریشان شدم مبادا با خشمتم مرا کم کنی چون بزرگ است روز خدا ...

سال نو عبری، بال‌های خود را به سوی ما، می‌گشاید و دوباره، روز مقدس روش‌هشانا، فرا می‌رسد. تمام جماعت یکدل و یکصدا، در کنیساها گرد هم می‌آیند و با تفیلاهای خود، دروازه آسمان را به لرزه درمی‌آورند و با لرزی آمیخته با هیجان، به انتظار شنیدن صدای پرطنین شوفار، می‌ایستند. شوفاری که، حصار قلب‌ها را در هم می‌شکند و درون خانه دل‌ها ظهور می‌کند، غبار گناهان را می‌زداید و نهال عشق به خدا را جایگزین می‌کند و هر یهودی را به بازگشت به سوی پروردگار، دعوت می‌کند. لحظاتی عرفانی بر قوم ما، می‌گذرد که همه را به تأمل وادار می‌دارد و ناخودآگاه، اشک پشیمانی در چشمان همه، حلقه می‌زند. دقایقی فراموش نشدنی که همه، سکوت می‌کنند ولی با سکوت خود، از عمق دل فریاد می‌زنند.

فریاد فرزندی که پدرش را می‌جوید و از او، طلب عفو و بخشش می‌کند. ولی می‌داند که در کوله‌بار سالیانه‌اش، جز چند میصوای کوچک، تحفه دیگری ندارد که به درگاه پدر، پادشاه جهان، تقدیم دارد.

در میشنا، رساله‌ی روش‌هشانا آورده شده است: هشم چهار بار در سال، بر کرسی قضاوت می‌نشیند.

االلهی، تو پناه ناامیدان هستی و امیدی برای
امیدواران.
باراللهی !!
می‌خواهم بگویم :
دوستت دارم و بابت همه خوبیهای ممنونم !!!!

روش هشانا (ده روز توبه)

ابراهیم سعیدیان (آریا)

به سال نو، خدا این سان، ندا داد
پیام دلنشین، بر قوم ما داد
به پا خیز، ای که در خواب گرانی
که ایزد، مژده عفو و جزا داد
چو گشتم، رهسپار خانه او
مراء فرمان پرهیز از ریا داد
چو بشنیدم من، آیاتی ز تورات
دل و روح و روانم را، صفا داد
طنین روح بخش شاخ قوچی
تتم لرزاند و روحم را، جلا داد
کنون، روز قضا و حکم قاضی است
نماز و روزه، دردم را شفا داد
چو دل بشکست و احسانها افزون گشت
نوید عمر با عزت، به ما داد
هر آن کس، توبه کرد اندر مناجات
خدای آسمان، دردش دوا داد
عزیزان، روز دین است و قضاوت
خدای مهربان، بخشش به ما داد
چو، دلجوی نمودیم از غریبان
دل ما را ز درد و غم، رها داد

اگر چنین است، پس چرا، ما این روز را، موعد
می‌خوانیم در آن، سیب و عسل و سایر خوراکی‌های
شیرین می‌خوریم؟ و همانند موعدیم، در آن به شادی،
مشغول مشغول می‌شویم؟ ظاهراً، باید از ترس محاکمه و
قضاوت، این روز را تعینت تعیین کنیم ...! امروز ناراحتی
و نگرانی، از سرنوشتی نامعلوم! مگر کسی که به دادگاه
احضار می‌شود، حتی اگر به بی‌گناهی خویش هم اطمینان
داشته باشد، خواب و خوراک دارد؟ می‌تواند سر آرام، بر
بالین نهد؟ و اگر مرتکب خلافی هم شده باشد، روز و
شب کارش ریختن اشک و تکاپو، برای به دست آوردن
وکیل مدافع قابلی است تا بلکه بتواند او را، تبرئه کند.
پس، این همه تدارکات و جشن و شادی در روش‌هشانا
چه دلیلی دارد؟

دانشمندان ما می‌فرمایند: درست است که
روش‌هشانا، روز دین و حساب و روز محاکمه است و واقعاً
جای ترس و لرزیدن بر خود را دارد، ولی دلیل شادمانی ما
در این است که در این روز، به ما امکان داده شده تا
وضعیت و سرنوشت خود را، به حالتی مناسب و خوشایند،
تغییر دهیم. از نافرمانی‌های خود نسبت به اوامر
توراتنومقدوشا، توبه و تشووا کنیم و کوله‌بار گناهانمان را
پاک و سبک گردانیم. از صمیم قلب، تعهد نماییم که به
سوی خداوند و اوامر حیات‌بخش تورای او باز می‌گردیم و
با خلوص‌نیت، فرامین او را اجرا می‌کنیم. و در این
صورت، به ما قول داده شده است که ما و خانواده‌ی ما در
کتاب زندگی نیک و سعادت و طول عمر، ثبت خواهیم
شد.

خدایا کمکم کن و دست نیاز مرا که به سویت آمده
است، ناامید برنگردان؛ مگر آن که صلاحی در کار باشد،
چراکه آن چه تو می‌دانی، من نمی‌دانم و آن چه تو
می‌بینی، من نمی‌بینم.
پروردگارا، راضیم به رضای تو و خوشحالم به
خشنودی تو.

گزارش مراسم روز چهاردهم خردادماه ۹۴ بیژن آصف

(نماینده انجمن کلیمیان تهران در ستاد مرکزی بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی «ره»)

حضور داشتند. باید یادآور شد که ستاد مرکزی اشتباهاً تعداد ۵ عدد کارت در اختیار انجمن کلیمیان قرار داده بودند. در صورتی که طبق درخواست صدور کارت، برای انجمن کلیمیان برای تعداد ۲۱ نفر درخواست کارت کرده بود که در پایان مراسم مراتب کتباً جهت پیگیری موضوع، به ستاد مرکزی اطلاع داده شد. باید مجدداً یادآور شد که در مراسم بزرگداشت، جناب آقای رضائی، مسئول روابط عمومی ستاد مرکزی بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام، جامعه ما را همراهی می‌نمودند که از ایشان تشکر و قدردانی می‌گردد.

در اینجا جای دارد، از جناب آقای دکتر سلیمان کهن‌صدق، نایب رئیس انجمن کلیمیان و مسئول کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تا قبل از تحویل و تحول هیأت مدیره جدید انجمن کلیمیان، که از آغاز جلسات ستاد مرکزی تا پایان برنامه‌های تدوین و اجرا شده به مناسبت بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی، در کنار اینجانب بودند، مراتب سپاس و تشکر خود، جامعه، هیأت مدیره و بازرسین انجمن کلیمیان را تقدیم پیشگاهشان بدارم. امید است همچنان با تلاش خستگی‌ناپذیر در خدمت جامعه باشند. همچنین امیدوارم توانسته باشم وظیفه‌ای را که به عهده اینجانب گذارده شده بود، به نحو احسن انجام داده باشم و چنانچه در اجرای برنامه‌های تدوین شده نقصانی مشاهده گردیده، هیأت مدیره و بازرسین انجمن کلیمیان و همکیشان عزیز و مهربان با الطاف و عنایات همیشگی خود اینجانب را مورد عفو و بخشش قرار دهند. ■

روز پنجشنبه چهاردهم خرداد ماه ۹۴، طبق برنامه تدوین شده ستاد مرکزی بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی، مراسم اصلی ایام ارتحال امام راحل با حضور رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت ا... سید علی خامنه‌ای؛ یادگار امام، حاج حسن آقا خمینی؛ حضرت آیت ا... هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم شورای تشخیص مصلحت نظام؛ جناب آقای لاریجانی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی؛ حضرت آیت ا... لاریجانی، ریاست محترم شورای عالی قضائی؛ سفرای کشورهای مختلف در ایران؛ میهمانان خارجی و اقلیت‌های دینی، ساعت ۱۰ صبح با قرائت آیاتی از قرآن کریم و اجرای سرود و تواشیح، در محل ساختمان جدید محوطه حرم حضرت امام آغاز گردید. پس از اجرای سرود و تواشیح، حضرت آیت ا... حاج حسن آقا خمینی، درخصوص رفتار و کردار و خصوصیات امام راحل سخنرانی نمودند. بعد از ایشان، حضرت آیت ا... سیدعلی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در مورد امام راحل و مسأله تحریف امام راحل توسط عده‌ای مغرض، سخنانی ایراد کردند و به ملت بزرگوار ایران در این مورد هشدار دادند.

بعد از سخنان رهبر معظم انقلاب، آخرین برنامه تدوین شده به مناسبت بیست و ششمین سالگرد ارتحال امام، مراسم ساعت ۱۲ ظهر به پایان رسید.

از طرف جامعه ایرانیان کلیمی، آقای دکتر کهن‌صدق، آقای آصف، نماینده انجمن کلیمیان در ستاد مرکزی بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی و آقای سعیدیان، در این مراسم

گزارش نثار تاج گل به مرقد حضرت امام خمینی (ره) توسط اقلیت‌های دینی

بیژن آصف



خوش آمد گفتند. سپس جناب آقای موحد، ریاست ستاد مرکزی بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، کمیته ادیان الهی (اقلیت‌های دینی)، ضمن خوش آمدگویی مجدد، از حضور پر شور و گرم ادیان الهی و نمایندگان آنان در جلسات ستاد بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد حضرت امام خمینی تشکر و قدردانی نموده و مطالبی در مورد حضرت امام راحل و اقلیت‌های دینی ایران بیان نمودند.

سپس، نماینده زرتشتیان، مطالبی در مورد امام و اقلیت‌های ایرانی به سمع حضار رسانید. پس از آن، نماینده ارمنه، سخنان مبسوطی در مورد حضرت امام خمینی (ره) به عرض حضار رسانید. سپس، جناب آقای دکتر حاکم حمای لاله‌زار، مطالبی از پاتح الیاهو^۱، درخصوص حضرت امام راحل بیان نمودند و بعد از سخنرانی ایشان، مراسم پایان یافت. ■

یکی از برنامه‌های تعیین شده از طرف ستاد مرکزی بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، نثار تاج گل به مرقد حضرت امام راحل بود.

روز دوشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۹۴، ساعت ۲ بعدازظهر، جامعه ایرانیان یهودی (کلمی) از کنسادهای یوسف‌آباد و ابریشمی به طرف مرقد حضرت امام راحل، برای شرکت در مراسم نثار تاج گل، حرکت نمودند. در این جمع، آقای دکتر سامیخ ریاست انجمن کلمیان، آقای دکتر سلیمان کهن‌صدق نایب رئیس انجمن کلمیان، آقای آصف عضو هیأت مدیره انجمن کلمیان و نماینده انجمن کلمیان در ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی، جناب حاکم گلستانی مرجع ایرانیان کلمی، جناب آقای دکتر حاکم حمای لاله‌زار، جناب آقای دکتر سیامک مره‌صدق نماینده ایرانیان کلمی در مجلس شورای اسلامی و آقای ادموند معلمی عضو هیأت مدیره انجمن کلمیان، حضور داشتند. در این مراسم، اقلیت‌های هموطن ارمنی، زرتشتی و آشوری نیز حضور داشتند. مراسم ساعت ۳ بعدازظهر آغاز و پس از نواختن سرود جمهوری اسلامی ایران، گارد تشریفات احترامات نظامی به عمل آورده و تاج گل آماده شده را به همراه اقلیت‌های دینی حاضر، به طرف مرقد حضرت امام راحل حرکت دادند. همکیشان کلمی نیز هر یک، یک عدد گل به مرقد حضرت امام تقدیم نمودند.

بعد از نثار تاج گل، جناب آقای کریمی، جانشین ریاست ستاد مرکزی بزرگداشت امام راحل، به حضار

نثار تاج گل به مرقد امام ...

^۱ - پاتح الیاهو: یکی از متون مذهبی یهودیان در وصف پروردگار متعال از کتاب مقدس زوهر.

شکرانه‌ی بازوی توانا

بگرفتند دسته ناتوان است

جلسه‌ی عمومی ستاد خیریه کورش

فرزاد طویبان

پس از سخنان آقایان حمامی لاله‌زار و سامه‌یح، آقای بهادر میکائیل، مسئول اجرایی ستاد خیریه کورش، گزارشی از تاریخچه فعالیت ستاد خیریه کورش، از ابتدای تاسیس تا امروز و معرفی زیر گروه‌ها و همکاران ستاد را ارائه دادند. سپس، گزارش مالی مربوط به ابتدای سال ۹۳ تا پایان خرداد ۹۴، ارائه شد.

گزارش مالی

الف (مجموع درآمد از ابتدای سال ۹۳ تا آخر خرداد ۹۴، دریافتی ۱۵ ماهه از کنیساها، انجمن کلیمیان، گروه توریستی یاران، دفتر نمایندگی و خیرین، ۲,۴۷۳,۳۰۰,۰۰۰ ریال).

ب (مجموع هزینه‌ها از ابتدای سال ۹۳ تا آخر خرداد، ۲,۴۵۴,۳۳۰,۰۰۰ ریال).

هزینه‌ها شامل: کمک به نیازمندان تهران و شهرستان‌ها، شحیطای جماعتی، کمک تحصیلی، کمک به بیماران خاص و برخی جراحی‌ها، توزیع بسته‌های کالایی ماهانه و مناسبتی، آزادی زندانیان، تهیه جهیزیه با کمک ستاد جهیزیه به سرپرستی جناب خاخام دکتر حمامی. در پایان، با رای قاطع شرکت‌کنندگان، افراد ذیل به مدت دو سال، به عنوان هیأت رئیسه ستاد خیریه کورش، برگزیده شدند.

ریاست: آقای اسکندر میکائیل، **نایب رئیس:** امید شایانمهر، **خزانه‌دار:** سهیل نیسانی، **روابط عمومی:** آیلین تشخیصی، **مهردار:** فرزاد طویبان، **کارپرداز:** فرید یاشار، **مسئول هماهنگی و اجرایات:** بهادر میکائیل.

در پایان، ضمن تشکر از کلیه خیرین و همکیشانی که ستاد خیریه را، در انجام خدمت به همونوع، یاری رسانیده‌اند؛ امیدواریم که در این دوره نیز بتوانیم با همکاری و همدلی دوستان سهمی شایان، در رفع محرومیت همکیشان، ایفا نماییم. ■

دوشنبه اول تیر ۱۳۹۴ برابر با ۵ تموز ۵۷۷۵ عبری، جلسه عمومی و مشترک حدود ۵۰ نفر از خیرین، هیأت امنای ستاد خیریه کورش، شورای کنیساها، تهران، رئیس انجمن کلیمیان تهران و جناب خاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، در محل کنیسای یوسف‌آباد تهران برگزار گردید.

در ابتدای جلسه، پس از قرائت تورات مقدس، جناب خاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار سخنانی درباره اهمیت کمک به همونوع در دین یهود و نیز اهمیت آن چه که در این چند سال اخیر، از طرف کل جامعه‌ی کلیمیان ایران؛ چه انجمن‌ها و کنیساها و نیز گروه‌ها و افراد خاص، در جهت کمک و رفاه حال نیازمندان صورت گرفته، سخنانی بیان نمودند و بر اهمیت یکپارچگی این گروه‌های خیریه و لزوم همکاری نزدیک‌تر خیرین با انجمن و ستادها، تأکید کردند و ابراز امیدواری کردند که با یکدلی و اتحادی که در جامعه‌ی کلیمیان وجود دارد این کمک‌ها از نظر کمی و کیفی شکل بهتری به خود گیرد و نیز، بر لزوم شناسایی مستمندان واقعی، تأکید کردند.

پس از سخنان ایشان، دکتر سامه‌یح رئیس انجمن کلیمیان تهران، گزارشی را درباره‌ی کمک‌هایی که در دوره‌ی گذشته‌ی انجمن به اشخاص نیازمند و ستاد خیریه کورش صورت گرفته، ارائه دادند از زحمات کلیه خیرین و نیز آقای یوسف هارونیان، که در دوره‌ی گذشته‌ی انجمن علاوه بر خزانه‌داری، مسئولیت کمیته تعاون را برعهده داشتند، تقدیر و تشکر کردند و از همکاری نزدیک بین کمیته‌ی تعاون و ستاد خیریه کورش، ابراز خرسندی نمودند.

لازم به ذکر است، جناب آقای الیاس تراشندگان که خود جزء مسئولین ستاد خیریه کورش، می‌باشند و هم اکنون، خزانه‌داری انجمن را، عهده‌دار هستند؛ مسئولیت کمیته‌ی تعاون انجمن کلیمیان تهران را نیز، برعهده دارند که این می‌تواند نقش مؤثری در رفع نیازمندی‌های اقشار جامعه کلیمی ایفا کند.

رونمایی از کتب جدید مرکز ملی مطالعات جهانی شدن

بهادر میکائیل

روز جمعه مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۵، در حاشیه نمایشگاه بین‌المللی کتاب و در سرای اهل قلم به همت مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، از ۱۳ کتاب تازه انتشار یافته این نهاد، رونمایی شد.

این کتب عبارتند از:

۱. درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی.
۲. مناقشات خاورمیانه در عصر جهانی شدن.
۳. حقوق بین‌الملل هسته‌ای.
۴. جهانی شدن، فرهنگ و اخلاق.
۵. رفتارهای حمایت‌گرانه در عصر جهانی شدن.
۶. خشونت و افراطی‌گری در عصر جهانی شدن.
۷. اقتصاد سیاسی جهانی.
۸. آینده حقوق بین‌الملل محیط زیست در عصر جهانی شدن.
۹. الزامات و چالش‌های دیپلماسی عمومی ایران در عصر جهانی شدن.
۱۰. سیاست‌گذاری نوآوری در عصر جهانی شدن.
۱۱. سازمان تجارت جهانی و رویکرد آن به بخش انرژی.

۱۲. تربیت شهروند جهانی.

۱۳. بنیادهای دینی مقابله با خشونت و افراطی‌گری در عصر جهانی شدن.

آخرین کتابی که رونمایی گردیده، به نگاه ادیان مختلف به نفی خشونت پرداخته است که فصل هشتم این کتاب به قلم مهندس آرش آبایی (محقق و مدرس علوم دینی یهودی)، در مورد دیدگاه یهودیت می‌باشد.

در مراسم رونمایی، آرش آبایی به این مطلب اشاره کرد که متون و آیات را می‌توان به دو گونه تقسیم کرد، هم جنگ و خشونت و هم صلح طلبانه. وی در ادامه بیان کرد: من سعی کرده‌ام در این فصل از کتاب، به طور بی‌طرفانه مطالب تورات، تلمود و عرفان یهود را که به صلح گرایش دارد بیان کنم.

در انتهای مقاله هم نمونه عملی از سازمان‌ها و ارگان‌هایی که در مورد صلح فعال هستند، عنوان شده است. در پایان مراسم، با حضور اندیشمندان و محققان و مسئولین، رونمایی انجام شد. ■

گزیده ای از اخبار دهه فجر به روایت تصویر

دکتر سلیمان کهن صدق

۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۳

نثار تاج گل و ادای احترام به بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، با حضور جمعی از روحانیون و نمایندگان جامعه کلیمی
(همزمان با آغاز مراسم دهه مبارک فجر)



۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۳

ملاقات مدیرکل اداره کل بنیاد شهید استان تهران، جناب آقای مهندس نصیری و هیأت همراه با مقامات جامعه کلیمی، با خانواده معظم شهید فریبرز موریم در این دیدار، مهندس نصیری، ضمن تبریک فرا رسیدن دهه مبارک فجر و پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن اشاره به شهدای کلیمی و مقام والای شهیدان انقلاب اسلامی، با اهدای یک هدیه معنوی، از این خانواده تجلیل به عمل آورد.



اخبار دهه فجر به روایت...



۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۳

مراسم عطفافشانی، غبارروبی و گلباران
مزار شهدای ادیان توحیدی (مهمانی لاله‌ها)، در
محل آرامگاه زرتشتیان

۲۰ بهمن ماه ۱۳۹۳

دعا و نیایش و آرزوی سلامتی برای رهبر معظم
انقلاب و مسئولین محترم جمهوری اسلامی همزمان با
قرائت تورات مقدس.
همچنین، در این مراسم تورات مسروقه که با
تلاش قابل تقدیر مسئولین محترم نیروی انتظامی
کشف گردیده بود، به جامعه کلیمی مسترد گردید.



۲۰ بهمن ماه ۱۳۹۳

گردهمایی روحانیون و شخصیت‌های
فرهنگی ادیان توحیدی، با حضور وزیر
محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای علی
جنّتی به مناسبت ایام مبارک دهه فجر.



۲۱ بهمن ماه ۱۳۹۳

بزرگداشت پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و جشن ایلانوت، با حضور جمعی از مقامات عالی‌رتبه داخلی و خارجی، در محل تالار محبان و اجرای موسیقی اصیل سنتی توسط گروه هنرمندان کلیمی.



۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۳

ضمن حضور فعال جامعه کلیمیان در راهپیمایی پر شکوه ۲۲ بهمن، درمان رایگان کلیه بیماران سرپایی، در بیمارستان خیریه دکتر سپهر (بزرگترین نهاد خیریه جامعه کلیمیان)



برگزاری کنسرت موسیقی سنتی

در خانه جوانان

شادی نیسانی

خانه جوانان یهود تهران، شنبه ۹ خرداد ۱۳۹۴، میزبان گروه موسیقی سنتی مرکز موسیقی انجمن کلیمیان شد. اعضای گروه موسیقی سنتی، آقایان: پدرام یاشارل، سهیل رفوا، سالار خلیل نسب، سپهر سلیمانی و خانم حدیث بنیامینی می‌باشند. در این برنامه، قطعات پیش درآمد ماهور، ساز و آواز ماهور، تصنیف ز دست محبوب، رنگ، تصنیف زلف سرکج، تکنوازی تار، تصنیف مرغ سحر، تکنوازی دف و تصنیف سپیده (ایران) اجرا شد. در پایان، تصنیف سپیده به خواسته حضار، مجدداً تکرار شد.

در این برنامه، بیش از ۱۲۰ نفر میهمان خانه جوانان شدند و به دلیل محدودیت فضای سالن، متأسفانه عده‌ای موفق به شرکت در برنامه نشدند. از جمله ویژگی‌های مثبت این برنامه می‌توان به سکوت بسیار خوب سالن، استقبال بی‌نظیر از برنامه و ... اشاره نمود. در انتهای برنامه به مناسبت روز جوان شاخه گلی به دوستان عزیز داده شد. ■



اخبار

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

رهبرکبیر انقلاب اسلامی، از طرف جامعه کلیمیان تهران، در محل کنسای یوسف‌آباد با حضور جمعی از مسئولین کشوری، روحانیون جامعه کلیمی، نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، اعضای هیأت مدیره انجمن کلیمیان تهران و جمعی از اقشار مختلف جامعه، برگزار گردید.

در ابتدای مراسم، بیژن آصف، نماینده انجمن در ستاد مراسم بزرگداشت ارتحال حضرت امام، قطعه‌ای از اشعار شاهین (شاعر یهودی پارسی‌گوی قرن چهاردهم)، را قرائت کرد و با اشاره به روز پرتهاپ ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تأثر عمیق یهودیان را، از درگذشت حضرت امام یادآوری کرد. سخنران دوم، دکتر سیامک مره‌صدق، نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی بود. سپس جناب آقای دکتر زارع، رئیس دفتر دستیار ویژه ریاست محترم جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی، در سخنان خود، به فرمان ۸ ماده‌ای امام راحل در مورد اقلیت‌های دینی، اشاره کرد.



پس از ایشان، جناب آقای کریمی، ریاست ستاد مرکزی بزرگداشت سالگرد ارتحال امام، عباراتی از تهلیلیم یا همان زبور حضرت داوید و بیاناتی از قول امام راحل مبنی بر «توحید، مذهب همه است» و «ما ملت واحده هستیم» را بیان کردند.

سخنران بعد، دکتر همایون سامه‌یح، ریاست انجمن کلیمیان تهران بود که در صحبت‌های خود، یاد امام راحل و آزادسازی خرمشهر را، گرمی داشته و از نیروهای ارتش، سپاه

به دعوت معاونت سیاسی انتظامی فرمانداری تهران از ریاست انجمن کلیمیان تهران، ریاست انجمن زرتشتیان و شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران، روز سه‌شنبه مورخ ۹۴/۴/۱۶، اولین نشست هم‌اندیشی با اقلیت‌های مذهبی، در محل فرمانداری تهران برگزار گردید. در این دیدار از طرف انجمن کلیمیان تهران، مهندس امید محبتی مقدم (عضو هیأت مدیره و مسئول روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران) شرکت داشت. آقای ناصر بخت (معاون سیاسی انتظامی)، ضمن اشاره به همزیستی مسالمت‌آمیز اقلیت‌های مذهبی و قومی در طول تاریخ کشور عزیزمان همراه با برادران مسلمان، خواستار افزایش حوزه فکری در تصمیمات اتخاذ شده، در سطح کلان شد و هدف اصلی برگزاری این جلسه را «همبستگی ملی و مشارکت مدنی» بیان نمود. همچنین، معاون سیاسی انتظامی فرمانداری تهران، خواستار برگزاری جلسات ممتد به طور جداگانه با نمایندگان اقلیت‌های مذهبی، به جهت هم‌اندیشی و ایجاد صمیمت بیشتر، در حوزه‌های گوناگون شد که این پیشنهاد، مورد استقبال نمایندگان اقلیت‌های مذهبی نیز قرار گرفت.

در ادامه، مهندس امید محبتی مقدم، ضمن تشکر از دعوت فرمانداری تهران، با بیان این نکته که خوشبختانه، در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران، همواره فضای انتخاباتی مثبتی در میان جامعه کلیمی وجود داشته است، آمادگی انجمن کلیمیان تهران را برای برگزاری جلسات آتی، در محل انجمن اعلام کرد.

مراسم بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد

عروج ملکوتی حضرت امام خمینی (ره)، رهبرکبیر

انقلاب اسلامی از طرف جامعه کلیمیان تهران

روز سه‌شنبه مورخ ۹۴/۲/۲۹، مراسم بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد عروج ملکوتی حضرت امام خمینی (ره)،

(ریاست انجمن کلیمیان تهران) و مهندس امید محبتی مقدم (مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران)، حضور داشتند. در ابتدا، سردار پاسدار احمد ذوالقدر، جانشین فرمانده سپاه پاسداران استان تهران، به ایراد سخنرانی پرداخت. وی، ضمن بیان این که در نظام جمهوری اسلامی، شهدای ادیان توحیدی هیچ تفاوتی با سایر شهدا ندارند، مجاهدت در راه خداوند را، افضل اعمال نامید.

سردار ذوالقدر، وفادارترین و فداکارترین انسان‌ها را آنهایی دانست که برای دفاع از کیان ملت، رهسپار میدان‌های جنگ می‌شوند و اظهار داشت که ما هیچ قهرمانی، بالاتر از شهدا نداریم.



او، از نمایندگان اقلیت‌های مذهبی خواست تا با همکاری در جمع‌آوری آثار شهدا، به وظیفه خود مبنی بر جاودانه کردن نام آن عزیزان و الگو قرار دادن آنها در زندگی خود، جامه عمل بپوشانیم.

سپس، دکتر همایون سامه‌یح از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به خاطر دعوتی که از اقلیت‌های مذهبی برای شرکت در این جلسه شده بود، تشکر کرد و از این که فرصت ایجاد ارتباط انجمن کلیمیان با ارگان مهمی همچون سپاه پاسداران مهیا شده است، ابراز خرسندی نمود. همچنین، وی از نقش برجسته امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، در حل مشکلات جامعه کلیمی، تشکر و قدردانی کرد.



و بسیج به خاطر جانفشانی‌های انجام شده، قدردانی کرد. سپس، دکتر سلیمان کهن صدق، نایب رئیس انجمن کلیمیان و ریاست هیأت مدیره بیمارستان دکتر سپهر، ضمن اشاره به روز ۱۵ خرداد و همچنین آزادسازی خرمشهر، به رشادت‌های جوانان کلیمی در جبهه‌های دفاع مقدس پرداخت و ضمن ارج نهادن به مقام شامخ شهدای کلیمی، از جانباز سرافراز کلیمی، دکتر قهرمانی قدردانی کرد و به خدمات بیمارستان دکتر سپهر در خصوص مداوای مجروحین جنگ تحمیلی، اشاره نمود. در ادامه، آقای سعیدیان، شاعر کلیمی، قطعاتی از اشعار خود را که در مورد امام راحل بود، قرائت کرد. در پایان مراسم، جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، برای شادی روح حضرت امام، سلامتی رهبر فرزانه انقلاب و برقراری نظام مقدس جمهوری اسلامی و همچنین دولتمردان و جامعه، دعا کردند.

پاسداشت شهدای ادیان توحیدی

روز دوشنبه مورخ ۹۴/۳/۲۵، به دعوت سرتیپ دوم، پاسدار محمد ریوندی، معاون هماهنگ کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران بزرگ، برخی از نمایندگان اقلیت‌های مذهبی، به جهت پاسداشت شهدای ادیان توحیدی، در نشستی صمیمی در پادگان ولیعصر، حضور بهم رساندند.

در این نشست به غیر از نمایندگانی از جامعه آشوری و ارمنی، از طرف جامعه کلیمی، جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار، دکتر همایون سامه‌یح

خوشامدگویی، مطالبی در مورد سخنان حضرت امام در رابطه با اقلیت‌های مذهبی، عنوان نموده و سپس توضیحاتی در خصوص بیت موروئی، به مهمانان ارائه کرد.



سپس حجت‌الاسلام رضوی، رئیس نشر آثار حضرت امام در شهرستان خمین و آقای خورشیدی، موبد موبدان زرتشتیان، به ایراد سخنرانی پرداختند. سخنران بعد آقای بیژن آصف، نماینده انجمن کلیمیان تهران در ستاد بزرگداشت سالگرد ارتحال امام، بود. وی، ضمن اشاره به تعدادی از فرهیختگان جامعه کلیمی ایران، به تاریخ یهودیان قبل از مشروطه، پس از مشروطه و پس از انقلاب اسلامی پرداخت و عنوان داشت که یهودیان ایران در هر زمان، حفظ منافع ملی ایران عزیز را وظیفه خود دانسته و به بهترین شکل به آن عمل کرده‌اند.

وی، این نکته را نشانگر همزیستی مسالمت‌آمیز و همبستگی کلیمیان با ملت بزرگ ایران، دانست. این مراسم، با سخنرانی فرماندار خمین و بازدید از بیت موروئی حضرت امام، پایان پذیرفت. روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران از کلیه عزیزانی که در این بازدید شرکت داشتند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آورد.

دکتر سامیح، ابراز امیدواری کرد برگزاری این جلسه، مقدمه لازم برای همکاری بیشتر انجمن و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به همراه داشته باشد. سردار ذوالقدر نیز، ضمن تاکید بر جدایی جامعه یهود از توطئه شوم صهیونیست و همچنین برابر بودن اقلیت‌های مذهبی با دیگر احاد جامعه بر مبنای قانون اساسی، ابراز امیدواری کرد که به همراه تعامل بیشتر با انجمن کلیمیان، مشکلات باقیمانده نیز به زودی حل و فصل شود.

سپس سردار مجتبی عسگری، مسئول سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه، یادواره شهدا را، نوعی بازدارندگی دانست و از برنامه‌های آتی سپاه، برای برگزاری مراسم باشکوه یادواره شهدا، سخن گفت و از نمایندگان اقلیت‌ها خواست تا برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر این یادواره، با سپاه پاسداران، همکاری کنند. انجمن کلیمیان تهران، بلافاصله آمادگی کامل خود را برای همکاری در این زمینه اعلام داشت؛ به‌طوری‌که میزبانی خود را برای برگزاری جلسه آینده در محیط انجمن کلیمیان، اعلام کرد که خوشبختانه این پیشنهاد، مورد تصویب سردار عسگری نیز قرار گرفت.

بازدید جامعه کلیمیان تهران از بیت موروئی

حضرت امام در شهرستان خمین

روز پنجشنبه مورخ هفتم خرداد ماه ۹۴، با هماهنگی صورت گرفته با ستاد مرکزی بزرگداشت سالگرد ارتحال امام، جمعی از کلیمیان به همراه افرادی از سایر اقلیت‌های مذهبی، رهسپار بیت موروئی حضرت امام در شهرستان خمین، شدند.

کاروان اقلیت‌های مذهبی ساعت ۷ صبح از تهران حرکت کرده و حدود ساعت ۱۱/۳۰ به مقصد رسیدند. پس از حضور بازدیدکنندگان در سالن آمفی تئاتر، آقای کریمی، جانشین ریاست گرامیداشت بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام، ضمن



دیدار نمایندگان از جامعه کلیمی با یادگار

حضرت امام

روز چهارشنبه مورخ ششم خرداد ماه ۱۳۹۴، بنابر دعوت ستاد مرکزی بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، جمعی از اعضای هیأت مدیره انجمن کلیمیان و تعدادی از جوانان فعال کلیمی، به همراه نمایندگان از دیگر اقلیت‌های دینی، در مراسم دیدار با حاج آقا حسن خمینی (نوه حضرت امام)، حضور یافتند.



در این مراسم که با اقامه نماز و سخنرانی آقای انصاری (ریاست ستاد مراسم بزرگداشت ارتحال امام) آغاز شد، نوه حضرت امام به شجاعت و شهامت امام راحل اشاره کرده و اظهار داشت که در صورت نبود این شجاعت در روحیه حضرت امام، پیروزی انقلاب اسلامی، امکان نداشت.

نکته جالب اینکه پس از پایان مراسم، یادگار امام ضمن دیدار و گفتگو با دکتر همایون سامه‌یخ (ریاست انجمن کلیمیان تهران)، یادی از مرحوم حاکم یوسف همدانی کهن (مرجع سابق دینی کلیمیان ایران)، کرده و جوایز حال ایشان شدند؛ که پس از اطلاع از درگذشت آن عالم ربانی، تأسف خود را در این خصوص، ابراز داشتند.

نثار تاج گل به مرقد ملکوتی حضرت امام

توسط نمایندگان جامعه کلیمی

همانند سال‌های گذشته، امسال نیز یکی از برنامه‌های تعیین شده در سالگرد ارتحال بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی، نثار تاج گل به مرقد ایشان بود. به همین مناسبت، روز دوشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۹۴، جمعی از اعضای هیأت مدیره انجمن کلیمیان تهران، دکتر سیامک مره‌صدق (نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی) و تنی چند از چهره‌های مذهبی جامعه، در مرقد حضرت امام حضور یافته و ضمن تقدیم تاج گل به مرقد مطهر حضرت امام، با آرمان‌های ایشان تجدید میثاق کردند.



در این مراسم که نمایندگان از دیگر اقلیت‌های مذهبی نیز حضور داشتند، از طرف جامعه کلیمی، جناب حاکم دکتر یونس حمای لاله‌زار به ایراد سخنرانی پرداخته و در صحبت‌های خود مطالبی را از متن «پانچ الیاهو» در خصوص حضرت امام، بیان نمودند.

نشست‌های نمایندگان سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی با نمایندگان انجمن کلیمیان تهران

پیرو سلسله نشست‌های نمایندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با نمایندگان انجمن کلیمیان تهران،

شهر تهران، وابسته به کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران در روز دوشنبه مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۹۴ در محل آن ستاد برگزار گردید. در این جلسه دکتر الهه راستگو، نماینده شورای اسلامی شهر تهران و رئیس ستاد توان افزایی از آمادگی شورای اسلامی شهر تهران برای تشکیل کارگروه ادیان در این ستاد خبر داد و خواستار برقراری تعاملی مناسب و پیوسته باتمایندگان اقلیت‌های مذهبی شد.

در این نشست که از طرف انجمن کلیمیان تهران نیز، دکتر همایون سامه‌یح (عضو هیات مدیره و ریاست انجمن)، مهندس امید محبتی مقدم (عضو هیات مدیره و مدیر روابط عمومی)، مهندس دانیال مرادی (عضو هیات مدیره و مسئول کمیته املاک)، ادموند معلمی (عضو هیات مدیره و مسئول کمیته جوانان) و فرزاد طوبیان (عضو کمیته املاک، بهشتیه و کثروت) حضور داشتند، نمایندگان جامعه کلیمی خواستار همیاری شورای اسلامی شهر تهران برای حل پاره‌ای از مشکلات موجود اشاره شده در جلسه در خصوص جامعه کلیمیان شدند.

در انتهای جلسه نیز دکتر الهه راستگو و جناب آقای منوچهر وثایق از پیگیری موارد مطرح شده خبر داده و نسبت به حل آنها ابراز امیدواری کردند. شایان ذکر است ستاد توان افزایی، مبلغ ۵۰ میلیون ریال بن را برای کمک به به افراد بی بضاعت جامعه اختصاص داد.

دومین نشست هم‌اندیشی مابین فرمانداری تهران و انجمن کلیمیان تهران

روز دوشنبه مورخ ۱۲ مرداد ماه ۱۳۹۴، دومین نشست هم‌اندیشی مابین فرمانداری تهران و انجمن کلیمیان تهران به میزبانی انجمن کلیمیان برگزار شد. در این نشست صمیمی، آقای ناصر بخت (معاون سیاسی انتظامی فرمانداری تهران)، بار دیگر بر لزوم حفظ

نشست صمیمی و دوستانه دیگری، این بار به میزبانی انجمن کلیمیان در محل تالار ابریشمی به تاریخ دوم شهریور ماه ۱۳۹۴ برگزار گردید. سردار مجتبی عسگری (مسئول سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه)، پاسدار غلامرضا احمد آبادی، دکتر همایون سامه‌یح (عضو هیات مدیره و ریاست انجمن)، مهندس امید محبتی مقدم (عضو هیات مدیره و مدیر روابط عمومی)، ادموند معلمی (عضو هیات مدیره و مسئول کمیته جوانان)، مهندس دانیال مرادی (عضو هیات مدیره و مسئول کمیته املاک) و خانم‌ها نسترن جاذب و هیلدا نجات حمیم افرادی بودند که در این دیدار حضور داشتند.

در ابتدای این دیدار دکتر همایون سامه‌یح مجدداً از تعامل مناسب صورت گرفته میان انجمن کلیمیان با ارگان‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی در سالیان اخیر ابراز خرسندی نموده و خواستار همکاری برادران سپاه برای حل پاره‌ای از مشکلات باقی مانده جامعه کلیمیان شد. پیگیری امور و جزئیات مربوط به برگزاری یادواره شهدای اقلیت، موضوع مهم دیگری بود که در این دیدار مورد بررسی قرار گرفت.

سپس سردار مجتبی عسگری و پاسدار غلامرضا احمد آبادی با راهنمایی نمایندگان انجمن کلیمیان تهران، به بازدید از مجتمع آموزشی موسی بن عمران و کنیسه ابریشمی پرداختند و از هخال کنیسه (جایگاه نگاهداری تورات مقدس) بازدید نموده و با کلیات نحوه نماز گزاردن کلیمیان آشنا شدند. در خاتمه این دیدار، از نمایندگان محترم سپاه پاسداران با صرف ناهار پذیرایی شد.

نشست نمایندگان اقلیت‌های مذهبی با ستاد توان افزایی
اولین نشست نمایندگان اقلیت‌های مذهبی با ستاد توان افزایی و حمایت از فعالیت سازمان‌های مردم نهاد



روز جهانی قدس

همزمان با روز جهانی قدس (۱۹ تیر ماه ۱۳۹۴)، جامعه ایرانیان کلیمی همراه با سایر آحاد ملت حق طلب و ظلم ستیز ایران عزیز، مطابق روال هر ساله، با شرکت در راهپیمایی این روز، خشم و تنفر خود را از رفتارهای غیر دینی و غیر انسانی رژیم صهیونیستی اعلام کرد. در این راهپیمایی جمعی از اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، جوانان و اقشار مختلف جامعه کلیمی حضور داشتند که البته همانند همیشه مورد توجه رسانه‌های داخلی و خارجی قرار گرفتند. دکتر همایون سامه‌یج (ریاست انجمن کلیمیان تهران) و همچنین دکتر سلیمان کهن صدق (ریاست هیئت مدیره بیمارستان دکتر سپهر) به دعوت عوامل شبکه سه سیما که در میدان فلسطین مستقر بودند، مصاحبه‌ای را به طور زنده با این شبکه انجام دادند و در آن تاکید کردند که رفتار دولت اسرائیل کاملاً بر خلاف آموزه‌های نبوی حضرت موسی کلیم ... بوده و با هیچ عقل سلیم بشری تطابق و همخوانی ندارد و باید همانند فرمایش امام (ره) حساب جامعه یهود را از صهیونیست جدا دانست.

انسجام ملی در میهن عزیزمان ایران تاکید کرد و همدلی مذاهب و اقوام مختلف را کلید پیروزی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدهای مختلف دانست. دکتر سامه‌یج (ریاست انجمن کلیمیان) نیز در این دیدار به ذکر برخی از مسائل جامعه کلیمیان پرداخت و از حسن توجه مقامات جمهوری اسلامی و به ویژه فرمانداری تهران درباره اقلیت‌های مذهبی و به خصوص جامعه کلیمی، تشکر و قدردانی کرد.

شایان ذکر است که در این دیدار علاوه بر ریاست انجمن کلیمیان تهران، تعدادی از اعضای هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران از جمله مهندس امید محبتی مقدم (مدیر روابط عمومی)، ادموند معلمی (مسئول کمیته جوانان) و فرید یشار (مسئول کمیته ورزش) به همراه برخی از فعالین جامعه حضور داشتند.



Eugene Subbotsky Magic and the Mind

Mechanisms, Functions, and Development
of Magical Thinking and Behavior

Translated by: F. Moradian, Ph.D., N. N. Tafti

به منظور مرسوم تفکر و رفتار جادویی چون بدیل‌های نابخشودنی و گمراه‌کننده تفکر علمی تلقی شده است که تاکنون با افزایش سن در کودکان کاهش می‌یابد. چنین تمایلاتی در بزرگسالان عمدتاً توسط روان‌شناسان به عنوان خرافاتی که از ناکامی، عدم قطعیت، و ماهیت بی‌پایایی پدید می‌آید بر برخی فعالیت‌های بشر تعبیه می‌شوند برجسته خورده است.

وزن سبب‌شناسی در کتاب جادو و ذهن مروری بر سازوکارها و رشد تفکر و باورهای جادویی در گستره عمر ارائه می‌دهد، و در ضمن آن استدلال می‌کند که باید در نقش این گونه تفکر در تحول بشر تجدید نظر کرد. تفکر جادویی در کودکان بیش از آنکه مانعی برای تفکر علمی یا محصول جانی باشد، ساختاری است که مکمل مهم و ضروری برای این فرآیندهاست و از جمله مزایای دیگر آن می‌توان از ارتقاء اخلاقیات در حل مسئله و تحکیم راهبردهای مقابله‌ای را نام برد. تفکر و باورهای جادویی در بزرگسالان هم برای فرد امکان آمدن با مسائل لاینحل و موقعیت‌های استرس‌زا و هم برای جامعه امکان نمود جمعی و از ارتقاء همسازی اجتماعی و وظایف مهمی ایفا می‌کند. تفکر جادو می‌تواند یک گام برای برآوردهایی که به علت فیزیکی محدودیت‌هایی شوند، مانند هجرت‌ها، روزه‌ها و نفس‌ها سازوکار روان‌شناختی روانه زندگی است که بنا بر استدلال سبب‌شناسی در باب سبب‌شناسی، آگاهی‌های بارزکشی و روان‌درمانی تبیین شده است و شکل‌گیری و در آن‌ها مانع است به معنای در دو فضای ذهن و ذهن تحت سیطره خود دارد.

کتاب جادو و ذهن به در آنکه ما از اهمیت تفکر جادویی کمک منحصر به فردی می‌کند و شواهد تجربی و نسخه‌کتابی‌های ارائه می‌دهد که تاکنون در یک منبع گرد نامند. این اثر می‌تواند برای دانشجو، پژوهشگر، روان‌شناسی و نیز جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، و آموزگاران جذابیت ایجاد کند.

ویراسته‌های برجسته:

- به نظر می‌رسد که فرد از دیدگاه سبب‌شناسی کودک که از او سبب‌شناسی مباحث نام در این حوزه
- کمک به حوزه‌های روان‌شناسی، فلسفه و علومهای جادویی از جمله برای برای رست
- سبب‌شناسی و جادو می‌تواند



فراخوان نشریه افق بی‌نا

بدینوسیله از کلیه همکیشان عزیز که در امر نویسندگی و ادبیات توانمند هستند و علاقه‌مندند که با نشریه همکاری داشته باشند و جزو هیئت تحریریه فعالیت نمایند، تقاضا می‌کنیم که با دفتر نشریه در انجمن کلیمیان تماس حاصل فرمایند تا وقت مصاحبه برایشان تعیین گردد.

نشریه افق بی‌نا



۱۶ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

حضور انجمن کلیمیان تهران در بیست و هشتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران



OFEGH BINA

Cultural, Social and News Magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
VOL.17, No42, Nov. and Dec. 2015



از راست به چپ: ایستاده: امید ماخانی، الیاس تراشندگان، فرید یاسار، بهداد میکانیل،
امید محبتی، همایون سامیج، سلیمان کهن‌مدق، بهمن عزیزاده، رامین لالمیور، موسی نانی،
نشسته: بیژن آصف، دانیل مرادی، شاهین آشوری، ادموند معلمی، داوود کوهریان.

تجدید و احیای
روحیه و انگیزه
آبادی و رفاه
و پیشرفت



وحدت و همدلی آرزوی هر ایرانی